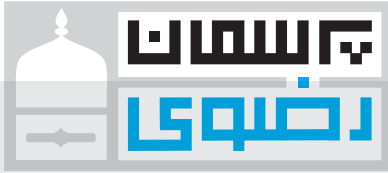




سرشناسه: پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -  
عنوان و نام پدیدآور: منزلت زیارت: ویژگی‌ها و آداب زیارت امام رضا (ع) / نویسنده محمدباقر پورامینی؛ تهیه معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.  
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱. فروست: پرسمان رضوی؛ ۵. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۵۰-۱  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه. موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۹۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها - زیارت  
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی؛ مؤسسه انتشاراتی قدس رضوی  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج ۴۵ پ ۹ پ/۳۵/۳۵ BP۴۷  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۰۲۵۸۷

# منزلت زیارت

ویژگی‌ها و آداب زیارت امام رضا علیه السلام



محمد باقر پورامینی

	
<b>نام اثر:</b> منزلت زیارت، ویژگی‌ها و آداب زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small>	
<b>نویسنده:</b> محمد باقر پورامینی	
<b>تهیه:</b> اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی	
<b>چاپ نخست:</b> تابستان ۱۳۹۲	
<b>ناشر:</b> انتشارات قدس رضوی	
<b>شابک:</b> ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۵۰-۱	
<b>شمارگان:</b> ۳۰۰۰ نسخه	
<b>نشانی:</b> مشهد، حرم مطهر امام رضا <small>علیه السلام</small> ، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی	
<b>تلفن:</b> ۲۲۳۵۳۱۲ - ۰۵۱۱ - نمابر: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲	
<b>به‌کوشش:</b> محمدحسین پورامینی	
<b>ویراستاران:</b> مهسا صابر، محمد مهدی باقری	
<b>مدیر هنری:</b> سیدحسین موسی‌زاده	
 <p>معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی</p>	 <p>اشارات قدس رضوی</p>



## فهرست مطالب

### فصل اول حکمت زیارت

- ۱۹ ■ مفهوم زیارت
- ۲۰ ■ ثمره‌های معنوی
- ۲۱ ■ محبت و شیدایی
- ۲۲ ■ پیوند و وصل
- ۲۳ ■ اعلان نصر
- ۲۴ ■ تقرب به خدا
- ۲۵ ■ مغفرت‌خواهی و توبه

### فصل دوم پیشینه زیارت

- ۳۱ ■ زیارت در منظر قرآن
- ۳۱ ■ مشروعیت زیارت
- ۳۳ ■ سیره اهل بیت علیهم‌السلام در زیارت
- ۳۴ ■ زیارت اهل سنت

### فصل سوم فضیلت زیارت

- ۳۹ ■ از رضا تا آل محمد
- ۳۹ ■ برتری زیارت امام به زیارت کربلا
- ۴۱ ■ زیارت امام در نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
- ۴۳ ■ نگاه ائمه علیهم‌السلام به زیارت امام رضا علیه‌السلام
- ۴۴ ■ فضیلت زیارت در نگاه پدر و فرزند امام
- ۴۵ ■ فضیلت زیارت
- ۴۶ ■ ثواب فراوان برای یک زیارت
- ۴۷ ■ دست‌گیری امام از زائر

### فصل چهارم زمان زیارت

- ۵۱ ■ زیارت ماه رجب
- ۵۲ ■ زیارت بیست و سوم ذی قعدة
- ۵۳ ■ سلام بعد از نماز

### فصل پنجم آداب زیارت

- ۵۷ ■ آداب زیارت
- ۵۹ ■ غسل زیارت
- ۶۱ ■ اذن ورود
- ۶۲ ■ بوسه بر ضریح و عتبه
- ۶۴ ■ سجده در برابر ضریح
- ۶۴ ■ گشتن دور ضریح
- ۶۵ ■ چیستی تبرک
- ۶۶ ■ دلیل تبرک
- ۶۷ ■ تهدیدهای ادب زیارت
- ۶۹ ■ خضوع و خشوع
- ۷۱ ■ برنامه حضور
- ۷۲ ■ بلند صحبت کردن
- ۷۳ ■ لحظات حضور در حرم
- ۷۴ ■ زیارت برای بانوان
- ۷۴ ■ ریا در زیارت
- ۷۵ ■ جایگاه زائران
- ۷۶ ■ زیارت وداع

### فصل ششم متن زیارت

- ۸۱ ■ زیارت مأثور
- ۸۲ ■ زیارت مأثور حرم رضوی
- ۸۲ ■ صلوات مخصوص
- ۸۲ ■ نماز زیارت

### فصل هفتم عرفان زیارت

- ۸۷ ■ سلام بر امام
- ۸۸ ■ ارتباط با امام
- ۹۰ ■ زیارت همراه با معرفت
- ۹۱ ■ میزان توجه
- ۹۲ ■ میثاق با امام
- ۹۲ ■ تحول

### فصل هشتم آثار زیارت

- ۹۷ ■ استعانت از خدا
- ۹۸ ■ حاجت خواهی
- ۱۰۰ ■ استجابیت دعا
- ۱۰۲ ■ عامل شفا
- ۱۰۳ ■ شفاخانه

### فصل نهم کانون زیارت

- ۱۰۹ ■ جایگاه مشهد
- ۱۱۰ ■ مفهوم مشهد
- ۱۱۱ ■ مزار امام در شعر دِعبِل
- ۱۱۳ ■ روضهٔ رضا
- ۱۱۴ ■ گزارش مورخان از بارگاه رضوی
- ۱۱۷ ■ تاریخچهٔ ساخت حرم
- ۱۲۰ ■ قداست مدفن معصومان علیهم السلام
- ۱۲۱ ■ ساخت بارگاه و گنبد
- ۱۲۲ ■ موقوفات آستان
- ۱۲۵ ■ کتابنامه



## فهرست پرسش‌ها

- ۱۹ زیارت به چه معناست؟ آیا همان دیدن است؟
- ۲۰ چرا به زیارت توصیه می‌کنند؟ در زیارت چه ثمره‌هایی وجود دارد؟
- ۲۱ رابطه زیارت و محبت چیست؟ اصولاً زیارت امام، ارتباطی با محبت به ایشان دارد؟
- ۲۲ در حرم امام رضا علیه السلام احساس پیوند خاصی می‌کنم. فکر می‌کنم پس از دوره‌ای دوری، دوباره وصل شده‌ام. این زیارت چه معنایی دارد؟
- ۲۳ شب اولی که به حرم رفتیم، جوانی را مقابل ضریح دیدم که به شدت گریه می‌کرد. او به آرامی با امام رضا علیه السلام صحبت می‌کرد. کنارش ایستاده بودم. این سخن او را هرگز فراموش نمی‌کنم که مدام می‌گفت: «آقا ما هستیم. به یاری ما اعتماد کنید.» این نوع زیارت به چه معناست؟
- ۲۴ در برخی زیارت‌نامه‌ها آمده است: «به این مکان زیارتی آمده‌ام برای قرب به خدا.» منظور از این قرب چیست و چگونه به دست می‌آید؟
- ۲۵ رابطه زیارت و دوری از گناه چیست؟ آیا در وقت زیارت می‌توانیم انتظار بخشش داشته باشیم؟
- ۳۱ وهابیان معتقدند که اصل زیارت بدعت است و ریشه دینی ندارد. چه پاسخی دارید؟ قرآن چه می‌گوید؟
- ۳۱ وهابیان معتقدند زیارت بعدها ایجاد شد و در دوره پیامبر وجود نداشت. این ادعا از کجا ریشه دوانیده است؟ آیا می‌توان حدیثی درباره مشروع بودن زیارت برشمرد؟
- ۳۳ آیا اهل بیت علیهم السلام هم به زیارت تشویق می‌کردند و خود به زیارت می‌رفتند؟
- ۳۴ آیا زیارت امام رضا علیه السلام مخصوص شیعیان است یا آنکه اهل سنت هم به زیارت حرم می‌آیند؟ نمونه‌هایی از زیارت آنان را بیان کنید. علت زیارت عالمان اهل سنت چه بوده است؟
- ۳۹ نسبت زیارت امام رضا علیه السلام با زیارت سایر ائمه علیهم السلام چیست؟ ثواب زیارت ایشان، مساوی است یا برتری وجود دارد؟



۳۹ ■ با توجه به تأکیدهای فراوانی که درباره اهمیت و ثواب زیارت کربلا وجود دارد، چرا زیارت امام رضا علیه السلام را برتر از زیارت امام حسین علیه السلام دانسته‌اند؟

۴۱ ■ آیا از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن و نکته‌ای درباره زیارت امام رضا علیه السلام بیان شده است؟ نمونه‌هایی ذکر کنید.

۴۳ ■ ائمه اطهار علیهم السلام مانند حضرت علی علیه السلام، چه نکته‌ای درباره زیارت امام رضا علیه السلام بیان کرده‌اند؟

۴۴ ■ امام هفتم و امام نهم درباره زیارت امام هشتم چه فرموده‌اند؟

۴۵ ■ امام رضا علیه السلام درباره فضیلت زیارت خود چه فرموده‌اند؟

۴۶ ■ ثواب‌های بسیاری برای زائران حرم امام رضا علیه السلام در نظر گرفته‌اند. برایم سؤال است که چگونه برای یک سفر و زیارت این همه پاداش منظور کرده‌اند. آیا به این احادیث می‌توان اعتنا کرد؟ در صورت پذیرش احادیث، چگونه با مفهوم آن کنار می‌آیید؟

۴۷ ■ معروف است که امام رضا علیه السلام در مکان‌های خاصی به زیارت زائرشان می‌آیند. این مکان‌ها کجاست؟ آیا این سخن مستند است؟

۵۱ ■ آیا درباره فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام در ماه رجب، سند معتبری وجود دارد؟

۵۲ ■ در کدام کتاب معتبر، به زیارت امام رضا علیه السلام در ۲۳ ذی‌قعدة اشاره شده است؟ دلیل آن چیست؟

۵۳ ■ چرا بعد از نمازهای یومیه به امام رضا علیه السلام سلام می‌دهیم؟ آیا این کار درست است؟

۵۷ ■ دوست دارم وقتی به حرم مطهر امام رضا علیه السلام مُشرف می‌شوم، بهترین بهره و استفاده معنوی را از آن مکان مقدس ببرم. آداب زیارت امام چیست و برای رعایت آن‌ها چه توصیه‌ای شده است؟

۵۹ ■ برای زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام غسل توصیه شده است. علت چیست؟

۶۱ ■ چرا مرسوم است پیش از ورود به حرم آقا، اذن ورود بخوانند؟

۶۲ ■ بوسیدن ضریح‌های مقدّس و درودیوار حرم چه صورتی دارد؟ در صورت عیب‌داشتن، آیا ثواب دارد؟

۶۴ ■ سجده‌کردن در برابر ضریح امام چه حکمی دارد؟

۶۴ ■ مردم به رسم گذشته، دور ضریح می‌گردند و آن را می‌بوسند. آیا این کار درست است؟

۶۵ ■ تبرک به چه معناست؟ آیا واقعاً می‌توانیم از درودیوار حرم تبرک جوئیم؟ گویا وهابیان از آن جلوگیری می‌کنند و آن را شرک می‌دانند.

۶۶ ■ دلیل مشروع بودن تبرک جوئی به ضریح و درودیوار حرم امام رضا علیه السلام چیست؟ آیا اهل بیت علیهم السلام نیز در حرم معصومان دیگر تبرک می‌جستند؟

۶۷ ■ بزرگ‌ترین خطری که می‌تواند ما را از ادب زیارت دور کند، چیست؟

۶۹ ■ می‌گویند با خضوع و خشوع وارد حرم شوید. منظور از این توصیه چیست؟

۷۱ ■ سعی می‌کنم در مدت حضور در حرم امام رضا علیه السلام، از فضای معنوی پیرامون استفاده کنم؛ ولی راه درست آن را نمی‌دانم. لطفاً بنده را راهنمایی کنید.

۷۲ ■ آیا بلند صحبت کردن در حرم معصومان علیهم السلام، مثلاً زیارت‌نامه خواندن با صدای بلند و...، خلاف ادب است؟

۷۳ ■ آیا وقتی در حرم امام هستیم، بعد از خواندن زیارت‌نامه می‌توانیم برنامه عادی خود را پی بگیریم؛ مثلاً با همدیگر صحبت کنیم؟ یا در وقت ماندن در حرم باید آدابی رعایت کنیم؟

۷۴ ■ آیا بانوان زائر برای زیارت حرم معصومان علیهم السلام آداب خاصی دارند؟ نوع حضور آنان چگونه است؟

۷۴ ■ آیا ریا در زیارت اشکال دارد و موجب از بین رفتن عمل ما می‌شود؟

۷۵ ■ گاهی در لحظه ورود به حرم، حالی به ما دست می‌دهد که خود را در مقایسه با سایر زائران برتر می‌دانیم. بعضی اوقات هم پیش می‌آید که ناخودآگاه، حقوق سایر مردم را رعایت نمی‌کنیم. در این باره بفرمایید.

۷۶ ■ آیا زیارت وداع مستحب است؟ به هنگام خداحافظی، باید چگونه از حرم خارج شد؟

۸۱ ■ بسیار شنیده‌ام که زائران را به خواندن زیارت مأثور یا منقول سفارش می‌کنند. منظور چیست؟

۸۲ ■ در حرم امام رضا علیه السلام چه زیارتی بخوانیم؟ زیارت‌های مأثور برای زیارت امام رضا علیه السلام کدام است؟

- ۸۲ سند زیارت کوتاهی که برای امام رضا علیه السلام نقل شده است، چیست؟
- ۸۲ آیا در زیارت‌هایی که برای امام رضا علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام در حرم آنان می‌خوانیم، باید نمازشان را نیز بخوانیم؟ در زیارت امامزاده‌ها چطور؟ آیا نماز هم دارد؟ کیفیت نماز زیارت مثل نماز صبح است یا سوره خاصی دارد؟
- ۸۷ آیا با وجود اینکه امام رضا علیه السلام از دنیا رفته‌اند، می‌توان با امام سخن گفت و به ایشان سلام کرد؟
- ۸۸ آیا روح امام رضا علیه السلام در حرم و صحن مبارک وجود دارد؟ اگر وجود ندارد، پس چگونه انسان با ایشان ارتباط برقرار می‌کند و جواب می‌گیرد؟
- ۹۰ می‌گویند بهترین زیارت، زیارت همراه با معرفت است. مقصود از عارفاً بحقه که در بسیاری از روایات آمده است، چیست؟
- ۹۱ امام رضا علیه السلام را بسیار دوست دارم و همیشه به زیارت ایشان می‌آیم. می‌خواهم بدانم که حضرت مرا می‌بینند؟ توجه ایشان به من چگونه است؟
- ۹۲ میثاق با امام رضا علیه السلام چگونه است؟
- ۹۲ همیشه در پی زیارتی بوده‌ام تا مرا تغییر دهد و خوبم کند. در این باره چه راهی وجود دارد؟
- ۹۷ خداوند به همگان سفارش می‌کند که فقط از او کمک بجویند. آیا کمک خواستن از غیر خدا درست است؟
- ۹۸ به نظر می‌رسد بعضی زائران، بیشتر از آنکه از خدا حاجت بخواهند، از امام رضا علیه السلام می‌خواهند. آیا اشکال ندارد؟
- ۱۰۰ آیا چیزهایی که در حرم امام رضا علیه السلام می‌خواهیم، واقعاً مستجاب می‌شود؟
- ۱۰۲ خدا مریض را شفا می‌دهد یا امام رضا علیه السلام؟ آیا هر مریضی که به حرم امام رضا علیه السلام می‌آید، شفا می‌یابد؟
- ۱۰۳ پسر برادرم ابتدا راه می‌رفت، حرف می‌زد، غذا می‌خورد؛ ولی الان نه راه می‌رود، نه حرف می‌زند، نه غذا می‌خورد. او را هر امام و امامزاده‌ای که می‌شناختیم، بردیم، حتی حرم امام رضا علیه السلام؛ ولی شفا پیدا نکرد. همگی ناامیدیم. درباره شفا دادن توضیحاتی بیان کنید.

۱۰۹ ■ شنیده‌ام مکان دفن امام رضا علیه السلام عظمت خاصی دارد. دوست دارم دربارهٔ عظمت این مکان بدانم. دربارهٔ فضیلت توس و مشهد مقدس توضیح دهید.

۱۱۰ ■ مشهد به چه معناست؟ چرا این واژه دربارهٔ شهر محل خاک سپاری امام به کار می‌رود؟

۱۱۱ ■ در شعر دُعبِل خزاعی، چه اشاره‌ای به مزار امام رضا علیه السلام شده است؟

۱۱۳ ■ پیش‌تر خوانده بودم در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله مکانی است که بدان «روضه» می‌گویند. گویا دربارهٔ حرم امام رضا علیه السلام نیز چنین تعبیری وجود دارد. در این باره توضیح دهید.

۱۱۴ ■ مورخان چه گزارشی از بارگاه و صحن و سرای امام رضا علیه السلام و نیز رفت و آمد مردم به آنجا ارائه کرده‌اند؟

۱۱۷ ■ تاریخچهٔ بنای حرم امام رضا علیه السلام را از آغاز تا کنون بیان کنید.

۱۲۰ ■ راز قداست مدفن پیشوایان دین علیهم السلام چیست؟

۱۲۱ ■ آیا ساخت و توسعهٔ بنا و بارگاه حرم، در اسلام مشروع و جایز است؟

۱۲۲ ■ آستان امام رضا علیه السلام موقوفات فراوانی دارد. تنوع آن‌ها چگونه است و از چه زمانی ایجاد شدند؟





## پیشگفتار

حضور در حرم جزو لحظه‌های به یادماندنی زندگی هر زائر است. او در این بوستان بهشت، خود را به دست نسیم رحمت الهی می‌سپارد و به برکت توجه حجت پروردگار و در پرتو حضور در محضر ولی خدا و به یمن دعا و عنایتش، زندگی دنیوی و اخروی خویش را با انوار خورشید امامت، نورانی می‌سازد.

براین باوریم که همه زائران این بهشت، عزیزند و گران‌مایه و وظیفه حرمتگزاری آنان بر همه ما خدمتگزاران، لازم است و بایسته. در آستان قدس رضوی، تمامی خادمان به سهم مأموریتی که بر دوش دارند، در ارج نهادن به جایگاه والای زائران در تکاپو و تلاش اند. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود، در جهت توسعه و ترویج فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و انتقال پیام انقلاب شکوهمند اسلامی به زائران آستان جانان، انجام وظیفه می‌کند. این معاونت، راهنمایی زائران و پاسخ‌گویی به پرسش‌های آنان را عهده‌دار بوده و دغدغه‌دار آشنایی بیشتر این گرامیان با معارف شیعی است.

در سپردن این مسئولیت مقدس، سپاسمند درگاه پروردگار مهربانیم و امیدوار دست یاری حجت او، پاره‌ای از پرسش‌های مهم زائران این حریم ملکوتی را در قالب مجموعه «پرسمان رضوی»، با محور قرار دادن ابعاد رنگارنگ زندگی امام رضا (ع) پاسخ گفته‌ایم و در قالبی نو تقدیمتان می‌کنیم.

سید جلال حسینی

معاون تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی



## درآمد

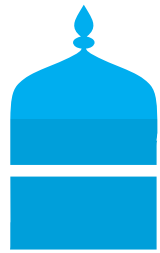
زیارت نشانی از محبت و شیدایی است و بیانگر زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی زائر به امام. زمانی که زائر به زیارت امام مشرف می‌شود، در این بهشت، مهمان سفره معنوی ولی خداست و با زیارت، شایستگی و موقعیت آن را می‌یابد که زیر چتر عنایتش قرار گیرد. از این رو به هنگام زیارت، نسیم لطف امام رضا علیه السلام به زائر می‌وزد و زمینه کسب فیض برای وی فراهم می‌آید. او در آن هنگام می‌تواند با توجه به ویژگی‌ها و رعایت آداب زیارت، به بخشش گناه و رفع گرفتاری و رسیدن به مقصود خود امید داشته باشد. «منزلت زیارت» دریچه‌ای به این اقبال و خواست زائران حرم دوست است.

وجهه همت این دفتر بر این است که فشرده و مفید، بخشی از پرسش‌های بسیار شما زائران آستان رضوی را برای شناخت بیشتر از زیارت، پاسخ گوید. در این راستا، ضمن توجه به حکمت، فضیلت و عرفان زیارت، از پیشینه، زمان، آداب، متون و آثار زیارت سخن می‌راند و به صورت خاص، از مشهدالرضا علیه السلام کانون زیارت مشتقان امام، یاد می‌کند.



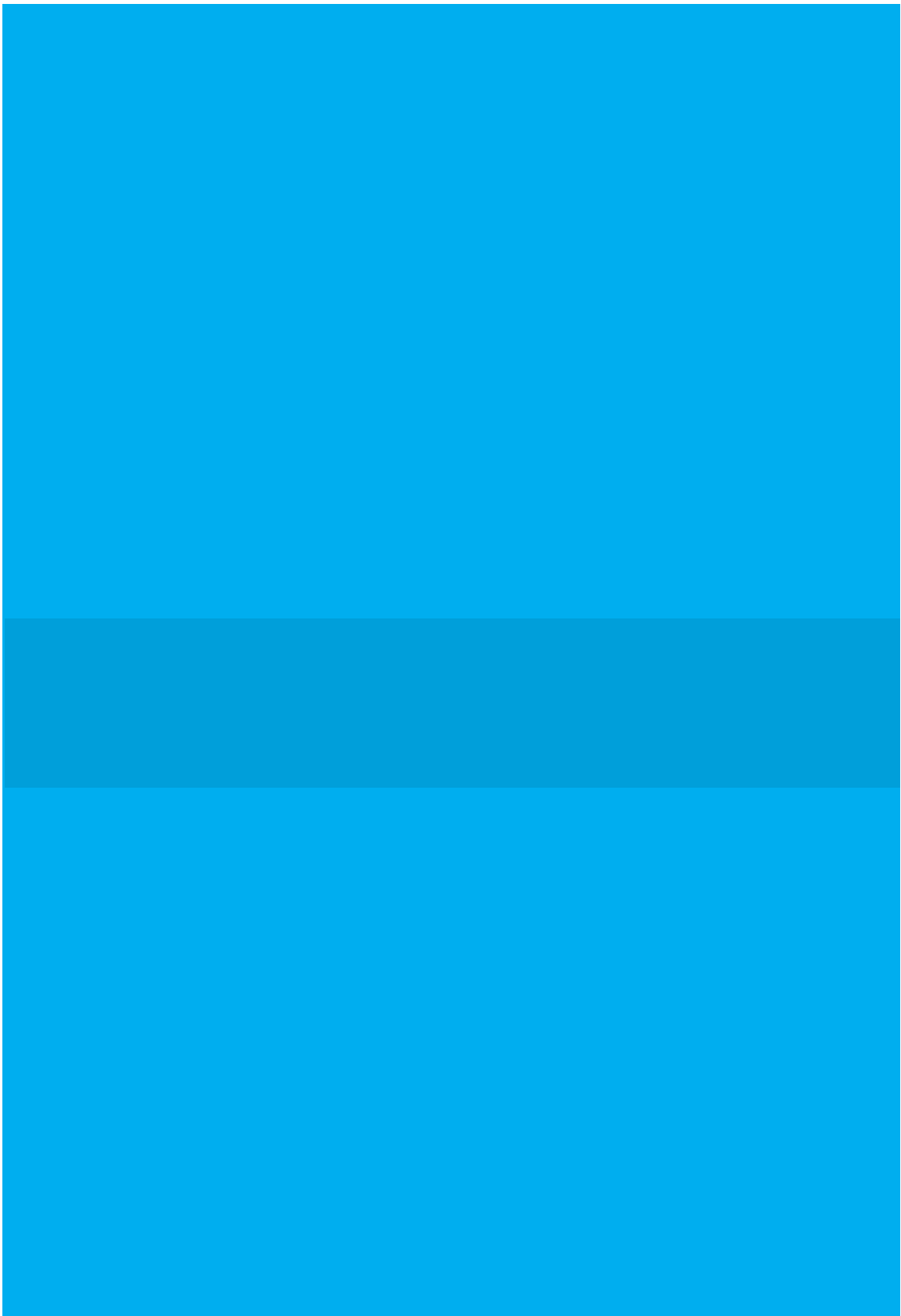






فصل اول:

حکمت زیارت



## ● مفهوم زیارت

زیارت به چه معناست؟ آیا همان دیدن است؟

زیارت از ریشه «زور» و به معنای میل به چیزی و عدول از چیز دیگر است.<sup>۱</sup> برخی معتقدند زیارت به معنای قصد و توجه است. به عبارتی قصد دیدن زیارت شونده (مُزَوَّر) است به منظور گرامیداشت و ارج‌گزاری و انس‌گیری با او.<sup>۲</sup> احمد بن فارس می‌گوید: «زائر را بدین دلیل زائر می‌گویند که وقتی به زیارت تو می‌آید، از غیر تو رو برمی‌گرداند.»<sup>۳</sup> از کلام علمای علم لغت پیداست که معنای زیارت، فقط قصد خالی نیست؛ بلکه قصدی است که با هدف اکرام و تعظیم زیارت شونده و انس‌گیری با او صورت می‌پذیرد. طریحی چنین بیان می‌کند: «اینکه بر ملاقات اولیا و بزرگان اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است؛ درحالی‌که [انسان] در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می‌کند. در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کند و نسبت به زیارت شونده هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس

۱. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۶. راغب گوید: «زور، به فتح ز، بالای سینه است. زُرث فلانا؛ (اورا زیارت کردم)، یعنی با سینه‌ام وی را ملاقات کردم» (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۸۶ و ۳۸۷).

۲. فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۶۰.

۳. الزائر لانه اذا زارك فقد عدل من غیرک (مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۶).

روحی همراه باشد.»<sup>۱</sup> پس زیارت در مرتبه برین و کامل خود، همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به زیارت شونده را به همراه دارد.

### • ثمره‌های معنوی

چرا به زیارت توصیه می‌کنند؟ در زیارت چه ثمره‌هایی وجود دارد؟

در زیارت نتایج فراوانی نهفته که ثمره معنوی، در اوج آن‌هاست. زمانی که زائر به زیارت پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ مشرف می‌شود، مهمان سفره معنوی اولیای خداست. با زیارت، شایستگی و موقعیت آن را می‌یابد که به او عنایت شود: هم از سوی خدا و هم از سوی معصومان بزرگوار ﷺ. به هنگام زیارت، نسیم لطف معصوم به زائر می‌وزد و زمینه کسب فیض برایش فراهم می‌شود. او در آن هنگام می‌تواند به برآورده شدن حاجت، رسیدن به مقصود، بخشش گناه و رفع گرفتاری اش امید داشته باشد.

مرحوم نراقی در ترسیم این موقعیت می‌گوید: «نفوس نیرومند قدسی، به خصوص انبیا و ائمه ﷺ پس از آزادی از قفس تن و صعود به عالم تجرّد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهان‌اند. امور جهان نزد آنان آشکار است و قدرت و تأثیرگذاری در موادّ عالم دارند. هرکس که به زیارتشان برود، از آن آگاه و بر او شاهدند و اطلاع کامل از زائران مرقدشان و از درخواست‌ها و توسل‌ها و تضرع‌ها و شفاعت‌طلبی‌هایشان دارند. پس نسیم لطف این اولیا، بر زائران می‌وزد و رشحاتی از فروغ آنان بر زائران می‌تابد و در رفع نیاز و برآورده شدن حاجت‌ها و رسیدن به مقصودشان و بخشش گناهانشان و رفع گرفتاری‌هایشان، در پیشگاه خداوند شفاعت می‌کنند. این است رمز این همه تأکید در زیارت پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ»<sup>۲</sup> نراقی، این آثار را نیز در نظر می‌آورد: «علاوه بر این، در این زیارت‌ها اجابت دعوت ائمه ﷺ و پیوند با آنان و خشنودکردنشان و تجدید عهد با ولایتشان و احیای امرشان و بالابردن و اعتلای سخنشان و نابودی و ذلت

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲. نراقی، جامع السعادت، ج ۳، ص ۳۹۸.

دشمنان نشان نهفته است... و همه این‌ها، اجری بزرگ و پاداشی فراوان دارد...»<sup>۱</sup>

### ● محبت و شیدایی

رابطه زیارت و محبت چیست؟ اصولاً زیارت امام، ارتباطی با محبت به ایشان دارد؟

زیارت می‌تواند نمودی از احساس شوق درونی انسان و نیز نشانی از محبت و شیدایی و تعلق خاطر او باشد؛ زیرا در نهاد زیارت، بزرگداشت و انس‌گیری نهفته است. بدیهی است که این معنا بیانگر زبانِ علاقه و ترجمان وابستگی قلبی زائر است و این اکسیر محبت، او را به زیارت می‌کشاند. برای پیامبر ﷺ، دوستی خاندانشان اجر رسالت است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۲</sup> بنابراین زائر با حضور در مزار اهل بیت ﷺ، به ندای حضرت محمد ﷺ پاسخ می‌گوید. برای عاشق مشتاق نه تنها خود محبوب جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی که به‌گونه‌ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را دارد، مطلوب و جاذبه‌دار است.

چگونه می‌شود که عاشق خدا، دوستدار پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، محب صالحان و صدیقان و شهدا و اولیاء الله شوق دیدار خانه خدا و مزار، مرقد، خانه، شهر و دیار معشوق را نداشته باشد؟ چگونه می‌شود که او شیفته دیدار کعبه، مدینه، مزار ائمه ﷺ و قبور صالحان و نیز شهرهای خاطره‌آمیز و شوق‌انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد، نباشد؟<sup>۳</sup> مرحوم علامه امینی گفته است: «اگر مدینه منوره حرم محترم الهی شمرده شده و در سنت نبوی، برای مدینه و خاکش و اهلس و مدفونان آنجا، ارزش‌های فراوان بیان شده است، به سبب همان انتساب به خدا و پیامبر ﷺ است و برمبنای همین اصل، هر چیز دیگری هم که نوعی تعلق و انتساب به پیامبران و اوصیا و اولیای الهی و صدیقین و شهدا و افراد مؤمن

۱. همان.

۲. شوری، ۲۳.

۳. محدثی، فرهنگ زیارت، ص ۲۵.

دارد، ارزش پیدا می‌کند و شرافت می‌یابد.<sup>۱</sup> برای عاشق، حتی خانه‌ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه‌ای که روزی دلبر از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آنجا می‌زیسته، سنگی که دست محبوب به آن خورده، لباسی که بر اندام او بوده و کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب است و دوست داشتنی و شوق‌انگیز. علامه امینی این شیدایی را چنین توصیف می‌کند: «... فقیه و ادیب بزرگوار اهل سنت، تاج‌الدین فاکهانی (وفات: ۷۳۴ق)، به دمشق رفت به قصد زیارت کفش پیامبر ﷺ که در دارالحدیث الاشرفیه نگهداری می‌شد. وقتی کفش را دید، افتاد و شروع به بوسیدن کرد. صورتش را بر آن مالید و اشک شوق از دیدگانش جاری شد و شعری به این مضمون خواند: اگر به مجنون بگویند: لیلی و وصال و دیدار او را می‌خواهی یا دنیا و آنچه در آن است، او در جواب خواهد گفت: غباری از خاک کفش لیلی، برایم محبوب‌تر و برای دردهای من شفاف‌بخش‌تر است...»<sup>۲</sup>

### • پیوند و وصل

در حرم امام رضا علیه السلام احساس پیوند خاصی می‌کنم. فکر می‌کنم پس از دوره‌ای دوری، دوباره وصل شده‌ام. این زیارت چه معنایی دارد؟

زیارت نوعی پیوند است و می‌توان آن را قرارگرفتن در مدار معصومان علیهم السلام شمرد. با این پیوند، بهترین سرمایه زندگی به دست می‌آید؛ زیرا برای هر مرد و زنی، همچون یافتن دُر و گنج است. اگر زائر را به سوی آشنایی با معصومان علیهم السلام و ارتباط با ایشان تشویق کرده‌اند، این را باید به عنوان فیضی الهی قدر دانست؛ زیرا حضرات معصومان علیهم السلام تجسم ارزش‌های الهی و جلوه‌گاه انوار معنوی‌اند و رستگاری در پیوند و شناخت ایشان است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «رستگارت‌ترین مردم کسانی‌اند که جایگاه

۱. امینی، سیرت‌نا و سنت‌نا، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲. امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۵.

ما را بشناسند و با پیوند به ما، به خود تقریب جویند.»<sup>۱</sup> شناخت امامان علیهم السلام و پیوند با ایشان، قرارگیری در مسیر معرفت زلال و ناب اسلام و حق است. ارمغان چنین ارتباطی، سعادت و نجات و هدایت خواهد بود؛ آن گونه که در زیارت جامعه کبیره بدان باور داریم: سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ صَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ.

### ● اعلان نصر

شب اولی که به حرم رفتیم، جوانی را مقابل ضریح دیدم که به شدت گریه می کرد. او به آرامی با امام رضا علیه السلام صحبت می کرد. کنارش ایستاده بودم. این سخن او را هرگز فراموش نمی کنم که مدام می گفت: «آقا ما هستیم. به یاری ما اعتماد کنید.» این نوع زیارت به چه معناست؟

زیارت، نشان دادن صف و خط و جریان زائر است. در سده های نخست اسلام، پیروان اهل بیت علیهم السلام صف و جایگاه خود را با نشانه هایی مثل انگشتر به دست راست کردن و زیارت اربعین امام حسین علیه السلام اعلام می کردند. وفاداری به اهل بیت علیهم السلام، وفاداری به حق است. زیارت به واقع اعلام یاری و تجدید عهد با ولایت است. در روز غدیر خم، پیامبر صلی الله علیه و آله ولایت علی علیه السلام را رسماً اعلام کردند و فرمودند: أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟<sup>۲</sup> (مگر اولی به شما از خودتان نیستیم؟) زیارت ما لیبیکی به فراخوان عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله است. در زیارت، ولایت پذیری خود را در حضور امام معصوم علیه السلام اعلام و تجدید می کنیم؛ از این رو می توان آن را بیعتی دوباره برای ولایت پذیری دانست. در روایات متعددی، پیشوایان معصوم علیهم السلام این گونه بیان کرده اند: «کسانی که برای حج می آیند، در بازگشت نزد ما بیایند. از ولایت خود ما را خبر کنند و یاری خویش را بر ما عرضه سازند.»<sup>۳</sup> نکته نهفته شده

۱. عبدالواحد آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۵، حدیث ۱۹۹۵.

۲. حمیری، قرب الاسناد، ص ۴۳۱.

۳. صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۵۹.

در فرمایش امامان علیهم السلام این است که زائر با آمدن نزد ایشان، یاری خود را اعلام کند.

### • تقرب به خدا

در برخی زیارت‌نامه‌ها آمده است: «به این مکان زیارتی آمده‌ام برای قرب به خدا.» منظور از این قرب چیست و چگونه به دست می‌آید؟

خدایی شدن و نزدیکی به خدا عالی‌ترین قله کمال انسان است. این قرب از راه بندگی، دستیابی به فضایل اخلاقی، دوری از رذایل، ارتباط با مردان الهی و ولایت آنان دست‌یافتنی است و هیچ لذتی بیشتر از آن نیست. به طور کلی، سه عامل وسیله نزدیکی به خداست: ۱. زمان‌های مقدس: رمضان، شب‌های قدر و...؛ ۲. مکان‌های مقدس: کعبه، مسجدالحرام، مکان دفن معصومان علیهم السلام و مساجد؛ ۳. اشخاص مقدس: پیامبران و اوصیای الهی.

امیرمؤمنان علیه السلام نیک‌بخت‌ترین مردم را کسی می‌داند که فزونی مرتبه اهل بیت علیهم السلام را بشناسد و به کمک آنان، به خدا نزدیکی بجوید.<sup>۲</sup> وقتی انسان به زیارت مشرف می‌شود، انس و تقرب به ائمه اطهار علیهم السلام پیدا می‌کند. این انس نیز راهی برای تقرب به خداوند است؛ چراکه اینان وسیله، صراط، راهنما و مشعل هدایت‌اند.

در مسیر کمال‌جویی، طلب و اراده نقش مؤثری ایفا می‌کند. در زیارت جامعه ائمه معصوم علیهم السلام خطاب به آنان می‌گوییم: متقرب بکم الیه؛ (به واسطه شما به خدا نزدیکی می‌جوییم.) تعبیر اتقرب در زیارت‌نامه ائمه اطهار علیهم السلام فراوان دیده می‌شود. در زیارت عاشورا می‌خوانیم: یا ابا عبدالله علیه السلام إني أتقرب إلى الله تعالى و إلى رسوله و إلى امير المؤمنين و إلى فاطمة و إلى الحسن و إليك صلى الله عليك و سلم و عليهم بمؤالاتك.<sup>۳</sup> ابن قولویه نیز به زیارتی دیگر چنین اشاره می‌کند: یا سیدی آتیتک زائراً موقراً بالذنوب أتقرب إلى ربی یوفودی

۱. نک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۶۶.

۲. آمدی، غرر الحکم، شرح آقا جمال‌الدین خوانساری، ج ۲، ص ۴۶۱.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۷.



إِيَّكَ.<sup>۱</sup> در زیارت امام رضا علیه السلام می خوانیم: أَتَقْرَبُ إِلَيْكَ يَا شَهِيدَ الْغَرِيبِ الْحَبِيبِ الْمَدْفُونِ بِطُوسِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى.<sup>۲</sup>

ابوسعید ابوالخیر از شیخ رئیس ابوعلی سینا، نابغه دوران، درباره تشرّف به زیارت پرسشی کرد. ابوعلی سینا در پاسخ گفت: «در این هنگام، اذهان صفای بیشتری پیدا کرده، خاطره‌ها با تمرکز شدیدتری جلوه می‌کند و باعث نزدیکی به خداوند می‌شود.»<sup>۳</sup>

### ● مغفرت خواهی و توبه

رابطه زیارت و دوری از گناه چیست؟ آیا در وقت زیارت می‌توانیم انتظار بخشش داشته باشیم؟

زیارت فرصتی برای پاکی و زلالی و سُبک شدن است. وقتی توفیق زیارت پیشوایان معصوم علیهم السلام حاصل شد، توفیق ترک گناه نیز فراهم می‌آید. همچنین، برای زائر فرصت تلاش برای جبران خطاها و لغزش‌های یک عمر و تصمیم‌گیری اساسی برای اصلاح گذشته‌اش فراهم می‌شود. زیارت، انسان را متوجه خطاهایش کرده و در او امید برای بخشش ایجاد می‌کند. در زیارت امامان مدفون در قبرستان بقیع می‌خوانیم: وَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ أُسْرِفَ وَ أَخْطَا وَ اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِهَا جَنَى وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ...<sup>۴</sup> (اینجا محل ایستادن و جایگاه کسی است که اسراف و خطا کرده است. اینجا کسی در حضورتان ایستاده که شکسته و خاکسار، به جرم خویش اقرار می‌کند و به سبب حضورش در این مقام، امید رهایی دارد.) در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز می‌خوانیم: وَإِنِّي أَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَ إِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.<sup>۵</sup>

در کلام الله مجید، در کنار آرزوی خواهی خود فرد، طلب مغفرت کردن

۱. کامل الزیارات، ص ۲۴۱.

۲. ابن طاووس، مصباح المتعبد، ص ۳۲۷.

۳. فرهنگ زیارت، ص ۵۷.

۴. کامل الزیارات، ص ۵۴.

۵. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵.



پیامبر ﷺ نیز آمده که دعای ایشان تضمین کننده اجابت است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛<sup>۱</sup> (و اگر نام بردگان [گناهکاران] هنگامی که به خود ستم می کردند، از در توبه نزد تو آمده و از خدا طلب آمرزش کرده بودند و رسول برایشان طلب مغفرت کرده بود، می دیدند که خدا توبه پذیر و مهربان است.)

علی علیه السلام می گویند: سه روز پس از دفن رسول خدا ﷺ، فردی اعرابی بر ما وارد شد. او خود را بر قبر پیامبر ﷺ افکند و خاکش را بر سرش ریخت و گفت: «ای رسول خدا ﷺ، گفتید و گفتارتان را شنیدیم. از خدا حقایق را گرفتید و ما هم از شما گرفتیم. از چیزهایی که بر شما نازل شده، این آیه است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ...﴾. ستم کرده و نزدتان آمده ام تا برایم طلب آمرزش کنید.» از قبر ندایی بلند شد: «گناهت آمرزیده شده است.»<sup>۲</sup>

در ماجرای دیگری، محمد عبدالله عتبی چنین گزارش می دهد:<sup>۳</sup> در کنار قبر پیامبر اسلام ﷺ نشسته بودم که ناگهان مرد عربی داخل روضه منوره نبوی شد. رو به جانب قبر آن حضرت کرد و گفت: السلام علیک یا رسول الله، بآی أنت و أمی یا رسول الله، ان الله خصک بوحیه، و أنزل علیک کتاباً جمع لک فیہ علم الاولین و الآخین، و قال فی کتابه و قوله الحق: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾. او سپس ابیاتی بر زبان جاری ساخت. بعد از اینکه کلام وی را در خطاب کردن قبر مطهر شنیدم، خواب بر چشمم عارض شد. در خواب، پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ را دیدم که به من خطاب فرمودند: يَا عَتْبِي، الْحَقُّ الْأَعْرَابِي، وَ بَشِيرُهُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَفَرَ لَهُ؛ (عتبی، نزد اعرابی برو و به او بشارت ده که همانا خداوند او را بخشیده است.)

بدین گونه، زیارت عامل مغفرت طلبی و توبه و پاکی شخص زائر است.

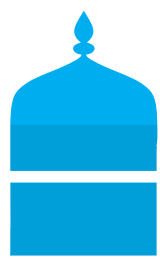
۱. نسا، ۶۴.

۲. الغدير، ج ۵، ص ۲۱۷.

۳. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۰۶. همچنین نک: ابن نعمان مزالی مراکشی، مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الانام فی البقطة و المنام، ص ۲۲؛ قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۲۶۵.

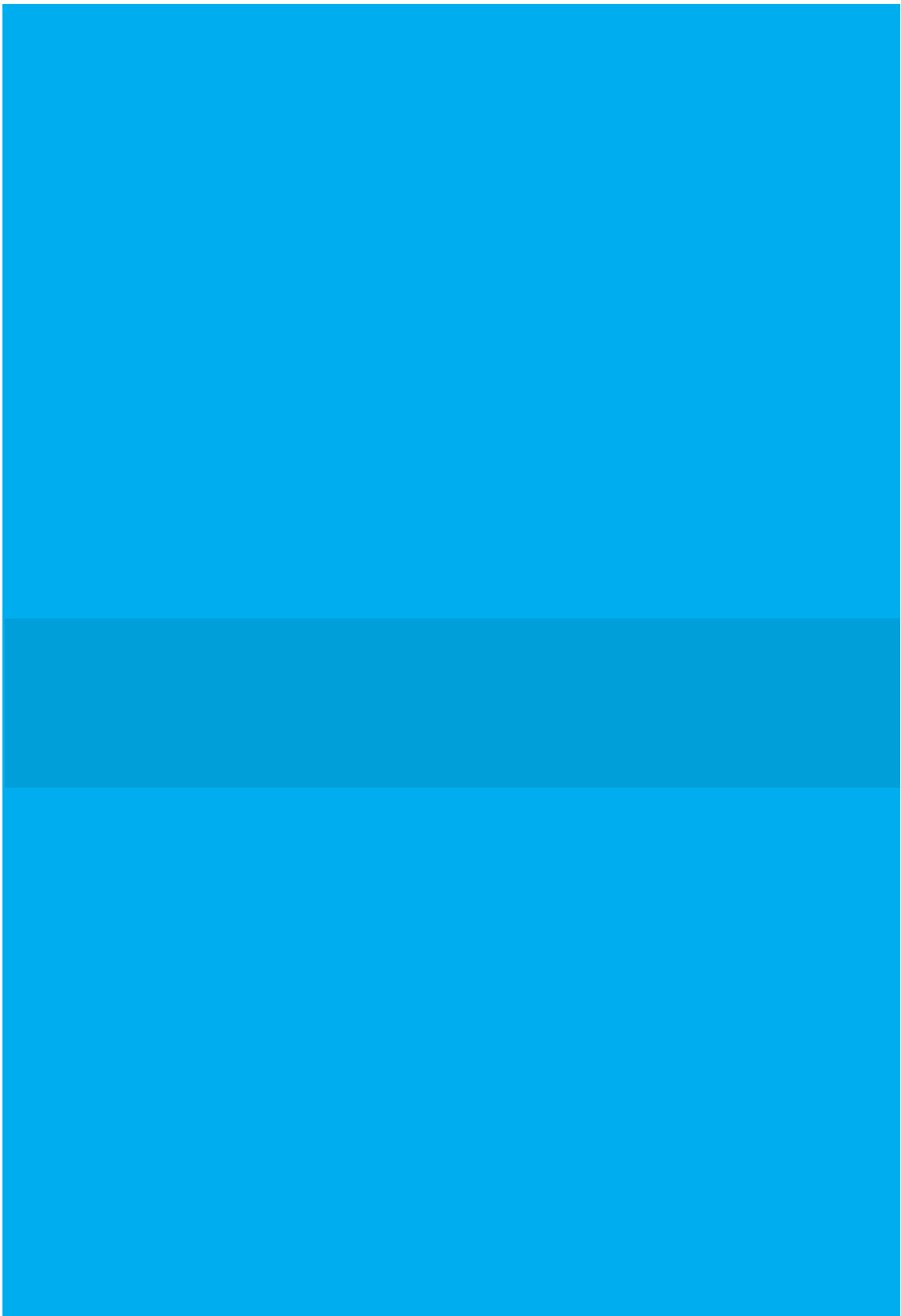
ابا صلت هروی می گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودم که گروهی از مردم قم حضور حضرت رسیدند. سلام کردند. امام نیز پاسخ ایشان را دادند و آنان را نزدیک خود نشانند. حضرت پس از خوشامدگویی فرمودند: **أَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا يَا أَيُّهَا عَلِيُّكُمْ زَمَانٌ تَزُورُونَ فِيهِ تَرْبِي تَرْبِي بِطُوسِ الْأَقَمْنُ زَارِنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلِ حَرْجٍ مِنْ دُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ**<sup>۱</sup> (شما شیعیان راستین ما هستید. زمانی برای شما خواهد آمد که مزارم را در توس زیارت خواهید کرد. همانا کسی که مرا پس از غسل زیارت کند، همانند روزی که از مادر به دنیا آمده است، از گناه پاک خواهد شد.)





فصل دوم:

پیشینه زیارت



### • زیارت در منظر قرآن

وهابیان معتقدند که اصل زیارت بدعت است و ریشه دینی ندارد. چه پاسخی دارید؟ قرآن چه می گوید؟

همه مسلمانان بر این نکته اذعان دارند که زیارت قبور بزرگان دین و مؤمنان، مسئله ای دینی و مشروع است. نکته اصلی آن است که بنا بر تصریح آیه زیر، رسول خدا ﷺ بر جنازه مؤمنان نماز می خوانده و در کنار قبور ایشان می ایستاده و طلب مغفرت و دعا می کرده اند. خداوند پیامبر ﷺ را از دعا و قرارگیری در کنار قبر منافقان و مشرکان پرهیز داده است: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنُتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup> (و هرگز بر هیچ مُرده ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست؛ چراکه آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند.) از این آیه، به خوبی سیره (سنت) رسول خدا ﷺ در زمینه زیارت قبر مؤمنان برمی آید؛ بنابراین، ادعای جریان وهابی که زیارت را کاری بدعت آمیز می شمارد، گزاف و بیهوده است. در این سنت، زبیده است که از پیامبر ﷺ پیروی کنیم؛ چراکه لقد کان فی رسول الله اسوة حسنة.<sup>۲</sup>

### • مشروعیت زیارت

وهابیان معتقدند زیارت بعدها ایجاد شد و در دوره پیامبر وجود نداشت. این ادعا از کجا ریشه دوانیده است؟ آیا می توان حدیثی درباره مشروع بودن زیارت برشمرد؟

۱. توبه، ۸۴.

۲. احزاب، ۲۱.



با وجود فراوانی روایات درباره فضیلت زیارت و همچنین فتوای عالمان و فقها در مستحب بودن آن، به ویژه زیارت پیامبر ﷺ، متأسفانه مسلمانان با تفکر انحرافی و هابیان مواجه هستند که سفر برای زیارت پیامبر ﷺ را ممنوع می‌دانند. تا پایان قرن هفتم، همه دانشمندان معتقد بودند که سفر برای زیارت، مباح و جایز است؛ ولی در اوایل قرن هشتم، ابن تیمیه با اجماع علما مخالفت کرد. او با پایین آوردن مقام انبیاء ﷺ، توسل و زیارت را از نمونه‌های شرک دانست و هرکسی را که با افکارش مخالفت می‌کرد، به کفر و شرک متهم می‌ساخت. اعتراض‌های متعددی به او شد. تعداد زیادی از علمای اهل سنت به پا خاستند. سرانجام، قضات چهار مذهب حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی، ابن تیمیه را محکوم کردند؛ با این حال، افکار کژ و بدعت‌آمیزش آغازی برای انحرافات گسترده شد و نتایج منحوسی از جمله پیدایش وهابیت در حجاز به جای گذاشت. همچنین سبب شد که در گستره تاریخ، صاحب‌نظران اسلامی بیش از دو هزار جلد کتاب و رساله علیه افکار او بنگارند.<sup>۱</sup> حرکت و تلاش ابن تیمیه در مخالفت با زیارت و توسل به پیامبر ﷺ، در تفکر اموی او ریشه داشت. این تلاش، به فروکاستن از جایگاه معنوی و الهی پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ تفسیر می‌شود.

فراوانی روایاتی که درباره زیارت وجود دارد و در متون حدیثی شیعه بدان اشاره شده است، مشروعیت زیارت را اثبات می‌کند.<sup>۲</sup> همچنین زیارت در نگاه عالمان مذاهب چهارگانه سنی نیز کاری مشروع و مقبول است و آنان آن را امری مستحب می‌شمارند. پیروان این مذاهب نیز با

۱. به گفته دکتر عبدالله محمد صالح، تعداد زیادی از آثار مکتوب در نقد ابن تیمیه به گونه‌ای از بین رفته که تنها نامی از آن‌ها باقی مانده است. در عین حال، حدود چهارصد نسخه کتاب و رساله از آن مجموعه در دست داریم که در موزه‌ها، کتابخانه‌های ملی و دولتی، کتابخانه‌ها و کلکسیون‌های شخصی، از کلکته تا لندن پراکنده شده است. متأسفانه به سبب مشکلات مالی و غفلت مسلمانان، حتی در قرون اخیر که برای چاپ و نشر کتاب عصر طلایی به شمار می‌آید، برای چاپ و نشرشان اقدام نشده است (عبدالله محمد صالح، العلماء الاسلاميون، موقفهم من الوهابیه، ص ۲۷۳).

۲. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۴.



الگو قراردادادن رهبران فقهی شان، به زیارت مشتاق اند؛ لذا غالب زائران حرم نبوی را برادران اهل سنت تشکیل می دهند. در ایران نیز شاهدیم که برادران سنی مذهب به زیارت علی بن موسی علیه السلام راغب اند و به مشهد مشرف می شوند. اتکای فقها و محدثان سنی، به فراوانی روایات و به خصوص روایاتی است که ناظر به زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله هستند؛ مانند این حدیث که ابن عمر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: من حج البيت و لم یزرنی فقد جفانی؛<sup>۱</sup> (هرکس حج به جا آورد و به زیارت من نیاید، همانا به من جفا کرده است.) حاطب بن ابی بلتعہ این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند: من زارنی بعد موتی فکأنما زارنی فی حیاتی؛<sup>۲</sup> (کسی که بعد از مرگم مرا زیارت کند، همانند کسی است که در زمان حیاتم زیارت کرده است.) به سبب اعتبار و فراوانی روایات درباره زیارت است که فقهای سنی به استحباب آن فتوا داده اند.

### ● سیره اهل بیت علیهم السلام در زیارت

آیا اهل بیت علیهم السلام هم به زیارت تشویق می کردند و خود به زیارت می رفتند؟

در سیره اهل بیت علیهم السلام نمونه های فراوانی از زیارت پدران و اجداد معصومان علیهم السلام وجود دارد. نمونه های زیر، اندکی از بسیار است:

۱. حضرت فاطمه علیها السلام هر جمعه به زیارت قبر عمویان حمزه می رفتند و در آنجا نماز می خواندند و در کنار قبر گریه می کردند.<sup>۳</sup>
۲. حضرت امام حسین علیه السلام هر شب جمعه، قبر برادرشان امام حسن مجتبی علیه السلام را [در بقیع] زیارت می کردند.<sup>۴</sup>
۳. ابن فضال می گوید: «امام هشتم را دیدم، آنگاه که می خواستند مدینه را برای عمره ترک کنند. پس از نماز مغرب، نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بالای سر آن حضرت رفتند. بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کردند و خود را به قبر

۱. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۳۹۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۱۳۵.

۲. دارقطنی، سنن الدار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۳. حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۵۰.



چسباندند. آنگاه به سوی منبر پیامبر ﷺ رفتند. سپس به سوی قبر بازگشتند و در کنار آن ایستادند. نماز گزارند و دوش چپشان را به قبر چسباندند.<sup>۱</sup>

زیارت اهل بیت ﷺ تنها به قبور معصومان ﷺ منحصر نبود. آنان به زیارت قبر پیروان و رهروان راستین خود نیز می رفتند: خباب بن ارت به علت مرض سختی که داشت، با امام علی ﷺ در جنگ صفین شرکت نکرد. وقتی امام از جنگ برگشتند و خبر وفات او را شنیدند، بر سر قبر او حاضر شدند و او را زیارت کردند.<sup>۲</sup>

### • زیارت اهل سنت

آیا زیارت امام رضا ﷺ مخصوص شیعیان است یا آنکه اهل سنت هم به زیارت حرم می آیند؟ نمونه هایی از زیارت آنان را بیان کنید. علت زیارت عالمان اهل سنت چه بوده است؟

لطف و رحمت امام رضا ﷺ عام است و در حیات دنیایی و پس از شهادت، افراد بسیاری از سفره رحمت ایشان بهره برده اند. به گفته میرخواند شافعی، از امام رضا ﷺ حکایت بسیاری منقول است که عظمت و وسعت مناقب و کرامات آن حضرت را نشان می دهد.<sup>۳</sup> تاریخ، گواه آمدن و شد بسیاری از عالمان و حاکمان و علاقه مندان سنی مذهب به آستان رضا ﷺ است که در این میان، نام چهره های مشهور اهل تسنن عیان است. به گزارش ابن اثیر، «ملکشاه سلجوقی از مشهد [مقدس] علی بن موسی الرضا ﷺ در توس عبور کرده و بقعه امام را زیارت کرد.»<sup>۴</sup> در این زمینه، نمونه های دیگری نیز به چشم می خورد:

۱. محمد بن مومل از همراهی خود با ابوبکر خزیمه (وفات: ۳۱۱ ق) و ابوعلی ثقفی شافعی (وفات: ۳۲۸ ق) برای زیارت قبر امام رضا ﷺ یاد

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۵۹.

۲. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. میرخواند، تاریخ روضة الصفا، ج ۳، ص ۵۲.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

می‌کند. او ضمن اشاره به جمعیت فراوان زائران در مرقد امام می‌گوید: «بزرگداشت و فروتنی و گریهٔ ابن خزیمه نزد قبر امام رضا علیه السلام، مرا به شدت شگفت زده کرد.»<sup>۱</sup>

۲. محمد بن علی بن سهل از فقیهان اهل سنت می‌گوید: «هر مشکلی از مسائل دینی و دنیایی بر من عارض شد، برای حل آن، به زیارت قبر شریف امام رضا علیه السلام رفتم و در کنار آن بقعهٔ متبرکه دعا کردم و حاجتم برآورده شده و مشکلم برطرف شد. این کار برایم عادت شده و به تجربه نیز ثابت شده است؛ لذا در تمامی مشکلات به آن قبر شریف متوسل می‌شوم.»<sup>۲</sup>

۳. ابن حبان بستنی شافعی می‌گوید: «بارها به زیارت قبر امام رضا علیه السلام رفتم. زمانی که در توس اقامت داشتم، هرگاه با مشکلی مواجه می‌شدم، به زیارت قبر ایشان می‌رفتم. از خداوند می‌خواستم که مشکلم را برطرف کند. خداوند نیز مشکل مرا رفع می‌کرد. این اتفاق بارها برایم افتاد.»<sup>۳</sup>

۴. ابن روزبهان خنجی شافعی مرقد منور و مشهد مطهر امام را با تعابیری همچون روضهٔ بهشت، کعبهٔ حاجات و مقاصد جمیع حاجت خواهان توصیف می‌کند و از زیارت آن آستان چنین می‌گوید: «در هر واقعه که این فقیر را پیش آید، استمداد از باطن اقدس آن حضرت را طریق نجات می‌دانم.» سپس این شعر را درج می‌کند:<sup>۴</sup>

سلام علی روضه للامام	علی بن موسی علیه السلام
سلام من العاشق المنتظر	سلام من الواله المستهام
بر آن پیشوای کریم الشیم	بر آن مقتدای رفیع المقام
ز خلد برین مشهدش روضه‌ای	خراسان از او گشته دارالسلام
از آن خوانمش جنت هشتمین	که شد منزل پاک هشتم امام

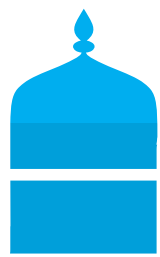
۱. جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۲۰.

۳. ابن حبان، کتاب الثقات، ج ۸، ص ۴۲۶.

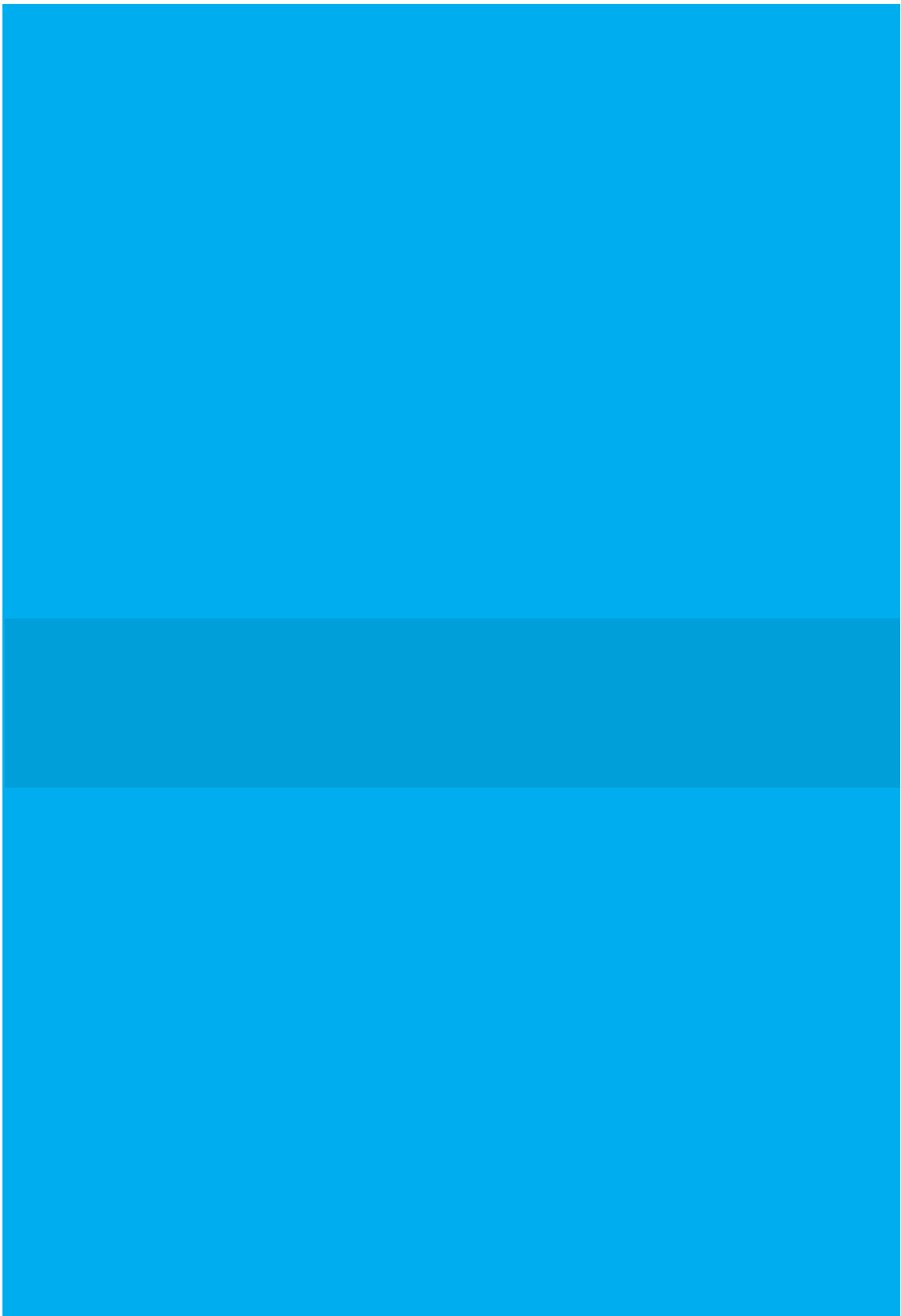
۴. خنجی، وسیلة الخادم الی المخدوم، ص ۲۴۳.





فصل سوم:

فضیلت زیارت





### ● از رضا تا آل محمد

نسبت زیارت امام رضا علیه السلام با زیارت سایر ائمه علیهم السلام چیست؟ ثواب زیارت ایشان، مساوی است یا برتری وجود دارد؟

با درنگ در روایات صحیحی که درباره فضیلت زیارت ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد، متوجه می‌شویم که زیارت امام رضا علیه السلام برتر شمرده شده است. گذشته از روایات خاصی که از امام محمد تقی علیه السلام درباره برتری زیارت امام رضا علیه السلام به زیارت امام حسین علیه السلام بیان شده است،<sup>۱</sup> محدث بزرگ شیعه، حرّ عاملی، با تکیه بر روایتی انتخاب زیارت ثامن الائمه علیه السلام به سایر ائمه علیهم السلام را مستحب می‌شمارد. او به این روایت اشاره می‌کند: *رُوی أنّ زوّار الأئمّة یقعدون مع الأئمّة یوم القيامة، و أنّ أعلاهم درجة زوّار الرضا؛*<sup>۲</sup> (روایت است که در روز ستاخیز، زوّار ائمه اطهار هم نشین ائمه علیهم السلام هستند و زوار امام رضا علیه السلام برترین درجه را دارند.)

### ● برتری زیارت امام به زیارت کربلا

با توجه به تأکیدهای فراوانی که درباره اهمیت و ثواب زیارت کربلا وجود دارد، چرا زیارت امام رضا علیه السلام را برتر از زیارت امام حسین علیه السلام دانسته‌اند؟

این برتری، ریشه در روایتی دارد که از امام محمد تقی علیه السلام نقل کرده‌اند. عبدالعظیم حسنی می‌گوید: روزی به امام جواد علیه السلام عرض کردم: «آقا، بین زیارت مرقد امام حسین علیه السلام و کربلا و زیارت بارگاه پدرتان در توس، حیران شده‌ام. در این باره چه می‌فرمایید؟» امام فرمودند: «در اینجا درنگ نما.»

۱. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۸۴.

۲. حرّ عاملی، هدایة الأئمّة، ص ۵۱۰.



سپس آن حضرت به درون اتاق رفتند و درحالی که اشک بر گونه‌شان جاری بود، بازگشتند و فرمودند: «زائران قبر امام حسین علیه السلام بسیارند؛ ولی قبر پدرم زائران کمی دارد.»<sup>۱</sup>

همچنین از حضرت امام جواد علیه السلام پرسیدند: «زیارت پدر شما افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟» ایشان فرمودند: زیارة ابي افضل، و ذلك أن ابا عبدالله يزوره كل الناس و أبي لا يزوره إلا الخواص من الشيعة؛<sup>۲</sup> (زیارت پدرم برتر است؛ چون به زیارت حضرت اباعبدالله همگان می‌روند؛ ولی پدرم را فقط خاصان شیعه زیارت می‌کنند.) این پرسش مطرح است که مراد امام از خاصان شیعه چه کسانی است؟ در این زمینه، چند پاسخ همخوان وجود دارد:

۱. هرکه حضرت امام رضا علیه السلام را امام بداند، بقیه ائمه علیهم السلام را نیز امام می‌داند. فقط شیعه اثناعشری، امام رضا علیه السلام را زیارت می‌کنند؛ پس زیارت آن حضرت دلیل تشیع است. فرقه‌های دیگر شیعه همچون اسماعیلیه، واقفیه (شیعه هفت امامی) و کیسانیه (شیعه سه امامی و پیروان محمد حنفیه)، فقط به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می‌روند. ملامحمد تقی مجلسی می‌نویسد: «جمعی از مشایخ چنین می‌گفتند که مراد از خواص شیعه، شیعه اثناعشری است. چون مصطلح علما آن است که شیعه کسی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را خلیفه بلافصل داند؛ بنابراین سیزده فرقه باطله نیز داخل اند در شیعه. هرکه حضرت امام رضا علیه السلام را امام بداند، بقیه ائمه علیهم السلام را نیز امام می‌داند. پس چون شیعه اثناعشری زیارت آن حضرت می‌کنند و بس، زیارت آن حضرت دلیل تشیع است. تتمیم سخن ایشان به این است که چون ایشان مؤمن و مسلم‌اند، هرجا که ایشان باشند و از فرق باطله نباشند، امید نزول رحمت الهی بیشتر است. اظهر آن است که مراد از شیعه، اثناعشری است و خواص شیعه، علما و صلح‌ایند که تابع ثواب‌اند و اکثر عوام، تابع شهرت‌اند. پس جایی که خواص شیعه

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۴؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۰۶.



روند، متبع است با آنکه نزول رحمت الهی نیز هست یا آنکه چون شیعه و سُنی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می روند، [امام] مهجور نیستند. به خلاف روضه حضرت [رضا علیه السلام] که خواص می روند و اندک اند؛ پس روضه آن حضرت، مهجور است. در آنجا بیشتر می باید رفت و این رفتن، از جهت تقویت اعتقادات ایشان مطلوب است.<sup>۱</sup>

۲. آنان که مؤمن و مسلمان اند، هر جا ایشان باشند و از فرقه های باطل نباشند، امید نزول رحمت الهی بیشتر است.

۳. «چون شیعه و سُنی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می روند، ایشان مهجور نیستند؛ به خلاف حرم و روضه امام رضا علیه السلام که خواص می روند و آنان اندک اند. در آنجا بیشتر می باید رفت و این رفتن، از جهت تقویت اعتقادات ایشان مطلوب است.»<sup>۲</sup> البته علامه مجلسی، روایت را به گونه ای دیگر تبیین می کند و آن را ناظر به زمان امام جواد علیه السلام می داند؛ زیرا در آن وقت، فقط خواص شیعه به این زیارت رغبت نشان می دادند. پس هر زمانی که حرم هر امامی زائر کمتری داشته باشد، ثواب زیارت او بیشتر خواهد بود.<sup>۳</sup>

### • زیارت امام در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

آیا از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن و نکته ای درباره زیارت امام رضا علیه السلام بیان شده است؟ نمونه هایی ذکر کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ستدفن بضعة منی بأرض خراسان لا یزورها مؤمن الا أوجب الله تعالی له الجنة و حرم جسده علی التار؛<sup>۴</sup> (به زودی پاره ای از تن مرا در زمین خراسان دفن خواهند کرد و هر مؤمنی او را زیارت کند، حق تعالی بهشت را بر او واجب گرداند و بدنش را بر آتش دوزخ حرام کند.)  
شخصی از اهل خراسان نزد امام رضا علیه السلام آمد و خوابی را که دیده بود،

۱. مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۴۸.

۲. همان؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۹.

۳. مجلسی، ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۲۱۷.

۴. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۳.



برای ایشان بازگو کرد و گفت: <sup>۱</sup> «یا بن رسول الله، در واقعه ای حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله را دیدم که گویا به من می گوید که هرگاه در زمین شما، پاره تن من مدفون شود، حال شما چگونه خواهد بود و به شما سپارند که امانت مرا حفظ کنید و ستاره من، در خاک شما غایب شود.» <sup>۲</sup> امام رضا علیه السلام در پاسخ او چنین فرمودند: انا المدفون فی ارضکم و انا بضعة من نبتکم و انا الودیعة و التجم الا فمن زارنی و هو یعرف ما اوجب الله تبارک و تعالی من حقّی و طاعتی فأنا و آبائی شفعاؤه یوم القیمة و من کتبا شفعاؤه نجا و لو کان علیهم مثل وزر الثقلین من الجنّ و الانس؛ (همانا من در سرزمین شما مدفون خواهم شد. منم پاره تن رسول خدا و پاره تن برادر و نفس رسول خدا. منم آن کسی که امانت حق تعالی هستم که بر شما واجب کرده است که در حیات و بعد از وفات، حفظ و حمایت و رعایت کنید. منم آن ستاره. پس هرکس با ایمان به من، مرا زیارت کند و مرا امام واجب اطاعت بداند، من و پدرانم، همه در روز قیامت شفیعان او هستیم. هرکه ما شفیعش باشیم، البته نجات یافته است و حق تعالی شفاعت ما را رد نمی کند.)

امام سپس به خواب او اشاره کردند و این سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرمودند: قال من رآنی فی منامه فقد رآنی لأنّ الشیطان لا یمثّل فی صورتی و لا فی صورة احد من اوصیائی و لا فی صورة واحد من شیعتهم و انّ الرؤیا الصادقة جزء من سبعین جزءا من النبوة؛ (هرکه مرا در خواب ببیند، به راستی مرا دیده است؛ زیرا شیطان نمی تواند به صورت من و به صورت هیچ یک از اوصیای من و

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.

۲. مجلسی در تفسیر این سخن می نویسد: «این عبارت سه احتمال دارد: یکی آنکه بشارتی باشد اهل خراسان را به آنکه محل دفن آن حضرت خواهد بود و اشاره باشد به آنکه بعد از وفات آن حضرت، تعهد قبر ایشان بکنند و در تعظیم آن بکوشند و بدانند که تعظیم آن امام، تعظیم رسول حق تعالی است و زیارت آن حضرت، زیارت آن حضرت است و استخفاف آن حضرت، استخفاف به آن حضرت است. احتمال دیگر آن است که حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه و آله تهدید ایشان فرماید که بدا به حال شما، اگر بگذارید که آن حضرت را شهید کنند؛ بلکه می باید همگی حفظ آن حضرت حیا و میتاً بکنید یا آنکه غرض، اظهار امامت حضرت است به آن شخص، تا سبب هدایت او و دیگران شود» (لواعص صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۷).

به صورت هیچ‌یک از شیعیان اوصیای من درآید. به درستی که خواب درست [که انبیا و اوصیا را در خواب ببینند]، یک جزء از هفتاد جزء نبوت است.

### ● نگاه ائمه علیهم‌السلام به زیارت امام رضا علیه‌السلام

ائمه اطهار علیهم‌السلام، مانند حضرت علی علیه‌السلام، چه نکته‌ای درباره زیارت امام رضا علیه‌السلام بیان کرده‌اند؟

روایات معتبری در این باره وجود دارد. نمونه‌های زیر، منتخبی از آن‌هاست:

۱. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند: سیقنل رجل من ولدی بأرض خراسان بالسمّ ظلماً اسمه اسمی و اسم ابيه اسم ابن عمران موسى الا فمن زاره في غربته غفر الله له ذنوبه ما تقدم منها و ما تاخر و لو كانت مثل عدد التجوم و قطر الامطار و ورق الاشجار؛ (به زودی مردی از فرزندان من، به زهر و از روی ظلم، در خراسان شهید خواهد شد. او همنام من است و پدرش همنام موسی بن عمران. هر که او را در آن غربت زیارت کند، حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را حتی اگر به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برکت درختان باشد، می‌آمرزد).

۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: تقتل حفدقی بأرض خراسان فی مدینه یقال لها طوس من زاره إليها عارفا بحقه اخذته بیدی يوم القيمة و ادخلته الجنة؛<sup>۲</sup> (فرزندزاده من، در زمین خراسان شهید خواهد شد. در شهری که آن را توس می‌گویند. هر کس برای زیارتش به آنجا رود و به حق او عارف باشد، در قیامت به دست خود، دست‌گیری او می‌کنم و به بهشتش می‌برم).

۳. امام هادی علیه‌السلام ضمن ستایش و مغفوردانستن مردم قم و آبه به دلیل زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه‌السلام چنین فرمودند: ألا و من زاره فأصابه فی طریقه قطرة من السماء أو حر أو برد حرم الله جسده علی النار؛ (همانا هر کس قبر او را [در توس] زیارت کند و در مسیر زیارت او، قطره باران یا گرما و سرمایی

۱. ابن‌فتال، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۳۴؛ لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۴.

۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۴.

۳. مجلسی، روضة المتقین، ج ۵، ص ۴۰۱.



بر او وارد شود، خداوند جسدش را بر آتش دوزخ حرام خواهد کرد.)

### ● فضیلت زیارت در نگاه پدر و فرزند امام

امام هفتم و امام نهم درباره زیارت امام هشتم چه فرموده‌اند؟

از دو پیشوای معصوم قبل و بعد از امام رضا علیه السلام، روایات متعدد و فراوانی درباره زیارت ایشان نقل شده است. نمونه‌های زیر، سخنانی درخور توجه از هر دو امام است:

۱. امام موسی کاظم علیه السلام زیارت فرزند خود را برابر با هفتاد حج مبرور و حتی تا ۷۰ هزار حج می‌دانستند.<sup>۱</sup> همچنین می‌فرمودند: مَنْ زَارَ قَبْرَ وَائِي عَلِيٍّ وَ بَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ؛<sup>۲</sup> (هرکس مزار فرزندم علی را زیارت کند و شب را در آنجا بماند، همچون کسی است که خداوند را در عرش او زیارت کرده است.) در روایتی دیگر آمده است: امام روزی به فرزندشان، حضرت رضا علیه السلام، اشاره کردند و به افرادی که در آن مکان بودند، فرمودند: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرَبَةٍ فَمَنْ زَارَهُ لِمَسْأَلَةٍ أَوْ لِمَا يَجُودُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَشَهَدَاءِ بَدْرٍ؛<sup>۳</sup> (این فرزندم در سرزمین غریب جان می‌سپارد. هرکس او را زیارت کند، درحالی که تسلیم به امامتش و عارف به جایگاهش باشد، نزد خداوند همچون شهدای بدر خواهد بود.)

۲. امام جواد علیه السلام درباره پدر ارجمندشان می‌فرمودند: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ؛<sup>۴</sup> (هرکس قبر پدرم را زیارت کند، قسم به خدا برای او بهشت است.) همچنین ایشان می‌فرمودند: مَا زَارَ ابِي أَحَدٌ فَاصَابَهُ إِذِي مِنْ مَطَرٍ أَوْ بَرْدٍ أَوْ حَرِّ الْأَحْرَمِ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ؛<sup>۵</sup> (هرکس [بیارگاه] پدرم را زیارت کند و در این راه، زحمت سردی یا گرمی یا باران را ببیند، خداوند بدنش را از آتش حرام می‌کند.) از امام جواد علیه السلام روایات متعدد دیگری نیز نقل شده است که

۱. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۸.

۲. وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۴.

۳. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۵؛ نک: لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۵.

۴. مفید، المزار، ص ۱۹۶؛ کامل‌الزیارات، ص ۳۰۶.

۵. صدوق، امالی، ص ۶۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۶.

حضرت ضمن تأکید بر زیارتِ همراه با شناخت جایگاه امام، از پاداش‌های فراوان الهی برای زائر حرم رضوی سخن می‌گویند.<sup>۱</sup>

### • فضیلت زیارت

امام رضا علیه السلام درباره فضیلت زیارت خود چه فرموده‌اند؟

از حضرت امام رضا علیه السلام چند روایت در این باره منقول است. امام ضمن توصیه به زیارت، از آثار و بهره‌های معنوی آن سخن می‌گویند. شفاعت در قیامت و آمرزش گناهان و اجابت دعا،<sup>۲</sup> نمونه‌هایی از الطاف الهی به زائران حرم رضوی است. یاسر خادم، این حدیث را از امام نقل کرده است: حضرت فرمودند: لا تشد الرحال إلى شيء من القبور إلا إلى قبورنا ألا و إني مقتول بالسم ظلما و مدفون في موضع غربة، فمن شد رحله إلى زیارتی استجیب دعاؤه و غفر له ذنوبه.<sup>۳</sup> امام به احمد بن زنتی چنین مرقوم کردند: أبلغ شيعتي أن زیارتی تعدل عند الله ألف حجة؛<sup>۴</sup> (به شیعه من برسان که زیارت من، پیش خدای تعالی برابر با هزار حج و هزار عمره مقبول است.)

بن زنتی برای اطمینان قلب، محتوای این نامه را برای امام محمد تقی علیه السلام مطرح کرد. حضرت ضمن تأکید بر آن، این جمله را نیز افزودند: ای و الله و الف حجة لمن زاره عارفا بحقه؛ (آری، قسم به خدا که برابر با هزارهزار حج مقبول است برای کسی که عارف به مقام و حق امام باشد.) مجلسی در توضیح این حدیث می‌گوید: «عارف به حق [امام] کسی است که حضرت را خوب شناخته باشد؛ یعنی از خاصان اثناعشری باشد، علی‌الظاهر، نه آنکه اثناعشری فاسق باشد. یا همین امام داند آن حضرت را و کمالات و حالات آن حضرت را نداند، مانند اکثر عوام که از جهت آن جماعت هزار حج است و

۱. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۶؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶؛ لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۷.

۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۴ و ۵۶۴.

۳. روضة المتقين، ج ۵، ص ۴۰۱.

۴. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۶.

۵. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۱.



از جهت خوبان، هزارهزار حج. و ممکن است که از جهت اثناعشری هزارهزار حج باشد و از جهت غیرایشان، هزار حج و آن نیز از اثناعشری باشد.<sup>۱</sup>

### • ثواب فراوان برای یک زیارت

ثواب‌های بسیاری برای زائران حرم امام رضا علیه السلام در نظر گرفته‌اند. برایم سؤال است که چگونه برای یک سفر و زیارت این همه پاداش منظور کرده‌اند. آیا به این احادیث می‌توان اعتنا کرد؟ در صورت پذیرش احادیث، چگونه با مفهوم آن کنار می‌آیید؟

ثواب و پاداش فراوان دادن از سوی خداوند، تفضلی الهی است که به زائران حرم رضوی عنایت می‌شود. روایات نقل شده از معصومان علیهم السلام ناظر به فراوانی و تنوع پاداش برای زائران امام رضا علیه السلام است. برابری با هزاران حج، شفاعت، اجابت دعا، همچون شهدای بدر بودن و ورود به بهشت از جمله پاداش‌هایی است که برای زائران با معرفت و تسلیم امام فراهم آمده است. ضمن اشاره به تفاوت پاداش‌های دنیا و آخرت، برای پاسخ به این پرسش، درنگ در مسائل زیر شایسته است:

۱. بیشتر روایات و حتی تمامی آن‌ها، از نظر سند، تمام و صحیح است. هیچ تردیدی در آن‌ها نیست و بزرگان حدیث بر آن‌ها صحه گذاشته‌اند.<sup>۲</sup>
۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَتَّهْ كَأَنَّ لَهُ؛<sup>۳</sup> (کسی که ثوابی را بر عملی بشنود و آن را به جا آورد، آن ثواب را ببرد.) عالمان شیعی به این دسته از روایات، «اخبار من بَلَّغ» می‌گویند؛ یعنی هر روایتی ضعیف یا قوی که به او برسد و مشتمل بر ثوابی باشد، اگر بدان عمل کند، در دفتر عمل او ثبت می‌شود. بنابراین، بر زیارت به عنوان کاری مستحب تأکید شده است. هر فرد با پایبندی بدان، خود را در معرض الطاف بی پایان الهی و پاداش‌های بی حد و حصر او قرار می‌دهد و این ذره‌ای از لطف ایزدی است.
۳. باید به مقام و جایگاه الهی فردی که به زیارتش می‌رویم، بنگریم.

۱. همان.

۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۹.

۳. کافی، ج ۲، ص ۸۷.

او به عنوان بهترین خلق خدا، از خاندان وحی است و عصمت و علم الهی دارد و مسند امامت عظاما برعهده اش است؛ ازاین رو ثواب ها و پاداش ها، با درنظرگرفتن مقام و جایگاه نورانی امام، متناسب با عظمت اوست.

۴. «براساس اعتقادات ما، حساب ثواب و عقاب اخروی با محاسبات دنیوی سنجش پذیر نیست؛ زیرا آخرت ابدی است و دنیا گذرا. کالای آخرتی هم غیر از کالای دنیوی است و به دلیل ابدی بودن، همه چیز از آن برمی آید؛ آن گونه که امام رضا علیه السلام درباره درخت ممنوعه بهشتی فرمودند: درخت بهشت نظیر درخت دنیا نیست؛ بلکه به اراده هر انسان بهشتی هر ثمری می دهد، خواه خرما و خواه انگور.<sup>۱</sup> ازاین رو ثواب اخروی براساس معیار اخروی محاسبه می شود، نه دنیوی.»<sup>۲</sup>

### ● دست گیری امام از زائر

معروف است که امام رضا علیه السلام در مکان های خاصی به زیارت زائرشان می آیند. این مکان ها کجاست؟ آیا این سخن مستند است؟

امام رضا علیه السلام در قیامت به زیارت زائر خود می آیند؛ آن گونه که در روایت بدان اشاره کرده اند: من زارنی فی غربتی و جبت له زیارتی یوم القیامة؛<sup>۳</sup> (هرکس در غربت به زیارتم آید، روز قیامت به زیارتش می آیم.) در فرمایشی دیگر، به مکان ها و مواقف دست گیری امام اشاره شده است. حضرت به سه جایگاه در آن سرا اشاره می کنند و می فرمایند: من زارنی علی بُعد داری اتیته یوم القیمة فی ثلاثة مواطن حتی اخلصه من احوالها اذا تطایرت الکتب میمنا و شمالا و عند الصراط و عند المیزان؛<sup>۴</sup> (هرکه از راه دور به زیارت من آید، در روز قیامت در سه موضع نزد او هستم که هول و ترس آن مواضع عظیم باشد: در وقتی که نامه های اعمال پُران شود و جمعی را که به دست راست آید، ناجی باشند و جمعی را که به دست چپ آید، هالک باشند، نامه ایشان را به

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۶.

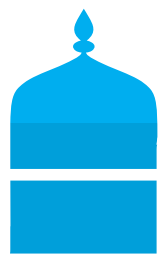
۲. جوادی آملی، مفاتیح الحیات، ص ۶۵.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۶.

۴. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۴.

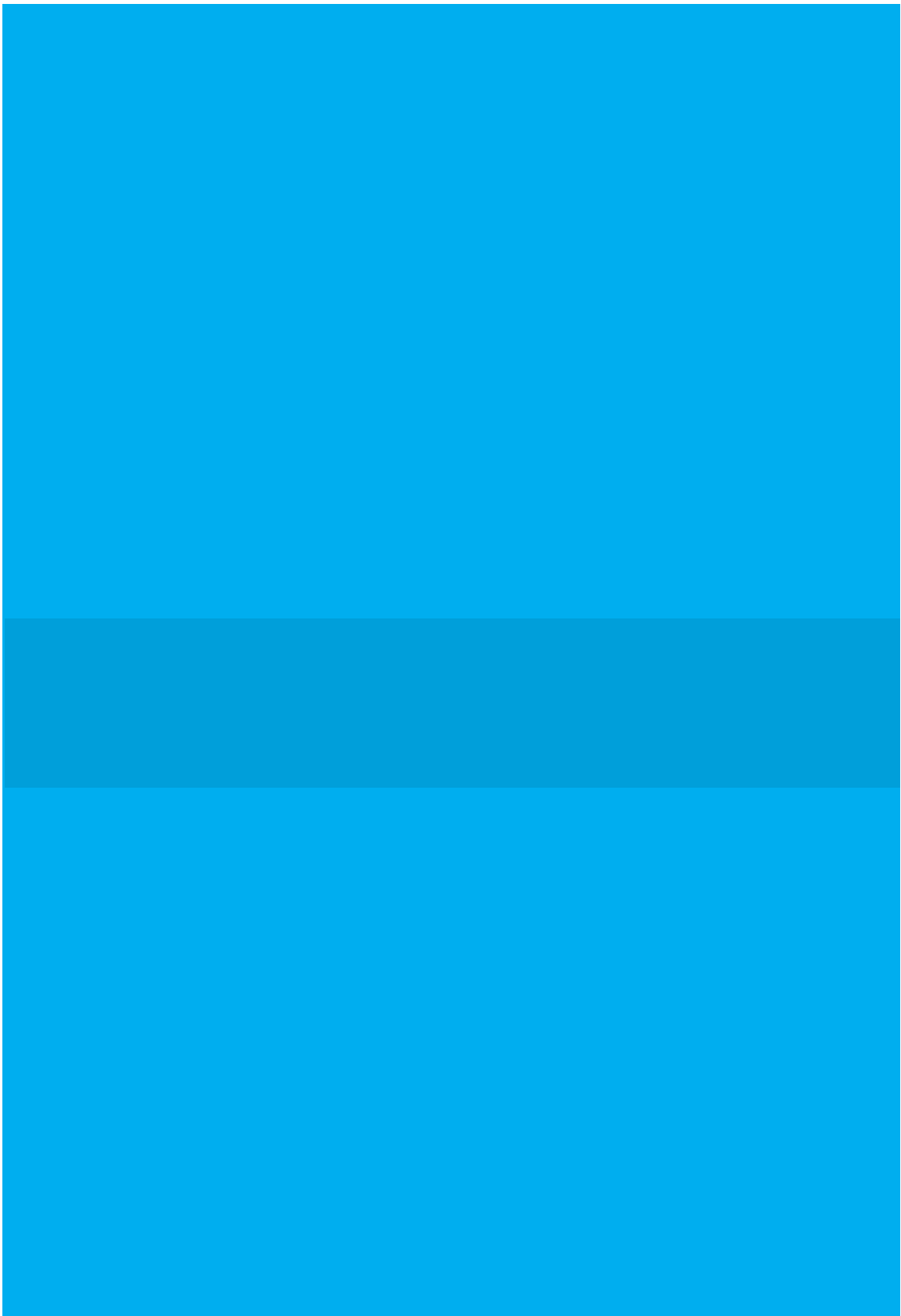
دست راست ایشان دهم. نزد صراط که جمعی از صراط به جهنم افتند،  
نگذارم و ایشان را از صراط بگذرانم. در وقتی که اعمال بندگان را به میزان  
بسجند، در این صورت ترازوی عمل ایشان را به زیارت خود سنگین کنم و  
ایشان را با خود به بهشت برم.)





فصل چهارم:

زمان زیارت



## • زیارت ماه رجب

آیا درباره فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام در ماه رجب، سند معتبری وجود دارد؟

رجب ماه خداست که در آن، رحمت الهی به سوی بندگان سرازیر می شود.<sup>۱</sup> این ماه یکی از ماه های چهارگانه حرام و بافضیلت است: ذی قعدة و ذی حجه و محرم، در کنار هم هستند؛ اما رجب، تنها و دور از ماه های سه گانه حرام است. زیارت را در همه ماه های سال می توان انجام داد و از آثار و برکات آن سود جست؛ اما زیارت در ماه رجب بافضیلت تر است. ابن طاووس زیارت مشاهده مشرفه را در ماه رجب مستحب می داند.<sup>۲</sup> البته ورای این نکته، استحباب زیارت امام رضا علیه السلام متکی بر روایتی معتبر و قوی بوده که از امام جواد علیه السلام بیان شده است. ایشان زیارت پدر گرامی خود را در ماه رجب توصیه می کنند و می فرمایند: ولیکن ذلک فی رجب؛<sup>۳</sup> (بهتر آن است که در رجب زیارت کنند).

از این رو، عالمان شیعه همچون شهید اول<sup>۴</sup> و محمدتقی مجلسی<sup>۵</sup> و محمدباقر مجلسی<sup>۶</sup>، ضمن سفارش به زیارت امام در همه ماه های سال و به خصوص مناسبت های مشهور، زیارت در ماه رجب را بافضیلت ترین

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۱.

۲. ابن طاووس، إقبال الأعمال، ص ۶۳۱.

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۸۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۸۴؛ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۸۲۰؛ جامع عباسی، ج ۲، ص ۱۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۵.

۴. شهید اول، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۲۵.

۵. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۷.

۶. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۶.



زیارت و برترین اعمال برشمرده‌اند. مرحوم کفعمی زیارت امام رضا علیه السلام را یکی از اعمال ماه رجب دانسته است.<sup>۱</sup> از این نکته مهم نیز نمی‌توان غفلت کرد که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را باید با ثواب حج و عمره سنجید. در روایت بزنتی از حضرت رضا علیه السلام، ثواب زیارت ایشان «معادل با هزار یا هزارهزار مرتبه حج بیت‌الله الحرام» است.<sup>۲</sup> بنابراین، همان‌طور که هیچ عمره‌ای مانند عمره در ماه رجب نیست،<sup>۳</sup> هیچ زیارتی فضیلت زیارت در ماه رجب را نخواهد داشت.<sup>۴</sup>

### • زیارت بیست‌وسوم ذی‌قعدة

در کدام کتاب معتبر، به زیارت امام رضا علیه السلام در ۲۳ ذی‌قعدة اشاره شده است؟ دلیل آن چیست؟

ابن طاووس (وفات: ۶۶۴ ق) در کتاب ارزشمند إقبال الأعمال، به این زیارت اشاره می‌کند و می‌نویسد که در برخی تألیفات شخصیت‌های شیعی، مستحب بودن زیارت از دور و نزدیک، در روز بیست‌وسوم ذی‌قعدة را دیده است. او در کتاب خود، این نکته را در فصل اعمال روز ۲۳ ذی‌قعدة مرقوم کرده و عمل دیگری جز آن را ننوشته است: فصل فيما نذکره مما يعمل يوم ثالث و عشرين؛ رأيت في بعض تصانيف أصحابنا العجم رضوان الله عليهم أنه يستحب أن يزار مولانا الرضا يوم ثالث و عشرين من ذى القعدة من قرب أو بعد ببعض زيارته المعروفة أو بما يكون كالزيارة من الرواية بذلك ثم نذكر مما يحضرننا.<sup>۵</sup> ممکن است علت مستحب بودن زیارت حضرت در ۲۳ ذی‌قعدة، نظر برخی از دانشمندان<sup>۶</sup> مبنی بر شهادت امام رضا علیه السلام در این روز باشد.

۱. کفعمی، المصباح، ص ۴۹۴؛ کفعمی، بلد الامین، ص ۲۸۳.

۲. کامل‌الزیارت، ص ۳۰۶.

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «برترین عمره، عمره رجب است» (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۳۲).

۴. طهرانی، روح مجرد، ص ۲۵۶.

۵. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۱۰.

۶. حلی، العدد القویه، ص ۲۷۵؛ مفید، مسار الشیعه، ص ۳۴.

## ● سلام بعد از نماز

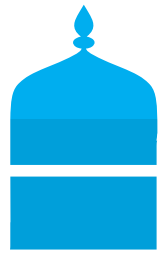
چرا بعد از نمازهای یومیه به امام رضا علیه السلام سلام می دهیم؟ آیا این کار درست است؟

زیارت و سلام از راه دور، کاری پسندیده و مشروع است و در متون حدیثی درباره فضیلت زیارت، سلام به پیامبر صلی الله علیه و آله از راه دور روایت شده است.<sup>۱</sup> فقیه بزرگ، صاحب جواهر، با استناد به این روایات، زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام را از راه دور مستحب می شمارد. زیارت از راه دور به این صورت است که افراد به سمت آن معصوم بایستند و با اشاره، سلام کنند.<sup>۲</sup> با این وصف، سلام پس از نماز به معصومان و امام رضا علیه السلام کاری پسندیده و توصیه شده است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۷.

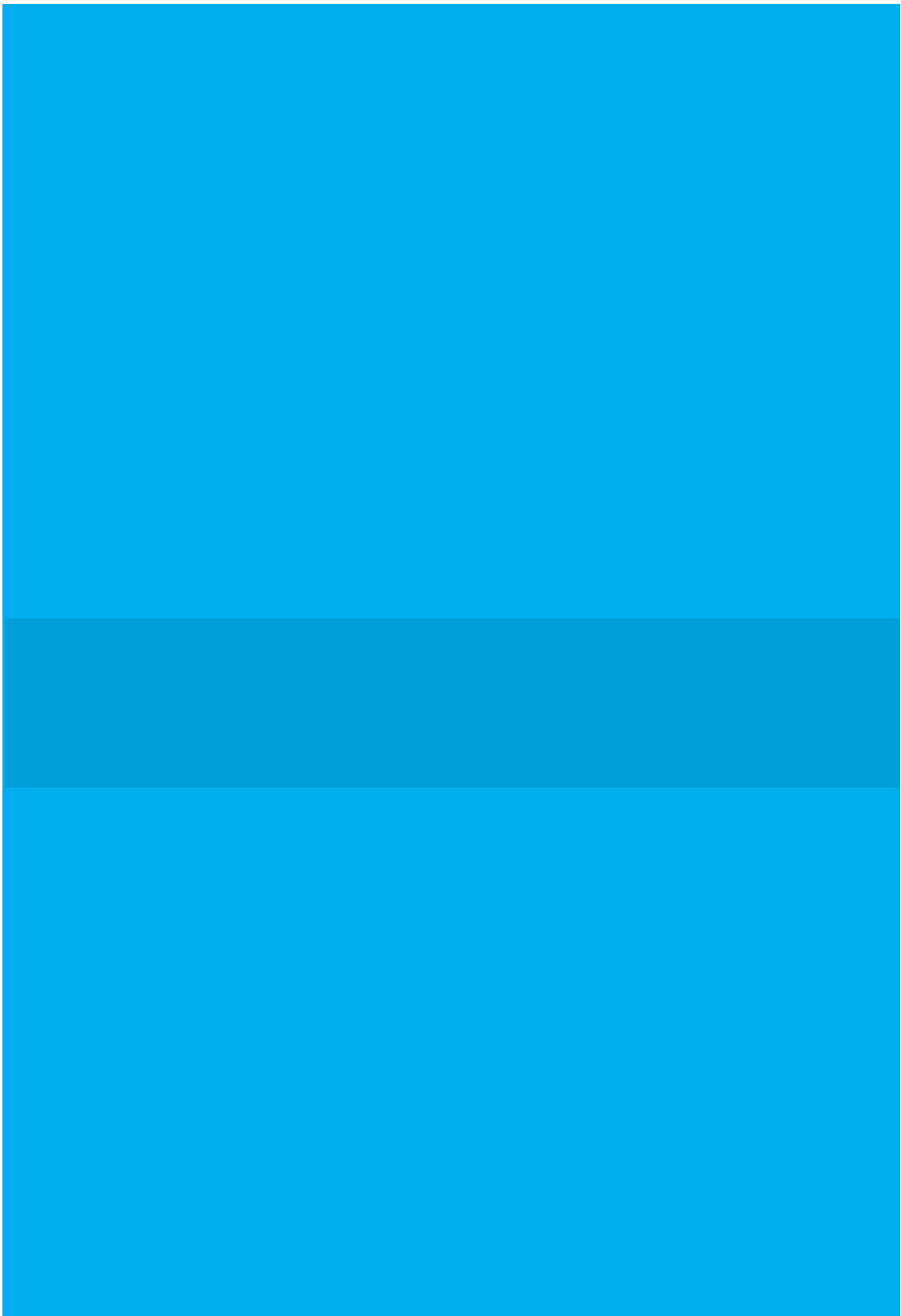
۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۰۰.





فصل پنجم:

آداب زیارت





## • آداب زیارت

دوست دارم وقتی به حرم مطهر امام رضا علیه السلام مُشْرِف می شوم، بهترین بهره و استفاده معنوی را از آن مکان مقدس ببرم. آداب زیارت امام چیست و برای رعایت آن‌ها چه توصیه‌ای شده است؟

فقه‌های شیعه با تکیه بر روایات، نکاتی درباره آداب ورود به حرم معصومان علیهم السلام برشمرده‌اند. جامع‌ترین آداب زیارت را شهید اول در کتاب دروس خود آورده است.<sup>۱</sup> شهید ثانی نیز این آداب را با عنوان سنن الزیارة ذکر کرده است.<sup>۲</sup> نظام‌الدین ساوجی، شاگرد ترازاؤل شیخ بهایی نیز به صورت جامع، شیوه ورود به حرم مقدس و همچنین برخی آداب حضور در آن را ارائه کرده است. او به ۲۱ نکته برای زیارت اشاره می‌کند:

۱. پیش از دخول به روضه غسل کند؛
۲. تا زمان داخل شدن با طهارت باشد؛
۳. جامه نو و پاک پوشد. بر در مشهد (مزار امام) بایستد و دعای منقول بخواند و اذن دخول بطلبد. پس اگر در آن حال، او را رقت به هم رسد، داخل شود؛ وگرنه انتظار بکشد تا هرگاه رقت به هم رسد، داخل شود؛
۴. با خضوع و خشوع داخل شود. درحین دخول، پای راست را مقدم دارد و در وقت بیرون آمدن پای چپ را؛
۵. خود را به ضریح بچسباند. بعضی توهم کرده‌اند که دورایستادن

۱. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۲ تا ۲۴.

۲. رسائل الشهيد الثاني، ج ۱، ص ۳۹۲.

- بهتر است و این غلط است؛ چه، در احادیث وارد شده است که بر ضریح تکیه باید کرد. بوسیدن ضریح جایز است. در بوسیدن آستان‌ها، حدیثی وارد نشده است و بعضی از مجتهدان امامیه بر آن اند که جایز است؛
۶. رو به قبله نکند؛ بلکه رو به ضریح و پشت به قبله کردن در حالت زیارت بهتر است؛
۷. زیارت به طریق منقول کند. گفتن السلام عليك کافی است و بعضی مجتهدان، حضور در آنجا را کافی می‌دانند؛
۸. جانب راست روی خود را بر ضریح بنهد و در وقت فارغ شدن از زیارت دعا کند؛
۹. جانب چپ روی خود را بر ضریح بنهد و از خدای تعالی به حق او و به حق صاحب قبر، درخواست کند که او را از اهل بهشت بگرداند به شفاعت صاحب قبر و نیز در دعا و الحاح کردن مبالغه کند؛
۱۰. بر سر بالین [بالای سر] آید و رو به قبله کرده و دعا کند؛
۱۱. بعد از زیارت، دو رکعت نماز زیارت بخواند. اگر زیارت حضرت رسول ﷺ باشد، سنت است که نماز زیارت را در میان منبر آن حضرت و قبر ایشان گزارد. اگر زیارت ائمه معصومان علیهم‌السلام باشد، در بالین سر باید گزارد و در این نماز، رخصت از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است که رو به قبر می‌توان کرد؛ اگرچه مستلزم پشت به قبله کردن باشد. اما اگر چنان کند که رو به ضریح کند و پشت به قبله نکند، بهتر است؛
۱۲. بعد از نماز زیارت، دعای منقول بخواند و آنچه به خاطرش رسد از مسائل دین و دنیا، طلب کند. دعا برای جمیع خلائق کردن بهتر است؛ چه، آن به اجابت نزدیک‌تر است؛
۱۳. در آن مکان، تلاوت قرآن کرده و ثواب آن را به صاحب ضریح هدیه کند؛ چه، نفع آن باز به او می‌رسد و سبب تعظیم صاحب قبر است؛
۱۴. در جمیع احوال و به حسب استطاعت، احضار قلب داشته باشد و از جمیع گناهان توبه کند؛

۱۵. بر خدمتکاران و نگاهبانان و محتاجان آن مقام تصدق کند؛ چه، ثواب تصدق در آن مقام، مضاعف می شود؛
۱۶. خدمتکاران و نگاهبانان و محتاجان آن مقام را تعظیم کند؛ چه، در حقیقت، تعظیم ایشان تعظیم صاحب قبر است؛
۱۷. هرگاه از زیارت برگردد، تا در آن شهر است، باز به زیارت رود؛
۱۸. هرگاه رفتن او نزدیک آید، وداع به دعای منقول کند؛
۱۹. از خدای تعالی بازگشت بدان مقام را بخواهد؛
۲۰. در وقت بیرون آمدن از آن مقام، روی به ضریح کند و عقب عقب بیرون آید؛
۲۱. زود از آن مقام بیرون رود؛ چه، حرمت و تعظیم در آن بیشتر است و اشتیاق باز آمدن، زودتر به هم می رسد.<sup>۱</sup>

### ● غسل زیارت

برای زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام غسل توصیه شده است. علت چیست؟

غسل زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از غسل هایی است که بسیاری از علمای شیعه، آن را برای زائران مستحب دانسته اند<sup>۲</sup> و این استحباب، به روایات فراوانی مستند است. درباره حکمت غسل زیارت، چند نکته گفتنی است:

۱. زائر برای حضور در حرم باید پاک باشد: هم پاکی ظاهری و هم پاکی درونی. از آنجاکه غسل زیارت به عنوان عملی عبادی انجام می گیرد، علاوه بر تمیزی جسم و لباس، طهارت روح و روان را هم در پی دارد. طهارت روحی شرط ارتباط با پاک دلان و پاک جانان و حضور در اماکن مقدس است. بر رعایت این ادب، در زمان حیات امامان علیهم السلام هم تأکید شده است. در این زمینه روایت کرده اند: چند نفر در مدینه، قصد تشرّف

۱. جامع عباسی، ج ۲، ص ۱۶۷ تا ۱۶۹.

۲. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۶؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۴۹۲؛ یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۲؛ رساله مراجع، ج ۱، ص ۲۰۰، مسئله ۳۲۲؛ ص ۳۸۴، مسئله ۶۴۵.



به حضور امام صادق علیه السلام داشتند. در راه، یکی از اصحاب از کوچه‌ای بیرون آمد و به این جمع پیوست؛ درحالی که جنب بود و اینان نمی دانستند. وقتی خدمت امام رسیدند و سلام دادند، حضرت خطاب به آن شخص فرمودند: **أَمَا تَعْلَمُ أَنَّه لَا يَنْبَغِي لِلْجُنْبِ أَنْ يَدْخُلَ بُيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ**؛ (آیا نمی دانی سزاوار نیست که شخص جنب به خانه انبیا وارد شود؟) بنابراین، او برگشت و بقیه در خدمت امام ماندند.<sup>۱</sup>

۲. برای زیارت هر معصومی، چه در حال حیات و چه پس از آن، غسل توصیه شده و این نکته حتی برای دیدن خواب معصومان علیهم السلام نیز تجویز شده است.

۳. فقهای بزرگ شیعه که به مستحب بودن غسل زیارت فتوا داده‌اند، به روایات بسیاری استناد کرده‌اند. در اینجا به دو نمونه اشاره می‌کنیم: از امام صادق علیه السلام درباره آیه **﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾** پرسیدند. حضرت فرمودند: **الْغُسْلُ عِنْدَ لِقَاءِ كُلِّ إِمَامٍ**؛ (منظور، غسل کردن هنگام دیدار هر امامی است.) ایشان با بیان این تفسیر، غسل را مصداقی از آراستگی هنگام عبادت یا حضور در عبادتگاه به شمار آورده‌اند. این موضوع دوران پس از حیات دنیایی ایشان را نیز شامل می‌شود؛ چون حفظ حرمت آنان، در دو حالت پیش و پس از فوت یکی است.<sup>۲</sup> در روایت دیگری آمده است: فردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «وقتی قادر به حضور در پیشگاه شما نیستم، چگونه زیارت کنم؟» امام فرمودند: «اگر توان آمدن نزد مرا نداری، روز جمعه غسل کن یا وضو بساز. سپس، بر بام برو و دو رکعت نماز به جای آور و به سمت من توجه کن. همانا هرکس مرا در حیاتم زیارت کند، گویا در دوره مرگم زیارتم کرده است و هرکس در دوران مرگم به زیارتم بپردازد، گویا در دوران حیاتم مرا زیارت کرده است.»<sup>۳</sup> با در نظر گرفتن اولویت زیارت

۱. قرب الاسناد، ص ۲۱.

۲. اعراف، ۳۱.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۰.

۴. کامل الزیارات، ص ۲۸۷.

در کنار حرم و تساوی امام صادق علیه السلام با همه معصومان علیهم السلام، به اهمیت غسل زیارت پی می بریم.<sup>۱</sup>

۴. شایسته بودن غسل زیارت را در کلام زیبای امام رضا علیه السلام نیز می توان یافت: «به درستی که هرکس غسل زیارت کرده و بعد از آن مرا زیارت کند، مثل روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان بیرون می آید.»<sup>۲</sup>

## ● اذن ورود

چرا مرسوم است پیش از ورود به حرم آقا، اذن ورود بخوانند؟

اجازه برای ورود به حریم حرم، نوعی رعایت ادب و نیز احترام گذاشتن تلقی می شود. اذن ورود زمینه درونی و قلبی برای زائر فراهم می کند تا با آمادگی و حضور قلب، از حضور در حرم و الطاف الهی عطا شده به زائران بهره مند شود. شهید اول ضمن تأکید بر ایستادن زائر بر درگاه حرم، این جمله را یادآور می شود: الوقوف علی بابہ و الدعاء و الاستئذان بالمأثور، فإن وجد خشوعاً و رقة دخل، و إلا فالأفضل له تحری زمان الرقة؛ لأن الغرض الأهم حضور القلب لتلقى الرحمة النازلة من الرب؛<sup>۳</sup> (زائر کنار در حرم بایستد و دعا کند و اذن بطلبد. اگر در دل خود خشوعی احساس کرد و رقت قلب حاصل شد، وارد شود. وگرنه بهتر است که برای ورود، زمان دیگری انتخاب کند که رقت قلب و خشوع حاصل شود؛ زیرا غرض مهم تر از ورود به حرم، حضور قلب است تا انسان از رحمت خدا بهره مند شود.)

اذن طلبی برای ورود به حرم را می توان از آیه **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»**<sup>۴</sup> نیز استناد کرد. در این آیه، مؤمنان از ورود بی اذن به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله نهی شده اند؛<sup>۵</sup> البته این آیه آستان معصومان علیهم السلام را نیز شامل می شود.

۱. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۶.

۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۷.

۳. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۳؛ نک: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۰۱.

۴. احزاب، ۵۳.

۵. محدثی، فرهنگ زیارت، ص ۳۴۵.



در «اذن دخول» ها آمده است: «خداوندا، بر درگاه یکی از خانه‌های پیامبر ﷺ و دودمان او ایستاده‌ام. خدایا، مردم را از بی‌اجازه وارد شدن به خانه پیامبر ﷺ منع کرده‌ای. به حرمت پیامبرت در حال غیبتش، مثل زمان حضور و حیاتش عقیده مندم و می‌دانم که فرستادگان تو زنده‌اند و نزد تو روزی می‌برند. آنان جایگاه مرا در اینجا و این لحظه می‌بینند و سخنم را می‌شنوند. فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَ أَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةَ لَكَ السَّامِعَةَ...» (پروردگارا، ابتدا از تو اذن می‌طلبم. سپس از پیامبرت و از جانشین تو که اطاعتش بر من واجب است، اجازه می‌خواهم که در این لحظه وارد خانه‌اش شوم. از فرشتگان گماشته به این بارگاه مقدس هم اذن می‌طلبم. به اذن خدا، رسول، خلفای او و اذن همه شما، وارد این خانه می‌شوم و جویای تقرب در پیشگاه خدا هستم...)<sup>۱</sup>

### ● بوسه بر ضریح و عتبه

بوسیدن ضریح‌های مقدس و درودیوار حرم چه صورتی دارد؟ در صورت عیب‌نداشتن، آیا ثواب دارد؟

بوسیدن ضریح و عتبه (آستانه در) به معنای ابراز محبت و علاقه به صاحب قبر است. به‌گفته مرحوم نراقی، در بسیاری از زیارت‌های منصوص (معتبر)، به بوسیدن ضریح و قبر تصریح شده است. بنابراین در هر جا که زیارتی وارد شده، بوسیدن مستحب است و موجب ثواب. در زیارتی که نرسیده یا بدون زیارت، اگر به قصد تعظیم و اظهار اخلاص باشد، خوب است و موجب ثواب.<sup>۲</sup> این تلقی که دورایستادن نشانه ادب است، روا نیست؛ زیرا علمای شیعه معتقدند در روایاتی آمده است<sup>۳</sup> که بر ضریح می‌توان تکیه کرد و بوسیدن آن جایز است.<sup>۴</sup> بوسیدن عتبه و آستان‌ها برگرفته از

۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۷۱.

۲. نراقی، رسائل و مسائل، ج ۳، ص ۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۴۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۴؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۷، ص ۴۲۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۰۱.

روایاتی است که به زائر توصیه می‌کند عتبه را ببوسد و آنگاه وارد حرم شود.<sup>۱</sup> حتی در بعضی از زیارت‌ها آمده است «چقدر مشتاق بوسه بر آستان شما هستم»<sup>۲</sup>. مجتهدان امامیه بر آن اند که بوسه بر آن‌ها جایز است؛<sup>۳</sup> زیرا بوسه بر درگاه و درها و دیوارها، به دلیل انتساب به آن چهره‌های محبوب است. شیخ مرتضی انصاری آستان حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام را می‌بوسید، چه رسد به آستان حرم ائمه اطهار علیهم السلام. می‌گفت: «عتبهٔ درب را می‌بوسم که گرد و خاک پای زوار است.»<sup>۴</sup> علامه طباطبایی در پاسخ به اینکه آیا شما هم ضریح حضرت را می‌بوسید، می‌گفت: «نه تنها ضریح، بلکه خاک و تختهٔ در حرم را و هرچه متعلق به آن است، می‌بوسم.»<sup>۵</sup> در بوسیدن ضریح و تبرک به آن، باید دو نکته را مد نظر گرفت:

۱. زائران در کنار ضریح درنگ اندکی کنند و با کنار رفتن، زمینهٔ باریابی دیگران را فراهم آورند تا آنان نیز از این فیض بهره‌مند شوند.<sup>۶</sup>
۲. رفتن به سمت ضریح برای بوسیدن آن، نباید زمینهٔ آزار سایر زائران را فراهم آورد. حماد بن عثمان می‌گوید: در مکه، مردی از غلامان بنی امیه به نام ابن ابی عوانه می‌زیست. روزی به امام صادق علیه السلام که مشغول طواف بودند، عرض کرد: «یا ابا عبدالله علیه السلام، دربارهٔ بوسیدن حجرالأسود چه می‌فرمایید؟» حضرت فرمودند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را بوسیده‌اند.» گفت: «ندیدم شما ببوسید.» فرمودند: «دوست نمی‌دارم که ناتوانی را آزار دهم یا خودم بر اثر ازدحام جمعیت اذیت شوم.» عرض کرد: «شما که می‌فرمایید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را می‌بوسیدند.» امام صادق علیه السلام گفتند: «بلی، وقتی مردم چشمشان به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌افتاد، به ایشان احترام می‌گذاشتند

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۶.

۲. «واشوقاه الی تقبیل اعتبارکم» (بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۰۵).

۳. لایعد جواز تقبیل العتبه الشریفه (العروة الوثقی، ج ۲، ص ۵۸۷)؛ نک: جامع عباسی، ج ۲، ص ۱۶۷ تا ۱۶۹.

۴. رخ شاد، در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۲۸۵.

۵. رحیم کارگر، در حریم عشق، ص ۱۵۲.

۶. الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۲۵.

و مراعات حق آن جناب را می‌کردند؛ ولی [در حال حاضر] مردم حق مرا نمی‌شناسند.<sup>۱</sup>

### ● سجده در برابر ضریح

سجده کردن در برابر ضریح امام چه حکمی دارد؟

سجده کردن به عنوان عبادت و بندگی، فقط در مقابل خدا ممکن است؛ زیرا سجده نهایت خضوع است و مختص کسی است که در نهایت کبریا و عظمت باشد. اگر سجده برای غیر از خداوند باشد، معصیت و حرام است؛ با این حال اگر سجده برای شکر و خضوع در برابر خدا باشد، مانند سجده ملائکه بر آدم علیه السلام و برادران یوسف بدون اشکال است. سید کاظم یزدی سجده برخی از مردم نزد قبرائمه معصوم علیهم السلام را اشکال می‌داند؛ مگر آنکه قصد آنان «سجده شکر باشد که موفق به زیارت شده‌اند»<sup>۲</sup>. به فتوای بعضی فقها، چنین سجده شکر «اجر هم دارد»<sup>۳</sup>. امام خمینی در این باره می‌نویسد: «سجده کردن برای غیر از خداوند متعال حرام است و بعضی از مردم عوام که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می‌گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد، اشکالی ندارد؛ وگرنه حرام است.»<sup>۴</sup> البته این سجده نباید به گونه‌ای باشد که در نظر سایر مردم، برای امام جلوه کند.

### ● گشتن دور ضریح

مردم به رسم گذشته، دور ضریح می‌گردند و آن را می‌بوسند. آیا این کار درست است؟

این کار را می‌توان نوعی تبرک جویی دانست. به گزارش محمد بن ابی العلاء روزی یحیی بن اکثم [معروف به قاضی سامرا] به زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و آله رفت. در حالی که دور آن می‌گشت، امام جواد علیه السلام را دید که دور ضریح قبر

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۰۹.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۰.

۳. دیدگاه‌های علمی آیت الله میلانی، ص ۴۵۱.

۴. امام خمینی، توضیح المسائل المحشی، ج ۱، ص ۵۹۰، مسئله ۱۰۹۰.



پیامبر خدا ﷺ می‌چرخند. در آن حال، مسائلی طرح کرد.<sup>۱</sup> مجلسی در راستای این روایت تأکید می‌کند که این گشتن، نه به قصد طواف، صرفاً همراه با دعاکردن و اعمال نقل شده از معصوم باشد.<sup>۲</sup>

همچنین گشتن دور ضریح معصومان علیهم‌السلام در زیارت جامعه‌ای که ابن مشهدی (وفات: ۶۱۰ ق) روایت کرده، اشاره شده است، به این فرمایش که: «ما جز گشتن پیرامون شاهد شما و تعزیت و تسلیت بر ارواح شما، بر این مصائب، مالک چیزی نیستیم.»<sup>۳</sup>

### • چیستی تبرک

تبرک به چه معناست؟ آیا واقعاً می‌توانیم از درودیوار حرم تبرک جوئیم؟ گویا وهابیان از آن جلوگیری می‌کنند و آن را شرک می‌دانند.

تبرک در اصطلاح به معنای درخواست فزونی و خیر و سعادت است که این مفاهیم در معنای برکت نیز نهفته است. در تبرک، انسان سعی می‌کند به واسطه آثار برکت بخش از فیض و قدرت الهی بهره‌مند شود. این برکت جویی گاه به طور مستقیم از خداوند صورت می‌گیرد و گاه نیز از طریق واسطه‌هایی همچون انبیا و اوصیا و اولیای الهی انجام می‌شود. در تبرک، برکت جویی از آثار منسوب به آنان نیز ساری و شایع است. وقتی به حرم امامی مشرف می‌شویم، به رسم عادت پیسنده و مشروع، در حرم و ضریح را می‌بوسید؛ آن هم برای برکت جستن، طلب خیر، سعادت و فزونی. این تبرک آن‌گونه که وهابیان می‌گویند و آن را مصداق شرک می‌شمارند، منافاتی با توحید ندارد؛ زیرا از نظر کلامی، کسی که در پی تبرک است، فاعل فعل برکت را خداوند می‌داند. او در حقیقت، به عوامل و اسبابی که خداوند برای تحقق مسائل قرار داده است، روی می‌آورد و از آنان برکت می‌جوید. حرم امام هم عاملی برای فیض رساندن است. به عبارتی تأثیر اشیای

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۷؛ دیدگاه حرعاملی را نیز بنگرید: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۵.

۳. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۹۹.

مادی و عوامل طبیعی، مستند به ارادهٔ خداست. علامه طباطبایی با بیان این سخن، بر این نکته تأکید می‌کند: «تأثیری که از غیرخدای تعالی نفی شده، تأثیر استقلال است. هر موخّدی می‌داند که هندوانه و سردی اش، عسل و گرمی اش در مزاج، از خدای تعالی است. اوست که هر چیزی را آفریده و اثرش را نیز خلق کرده است. هیچ موخّدی نمی‌گوید که عسل در بخشیدن حرارت به بدن، حاجتی به خدای تعالی ندارد. اما اینکه بگوییم: نه هندوانه سرد است و نه عسل گرم و نه آب اثر سردی دارد و نه آتش اثر حرارت، درحقیقت بدیهیّت عقل را انکار کرده و از فطرت بشری خارج شده‌ایم. از این رو وقتی خدای تعالی بتواند به فلان موجود، فلان اثر و خاصیت را ببخشد، چرا نتواند به اولیای درگاهش مقام شفاعت و وساطت در آمرزش گناهان و برآمدن حاجات را ببخشد و حتی در تربت آنان اثر شفا بگذارد؟»<sup>۱</sup> پس تبرکی که زائر در آستان معصومان علیهم‌السلام می‌جوید، عملی موخّدانه است که پیشوایان دین نیز آن را در گفتار و رفتارشان تجویز می‌کرده‌اند.

### ● دلیل تبرک

دلیل مشروع بودن تبرک جویی به ضریح و درودیوار حرم امام رضا علیه‌السلام چیست؟ آیا اهل بیت علیهم‌السلام نیز در حرم معصومان دیگر تبرک می‌جستند؟

تبرک جویی در آستان ملکوتی معصومان علیهم‌السلام حرکتی پسندیده و مشروع است. تبرک به نوعی تعظیم شعایر الهی است. علت اینکه مسلمانان، معصومان علیهم‌السلام را تعظیم کرده و با زیارت قبور و بوسیدن ضریحشان به آنان اظهار محبت می‌کنند و با تربت آنان تبرک می‌جویند نیز همین است که این اعمال را مصادیقی برای تعظیم شعایر الهی می‌دانند. آنان به آیهٔ شریفه **﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾**<sup>۲</sup> یا به آیهٔ مودت به

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۶.

۲. حج، ۳۲.

ذی القربی استناد می‌کنند که خدا فرمود: ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ﴾<sup>۱</sup> همچنین آیات دیگری<sup>۲</sup> درباره مهرورزی به پیامبر<sup>ﷺ</sup> وجود دارد که مسلمانان به آن‌ها نیز متمسک می‌شوند؛<sup>۳</sup> زیرا مهرورزی به رسول خدا<sup>ﷺ</sup> از شعب ایمان است و روایات بسیاری برای آن وجود دارد.<sup>۴</sup>

افزون بر آیات و روایات فراوان که مشروعیت تبرک را اثبات می‌کند، رفتار اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> نیز بر شرعی بودن آن گواهی می‌دهد. حضرت علی<sup>علیه‌السلام</sup> می‌فرمودند: «وقتی پیامبر خدا<sup>ﷺ</sup> دفن شد، فاطمه<sup>علیها‌السلام</sup> کنار قبر ایشان ایستاد. مقداری از خاک قبرشان را برداشت و بر صورت نهاد و اشک ریخت:

مَا ذَا عَلِيٍّ مِنْ شِمِّ نُزَيْبَةَ أَحْمَدَ أَنْ لَا يَشْتَمَّ مَدَى الزَّمَانِ عَوَالِيَا

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبَ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامَ صِرْنَ لَيَالِيَا

(چه می‌شود کسی را که خاک قبر احمد را ببوید که تا زنده است، از بویدن مشک‌های گران‌قیمت بی‌نیاز شود

مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر بر روزگاران روشن فرود می‌آمد، به شب‌تار تبدیل می‌شدند.)<sup>۵</sup>

علی بن الحسین<sup>علیه‌السلام</sup> نیز همواره در کنار قبر پیامبر<sup>ﷺ</sup> می‌ایستادند و بر ایشان سلام می‌کردند. آنگاه رو به قبله می‌کردند و پشت خود را به سنگ سبزی که بر دیوار قبر بود، می‌چسبانده و دعایی را می‌خواندند.<sup>۶</sup>

## • تهدیدهای ادب زیارت

بزرگ‌ترین خطری که می‌تواند ما را از ادب زیارت دور کند، چیست؟

ادب اقتضا می‌کند شخصی که بار سفر بسته و عزم خویش را جزم کرده است تا بزرگواری را زیارت کند، در تمام مراحل این سفر، خود را در محضر

۱. اسرا، ۳۶.

۲. اعراف، ۱۵۷.

۳. المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۶.

۴. بیهقی، شعب الایمان، ج ۲، ص ۱۲۹.

۵. صالحی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۲، ص ۳۳۷.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۴۳.

آن محبوب بداند. مسافر باید تلاش کند که از نورانیت و جذابیت آن مرقد نورانی، بیشترین بهره را ببرد و آن وجود مقدس را ناظر بر رفتارش بداند. وی باید از آنچه موجب سرگرمی‌های غفلت‌آور است و او را از هدف اصلی بازمی‌دارد، بپرهیزد. هدف زیارت این نیست که انسان حضور جسمی در بارگاه عزیز و بزرگواری داشته، اما قلب و روحش غایب باشد و با دیوارها، گچ‌بری‌ها، کاشی‌کاری‌ها، چراغ‌ها و... سرگرم شود و خود را از کسب فیض از محضر آن بزرگوار محروم کند.

عارف بزرگوار، میرزا جواد ملکی تبریزی، درباره این آسیب که بسیاری از مسائل عبادی ما را هدف قرار داده است، چنین می‌نویسد: «چیزی که برای همگان قابل رؤیت می‌باشد، این است که بیشتر مردم در عبادات و کارهای آخرت و حتی در ایمان و اخلاق خود، به شکل ظاهری آن چسبیده‌اند؛ ولی در امور دنیایی علاوه بر انجام دادن شکل ظاهری، برای به دست آوردن حقیقت و واقعیت آن دقت زیادی به خرج می‌دهند. برای مثال، بیشتر مردم فقط شکل نماز را به وجود آورده و برای تکمیل ظاهر آن کوشش می‌کنند؛ ولی در پی به دست آوردن روح آن نیستند. مهم‌ترین چیزی که باعث از بین رفتن دین و آخرت انسان شده و او را به سوی دنیا کشیده و باعث حاکمیت هوای نفس بر انسان می‌شود، همین امر است. هر کدام از کارها و اذکار نماز که از اجزا یا شرایط نماز هستند، از طهارت و تکبیر گرفته تا سلام دادن و خواندن تعقیبات نماز، همگی دارای شکل و روح می‌باشند؛ اما مردم شکل ظاهری نماز را یاد گرفته و برای درست کردن تقلید و آموختن نماز، خیلی تلاش کرده و در این موارد احتیاط می‌کنند. حتی درباره میزان معلومات و تقوای مراجع تقلید تحقیق کرده و در این باره، با یکدیگر بحث می‌کنند. به جهت فهمیدن مطالب رساله‌های علمیه دقت کرده و درباره آن با یکدیگر بحث می‌کنند. درباره پاک بودن آب و پاک کردن اعضای بدن زیاده‌روی کرده و برای رساندن آب به اعضای وضو به اندازه‌ای تلاش می‌کنند که شرع از آنان نخواست و حتی

به صراحت، آن را نهی کرده است و همین طور در مورد پاک بودن مکان و لباس نماز. هنگام نماز و گفتن ذکر، به اندازه‌ای در ادای حروف از مخارج دقت کرده و زیاده روی می‌کنند که در نهایت، آن را غلط می‌خوانند! اما گویا اصلاً دستوری ندارند که اعضای بدن خود را از گناهان و دل را از اخلاق رذیله، نفس و دوستی غیرخدا و به یاد غیر خدا بودن پاک کنند که به این امور نمی‌پردازند.

اما مردم در امور دنیوی چنین نبوده و تمام تلاش خود را برای به دست آوردن چیزهای حقیقی به کار می‌گیرند؛ برای مثال کسی که حلوا می‌دهد، نمی‌تواند با شکل یا کلمه حلوا خود را راضی کند و اگر یکی از اجزای آن به حد کافی در آن نباشد، نام حلوا را از روی آن برداشته و می‌گوید: این حلوا نیست. همین طور در سایر چیزها و امور دنیا، تاکنون کسی را ندیده‌ام که در امور دنیایی، به شکل ظاهر اکتفا کند. اگر همه مردم چنین نباشند، بیشتر مردم در اغلب امور آخرت، فقط شکل ظاهر را به وجود آورده و انتظار دارند که شکل و ظاهر، اثر روح را داشته باشد که [البته] به آن نمی‌رسند.... در یک کلام، ما در امور دینی و آخرتی گرفتار سهل انگاری شده و خود را با ظواهر راضی نموده و در انجام این امور کوتاهی می‌کنیم. البته باید در نظر داشت که اگر می‌گوییم باید ماهیت و معانی را به وجود آورد و از اکتفا به ظاهر پرهیز کرد، منظور این نیست که باید به شکل ظاهری بی‌اعتنا باشیم. باید هم جلوه ظاهری را ایجاد کرد و هم معنا و باطن را، همان‌گونه که خداوند از ما خواسته و رسول خدا ﷺ انجام می‌داد؛ زیرا شکل و ظاهر نیز بسیار مهم است. اگر کسی مانند صوفی‌ها، اصلاً جلوه بیرونی و شکل ظاهری را رعایت نکند، خود و دیگران را گمراه نموده و با این عمل، از دین خارج می‌شود.<sup>۱</sup>

### • خضوع و خشوع

می‌گویند با خضوع و خشوع وارد حرم شوید. منظور از این توصیه چیست؟

۱. ملکی تبریزی، المراقبات، ص ۵۳۸.



خشوع حالتی قلبی است که در پی شناخت امام رضا علیه السلام و علاقه به ایشان، در دل و روان زائر ایجاد می‌شود. تأثیر شخصیت الهی و عظمت ملکوتی امام در قلب، حالتی پدید می‌آورد که رعایت احترام در ظاهر را در پی دارد. حتی نوع ایستادن، نشستن، نگاه کردن، سخن گفتن، وارد و خارج شدن، همه تحت تأثیر آن حالت درونی است. پس خشوع قلبی، خضوع اعضا و جوارح را پدید می‌آورد.<sup>۱</sup> عالم والا، سید عبدالله شبّر، می‌نویسد: «در حال زیارت این بزرگواران، شایسته است که با کمال خشوع و ادب در مقابل مزارشان بایستی و همان‌گونه که زندگان آنان را زیارت می‌کنی، از دنیا رفتگان ایشان را زیارت کنی و وقتی به قبرشان نزدیک می‌شوی، چنان حرکت کن که گویی به شخص خودشان در حال زندگی، نزدیک می‌شوی.»<sup>۲</sup>

ایستادن هنگام زیارت در مقابل قبر شریف، یکی از نشانه‌های خشوع و خضوع است و بر این نکته در غالب زیارت‌نامه‌های معتبر تأکید شده است.<sup>۳</sup> علامه امینی می‌نویسد: «برای زائر سزاوار است که هنگام زیارت، ایستاده باشد؛ چنان‌که این حالت به ادب سزاوارتر است. پس اگر طولانی شد، اشکالی ندارد که با ادب و بر دو زانو بنشیند و در مقام هیبت و اجلال، با دلی آسوده، چشم خود را فرو افکند و با قلب خود، جلالت موقف خود را و اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله [و سایر مشاهد امامان] زنده‌اند و ناظر احوال او و آگاه بر او هستند، [درک کند].»<sup>۴</sup>

بیرون آوردن کفش در حریم مقدس زیارتگاه‌ها، از توصیه‌ها و تأکیدهای بزرگان ماست. وقتی تربت پاک و مطهر ولی خدا مقدس است، به تناسب قداست مکان و جایگاه، زائر باید شئون آنجا را رعایت کند. خداوند به

۱. فرهنگ زیارت، ص ۳۴۳.

۲. شبّر، الاخلاق، ص ۱۲۷.

۳. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۸ و ۱۶۸ و ۲۵۹.

۴. الغدیر، ج ۵، ص ۱۹۸.

حضرت موسی علیه السلام فرمان می دهد: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى!»<sup>۱</sup> (در وادی مقدس طور هستی. کفش هایت را درآور.) این آیه ناظر به اِکرام حرم و مزار پیشوایان ماست و زائر باید با خاکساری و فروتنی، پا در حریم آستان قدسی معصومان علیهم السلام نهد.<sup>۲</sup>

### ● برنامه حضور

سعی می کنیم در مدت حضور در حرم امام رضا علیه السلام، از فضای معنوی پیرامون استفاده کنیم؛ ولی راه درست آن را نمی دانیم. لطفاً بنده را راهنمایی کنید.

زیارت، نماز، دعا، ذکر و قرائت قرآن، در کنار مزار امام ثواب بیشتری دارد و این ها از برنامه هایی است که بزرگان دین ما به زائر توصیه می کنند. همچنین گفتن ذکر و خدا را به یکتایی ستودن، در حرم مطهر امامان علیهم السلام که مظهر توحید و ذکر و تسبیح هستند، بسیار پسندیده است. در روایت آمده است: وقتی زائر، مقابل قبر امام معصوم قرار گرفت، اگر بگوید: لا اله الا الله وحده لا شریک له، ثواب بسیاری برای او نوشته می شود.<sup>۳</sup> تلاوت قرآن نیز از جمله کارهای بافضیلت است؛ به خصوص زمانی که زائر آیات را با تأمل و درنگ تلاوت کرده و ثواب را به امام هدیه کند. شهید اول نیز این برنامه زیارتی را توصیه می کند: تلاوة شیء من القرآن عند الضرائح و إهداؤه إلى المزور، و المنتفع بذلك الزائر، و فيه تعظیم للمزور؛<sup>۴</sup> (آیاتی از قرآن را در جوار ضریح تلاوت کند و آن را به امامی که او را زیارت می کند، هدیه کند. بدیهی است که از این تلاوت، زائر نیز منتفع می شود و سبب تعظیم امامی است که به زیارتش آمده است.)

خواندن نماز جعفر طیار در حرم امام یکی از برنامه ها برای حضور زائر است. به روایت علامه مجلسی، هرکس امام رضا علیه السلام یا یکی از امامان را

۱. طه، ۱۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۵.

۳. مفاتیح الجنان، ادب پنجم از آداب زیارت.

۴. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۴.

زیارت کند و نزد او نماز جعفر بگزارد، برای او به هر رکعتی، ثواب کسی نوشته می شود که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده و هزار بار با پیامبر مرسل صلی الله علیه و آله در راه خدا ایستادگی کرده است.<sup>۱</sup>

### ● بلند صحبت کردن

آیا بلند صحبت کردن در حرم معصومان علیهم السلام، مثلاً زیارت نامه خواندن با صدای بلند و...، خلاف ادب است؟

فروآوردن صدا در ذکر، دعا، زیارت و غیر از آن، از آداب حضور در حرم معصومان علیهم السلام است. مرحوم علامه مجلسی به این آیه استناد می کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾<sup>۲</sup> (ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گویند، با او به صدای بلند سخن مگویید تا مبادا بی آنکه بدانید، کرده هایتان تباه شود.)

مجلسی فروکاستن صدا را نوعی ادب حضور در آستان معصومان علیهم السلام می شمارد<sup>۳</sup> و معتقد است که باید صدا را نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله فروکاست و برای زیارت و غیر آن، از صدای جهر و بلند پرهیز کرد. او با تکیه بر روایات، این احترام را بعد از موت ایشان هم جاری می داند. همچنین تأکید می کند که رعایت این ادب فقط به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص ندارد و شامل سایر معصومان علیهم السلام هم می شود؛ زیرا حرمت ائمه علیهم السلام نیز مانند حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله است.<sup>۴</sup>

علامه امینی در این زمینه می نویسد: «مرحوم شیخ محمد طه نجف به حرم عسکریین علیهم السلام وارد شد، در حالی که صداها به اذان بلند بود [و هر کس در گوشه ای، برای خود اذان می گفت. آنگاه ایشان] آن ها را از آن کار نهی

۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۷.

۲. حجرات، ۲.

۳. نک: مجلسی، مرآة العقول، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.



کرد و این آیه شریفه را خواند: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا»<sup>۱</sup> (شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید؟)<sup>۲</sup>

### • لحظات حضور در حرم

آیا وقتی در حرم امام هستیم، بعد از خواندن زیارت نامه می توانیم برنامه عادی خود را پی بگیریم؛ مثلاً با همدیگر صحبت کنیم؟ یا در وقت ماندن در حرم باید آدابی رعایت کنیم؟

باید فروتنی و خشوع و خاکساری را در مدت حضور در حرم حفظ کرده و با آرامش و پایین آوردن صدا، ادب حضور را مراعات کرد. همچنین باید از هر کاری که با فروتنی و ادب مغایر است، اجتناب کرد؛ از جمله سخنان بیهوده و حرکات سبک و ناپسند و دور از شأن زیارتگاه.

از خدا خواهیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف حق

باید دقت کرد که زائر لحظات حضور نزد امام را سپری می کند؛ بنابراین رعایت ادب، همچون احترام به ایشان در دوران حیاتشان است. اندیشمندان دینی ما بر این باورند که حرمت گذاری برای امام وظیفه ای است که لازمه احترام گذاشتن به پیامبر اکرم ﷺ است. قرآن رعایت این وظیفه رفتاری را بر همه لازم شمرده است.<sup>۳</sup> عارف فرزانه، مرحوم بهاری همدانی، می نویسد: «مبادا با کسی صحبتی خارجه بکند. چه جای اینکه در حرم مطهر، نستجیر بالله، غیبت کند یا گوش به غیبت دهد یا دروغ گوید یا به سایر معاصی مرتکب شود! بلکه صدا هم نباید بلند کند. آیه ﴿ لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی... ﴾<sup>۴</sup> در اینجا هم جاری است... چهار گوشه

۱. نوح، ۱۳.

۲. امینی، ادب الزائر، ص ۲۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۵.

۴. صداهای پستان را بالاتر از صدای پیامبر بلند نکنید) حجرات، ۲. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: «با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای تعظیم است و با بزرگان به صدای بلند صحبت کردن، نظیر مردم عادی، خالی از اسائۀ ادب و وقاحت نیست» (المیزان، ج ۱۸، ص ۳۰۸).



قبر مطهر را ببوسد و به زبان خود، عرض حال کند و حاجاتش را از آن بزرگوار بخواهد و بگوید: ای بزرگ همه کس.

یا منی بازمانده را نزد خود از وفا طلب یا تو که پاکدامنی مرگ من از خدا طلب»<sup>۱</sup>

### • زیارت برای بانوان

آیا بانوان زائر برای زیارت حرم معصومان علیهم السلام آداب خاصی دارند؟ نوع حضور آنان چگونه است؟

آداب عمومی زیارت، شامل زنان زائر نیز می شود؛ البته به دلیل جایگاه معنوی حرم معصومان علیهم السلام، برای آنان رعایت حیا و عفت به عنوان ادبی خاص افزوده شده است. مرحوم علامه امینی در کتاب ادب الزائر، فصلی را با عنوان ادب زائران زن گشوده است و درباره آداب زیارت آنان می نویسد: «چشم خود را از حرام بیپوشند. خود را از تبرّج و شهوت بازدارند. لباس حیا به تن کنند و روبند عفت زنند. در میان راه که تداخل با مردان دارد، راه نروند. از کنار دیوار بگذرند. پوشیدن لباس نازک را ترک کنند. از هرچه مایه شهرت آنها می شود، دوری کنند. در معابر سرمه و عطر نزنند...»<sup>۲</sup>

همچنین گاه در اماکن زیارتی، اختلاط زن و مرد به چشم می خورد و حریم ها رعایت نمی شود. حفظ حدود برای همگان مهم است؛ اما بانوان، وظیفه مضاعفی برای رعایت آن بردوش دارند. شهید اول می نویسد: «هنگامی که زنان می خواهند به زیارت بروند، باید خود را از مردان جدا کنند و تنها زیارت نمایند و اگر هنگام شب زیارت کنند، بهتر است و باید وضع لباس خود را تغییر دهند و لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند...»<sup>۳</sup>

### • ریا در زیارت

آیا ریا در زیارت اشکال دارد و موجب از بین رفتن عمل ما می شود؟

۱. بهاری، تذکرة المتقین، ص ۷۸.

۲. ادب الزائر، ص ۵۰.

۳. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۵.

ریا به معنای انجام دادن کاری در برابر دیدگان مردم است تا به او گمان نیک پیدا کنند. این کار در اسلام ممنوع و حرام شمرده شده و قرآن کریم در آیات متعددی، آن را نکوهش کرده است. در برخی از این آیات، به آثار ریا در باطل کردن انفاق یا صدقات اشاره شده است: ﴿لِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ (منافقان می خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که خدا فریب دهنده آنان است. آنان وقتی به نماز برمی خیزند، برای مردم خودنمایی می کنند و خدا را فقط اندکی یاد می کنند.) در نظر فقیهان، ریا در عبادت موجب بطلان آن است. همچنین هر کاری که در آن قصد قربت شرط شده باشد، ریا آن را باطل می کند. در تمام کارها، به ویژه کارهای عبادی، باید موضوع اخلاص مد نظر باشد تا نتیجه ای الهی در پی آورد.

### • جایگاه زائران

گاهی در لحظه ورود به حرم، حالی به ما دست می دهد که خود را در مقایسه با سایر زائران برتر می دانیم. بعضی اوقات هم پیش می آید که ناخودآگاه، حقوق سایر مردم را رعایت نمی کنیم. در این باره بفرمایید.

زائران حرم ائمه اطهار علیهم السلام جایگاه والایی دارند و هرچند از افراد معمولی به حساب آیند، باید به آنان احترام گذاشت و به حقوق ایشان توجه و اهتمام خاص داشت. آیت الله شب زنده دار درباره استاد خود، آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی، می گفت که ایشان همواره سعی می کرد هنگام زیارت در میان مردم عادی بنشینند و امام را زیارت کند. آیت الله حائری می گفت: «احترام به زائران، احترام به آن حضرت است و موجب خشنودی آن امام می شود.»<sup>۲</sup>

ایشان نقل می کرد: یکی از زائران حضرت رضا علیه السلام، یک بار به مشهد مقدس مشرف شده و اتاقی در خانه ای اجاره کرده بود. او مرتب به زیارت

۱. نسا، ۱۴۲.

۲. مجله فرهنگ زیارت، شماره ۳ و ۴؛ ص ۸۹.

حضرت مشرف می‌شد. وی دید که در طبقهٔ دیگر، فردی مدت‌هاست در مجاورت حرم مطهر امام رضا علیه السلام ساکن شده است؛ ولی بیش از او به حرم می‌رود، آداب زیارت را بهتر از او به جا می‌آورد و زیارت‌ها را هم بیشتر طول می‌دهد. روزی به حال او غبطه خورد و تصمیم گرفت که او هم با آداب مخصوص، مثل غسل و خواندن اذن دخول و...، به حرم مشرف شود.

می‌گفت یک روز صبح، آداب و مقدمات لازم را انجام دادم و به حرم رفتم. وقتی خواستم وارد حرم مطهر شوم، یکی از آشنایان را دیدم که از حرم خارج می‌شد. نزدیک آمد و با من بسیار گرم گرفت؛ ولی من که می‌خواستم اذن دخول بخوانم و باحال وارد حرم بشوم، با او بسیار سرد رفتار کردم. بعد وارد حرم شدم و به نظر خودم، زیارت باحالی کردم. از حرم بیرون آمدم و دیدم آن همسایهٔ مجاور هنوز از حرم نیامده است. پس از مدتی او هم آمد. مرا با اسم و بدون احترام و القاب صدا کرد و گفت: «فلانی، حضرت فرمود که دیگر به زیارت من نیا.» تا این جمله را گفت، فهمیدم که رفتار سردم با آن زائر، امام را ناراحت کرده است که چنین دستوری داده‌اند. از این رو حرکت کردم و با هر زحمتی بود و با اینکه آدرسی از او نداشتم، او را یافتم و عذرخواهی کردم. بالاخره او را راضی کردم؛ ولی به حرم نرفتم. تا اینکه روز بعد، همان همسایه وقتی از حرم برگشت، مرا با احترام صدا کرد و گفت: «امام فرمودند که حالا به زیارت من بیا.»

### • زیارت وداع

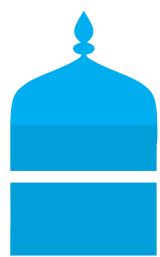
آیا زیارت وداع مستحب است؟ به هنگام خداحافظی، باید چگونه از حرم خارج شد؟ همان‌گونه که زیارت معصومان علیهم السلام در حرم ایشان مستحب است، زیارت وداع را نیز مستحب شمرده‌اند. شیخ صدوق دربارهٔ زیارت وداع می‌نویسد: «وقتی خواستی وداع کنی، می‌گویی: السَّلامُ عَلَیکَ یا مَوْلایِ و ابنِ مَوْلایِ... تا... إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. آنگاه می‌گویی: استودعک اللهُ و استرعیک... تا... عباد الله الصالحین. وقتی از حرم خارج شدی، از آن حضرت روی

نمی‌گردانی تا از نظرت بیرون شده و قبر از دیده‌ات پنهان شود.<sup>۱</sup>  
ملکی تبریزی دربار لحظه وداع از حرم معصوم علیه السلام این توصیه را بیان می‌کند: «کوشش کن برنگردی، مگر اینکه آثار اذن و اجازه خروج ظاهر شود؛ همچنان که بعد از ظهور آثار اجازه ورود، داخل گشتی. چون اراده برگشت نمودی به قهقرا و به عقب سر، اندک و آرام برگرد و دوباره به مقام خود برو و بر آن حضرت سلام ده و کمی بایست و سلام را تکرار کن. چون از حرم خارج شدی، عتبه در و آستانه را بیوس. در مراجعت، اگر بدنت برمی‌گردد، تو با قلب و روح و فکر خودت در حضور او مقیم بمان و از خدمت او مفارقت نکن.»<sup>۲</sup>

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۱.

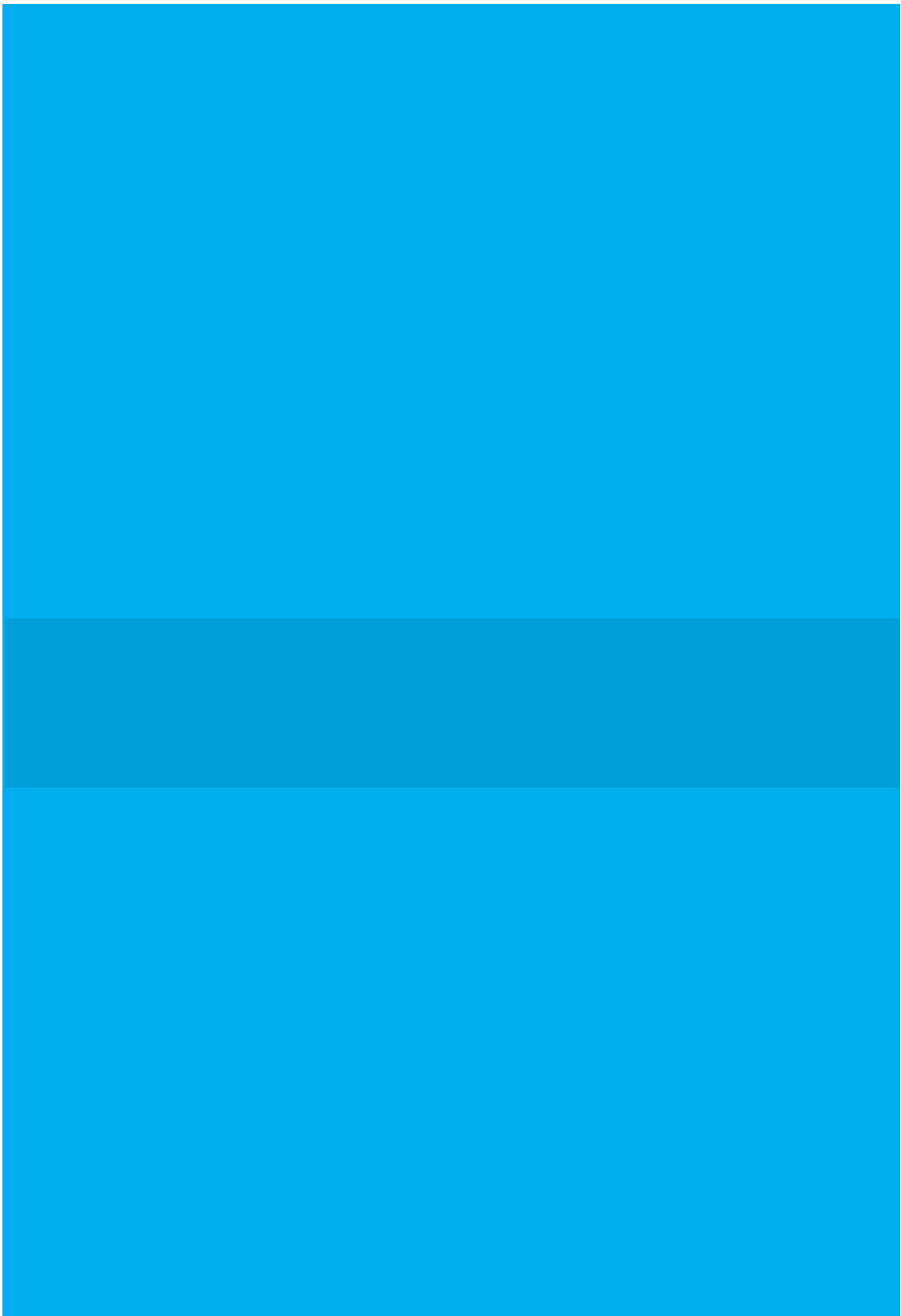
۲. المراقبات، ج ۲، ص ۲۵۴.





فصل ششم:

متن زیارت





## • زیارت مأثور

بسیار شنیده‌ام که زائران را به خواندن زیارت مأثور یا منقول سفارش می‌کنند. منظور چیست؟

زیارت مأثور زیارتی است که معصومان علیهم‌السلام نقل کرده‌اند و مستند به کلام و رفتار ایشان است؛ یعنی ایشان خود بدین شیوه، زیارت خاصی می‌خوانده‌اند یا دیگران را به این نحوه زیارت راهنمایی می‌کرده‌اند. فردی از حضرت صادق علیه‌السلام پرسید: «یا بن رسول الله، بسیار به یاد حسین بن علی علیه‌السلام می‌افتم. در آن لحظه چه بگویم؟» امام فرمودند: «هنگام یاد از او، سه بار بگو: صلی الله علیک یا ابا عبدالله.»<sup>۱</sup> در روایتی دیگر، امام صادق علیه‌السلام به سدید می‌گویند: «هرگاه خواستی سیدالشهدا علیه‌السلام را زیارت کنی، بالای بام خانه‌ات برو و نگاهی به چپ و راست کن. آنگاه رو به قبر آن حضرت بگو: السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته تا خداوند ثواب زیارتی شایسته به تو عطا کند.»<sup>۲</sup> زیارت عاشورا، زیارت اربعین، زیارت جامعه کبیره، زیارت امین الله، زیارت معصومان علیهم‌السلام و حتی زیارت حضرت ابوالفضل علیه‌السلام، حضرت علی اکبر علیه‌السلام، حضرت معصومه علیه‌السلام و ده‌ها زیارت کوچک و بزرگ دیگر، از زیارت‌های مأثوری هستند که در متون دینی به خواندن آن‌ها توصیه کرده‌اند؛ چون از زبان اوصیای الهی بوده‌اند و مضامین متعالی و جان‌بخشی دارند.

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۷۵.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۸۹.

## • زیارت مأثور حرم رضوی

در حرم امام رضا علیه السلام چه زیارتی بخوانیم؟ زیارت‌های مأثور برای زیارت امام رضا علیه السلام کدام است؟

در زیارت امام رضا علیه السلام می‌توانید زیارت‌های جامع و عام معصومان علیهم السلام مانند جامعه کبیره و امین‌الله را بخوانید یا آنکه زیارت‌های مأثور امام را که در متون معتبره و مفاتیح الجنان و زیارت‌نامه‌های موجود در حرم مطهر درج شده است، زمزمه کنید و از لذت معنوی آن بهره‌مند شوید. جعفر بن محمد قولویه قمی در کتاب کامل‌الزیارات، زیارت‌نامه مأثور امام رضا علیه السلام را از برخی معصومان علیهم السلام نقل کرده است.<sup>۱</sup> زیارت موجود در مفاتیح الجنان و زیارت‌نامه حرم همین زیارت است.

## • صلوات مخصوص

سند زیارت کوتاهی که برای امام رضا علیه السلام نقل شده است، چیست؟

گفته‌اند پس از غسل و اذن ورود، این زیارت را بخوانید: اللهم صل علی علی بن موسی الرضا المرتضی الامام التقی التقی و حجتک علی من فوق الأرض و من تحت الثری الصدیق الشهید صلاة کثیرة نامیة زاکیة مبارکة متواصلة مترادفة متواترة كأفضل ما صلیت علی أحد من أولیائک. سپس دو رکعت نماز زیارت به جای آورید. این زیارت کوتاه را بسیاری از محدثان شیعه از جمله کفعمی،<sup>۲</sup> ابن قولویه،<sup>۳</sup> مجلسی<sup>۴</sup> و نوری<sup>۵</sup> نقل کرده‌اند.

## • نماز زیارت

آیا در زیارت‌هایی که برای امام رضا علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام در حرم آنان می‌خوانیم، باید نمازشان را نیز بخوانیم؟ در زیارت امامزاده‌ها چگونه؟ آیا نماز هم دارد؟ کیفیت

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۱؛ مفید، مزار، ص ۱۹۷؛ جامع عباسی (محقق)، ج ۲، ص ۱۸۳.  
 ۲. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۸ تا ۳۱۳.  
 ۳. البلد الامین، ص ۲۸۴؛ المصباح، ص ۴۹۴.  
 ۴. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۹.  
 ۵. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۱.  
 ۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

## نماز زیارت مثل نماز صبح است یا سوره خاصی دارد؟

در پاسخ به این سؤال سه بخشی، نکات زیر درخور توجه است:

۱. در زیارت‌های مأثوری که بر خواندن نماز زیارت تصریح شده است، نماز زیارت را می‌توان خواند. این نماز در غالب زیارت‌های مأثوره اطهار علیهم‌السلام از جمله زیارت مأثور امام رضا علیه‌السلام نیز وجود دارد. اهمیت این نماز بدان حد است که برخی فقها، همچون صاحب‌جواهر، بر خواندن آن تأکید دارند. درباره زیارت معصوم، خواه از انبیای سابقین باشد یا از ائمه طاهرين علیهم‌السلام فقهای شیعه همگی قائل به استحباب نماز زیارت هستند. نراقی می‌نویسد: «اگر زیارت مخصوصی باشد که در حدیثی وارد شده باشد، اگر در حدیث ذکر نماز هم شده باشد، ظاهر آن است که در اتمام آن زیارت ضروری باشد. اگر به خصوص نرسیده باشد، ضرور نیست؛ اگرچه مستحب باشد. هرکس زیارت مخصوصی که می‌کند از نزدیک یا دور، باید حدیث آن را ملاحظه کند و آنچه در آنجا از نماز و تقدیم و تأخیر آن ذکر شده، بکند و از حدیث تجاوز نکند.»<sup>۱</sup>

۲. درباره کیفیت نماز زیارت نیز علما چنین بیان کرده‌اند که نماز زیارت دو رکعت است و بعد از حمد، هر سوره‌ای را می‌توان خواند. خواندن سوره یس و الرحمن نیز توصیه شده است.<sup>۲</sup> صاحب جامع عباسی می‌نویسد: «آنگاه به بالای سر رفته، دو رکعت نماز زیارت بگذارد. در رکعت اول، بعد از فاتحه سوره یس بخواند و در رکعت دوم، بعد از فاتحه سوره الرحمن و اگر به خاطر نداشته باشد، از روی قرآن می‌تواند بخواند و اگر میسر نشود، هر سوره که خواهد، بخواند.»<sup>۳</sup>

۳. فقیه مشهور شیعه، مرحوم نراقی، نماز زیارت را نزد قبر هر یک از شهدا و کل مؤمنان نیز مستحب می‌شمارد.<sup>۴</sup> او به این روایت استناد

۱. نراقی، رسائل و مسائل، ج ۱، ص ۵۹.

۲. شیخ مفید، الاشراف، ص ۳۰.

۳. جامع عباسی، ج ۲، ص ۱۸۳.

۴. نراقی می‌نویسد: «به این جهت، شیخ مفید و سید مرتضی و شهید اول در زیارت ابراهیم پسر

می‌کند: ابو حمزه ثمالی درباره شیوه زیارت امام حسین علیه السلام، از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: ...وصل عند رأسه رکعتین تقرء فی الاولی الحمد و یس، و فی الثانیة الحمد و الرحمن، و إن شدت صلیت خلف القبر، و عند رأسه أفضل، فاذا فرغت فصل ما احببت، الا أن الرکعتین رکعتی الزیارة لا بدّ منها عند کل قبر؛ (پس از زیارت، بالای سر حضرت دو رکعت نماز به جای می‌آوری. در رکعت نخست، حمد و یس و در رکعت دوم نیز حمد و الرحمن را می‌خوانی. اگر خواستی، می‌توانی نماز را پشت قبر به جای آوری؛ گرچه بالای سر حضرت، افضل است. پس از به جای آوردن نماز، هر جا خواستی نماز بخوان؛ ولی آن دو رکعت نماز زیارت را باید در کنار هر قبوری بخوانی.)

---

پیغمبر صلی الله علیه و آله، زیارت فاطمه بنت اسد، زیارت حمزه و از برای زیارت هریک از شهدای أحد، تصریح به استحباب نماز زیارت کرده‌اند. همچنین ابن طاووس در زیارت هانی بن عروه تصریح به استحباب صلاة زیارت کرده‌اند؛ اما ملامحمد باقر مجلسی در کتاب بحار الأنوار، از بعضی معاصران خود نقل کرده که نماز زیارت را از برای غیر معصومان منع کرده‌اند. به سبب اینکه چیزی در این خصوص نرسیده، از خود آخوند [مجلسی] نیز میل به منع مستفاد می‌شود» (رسائل و مسائل، ج ۱، ص ۵۷ و ۵۸).

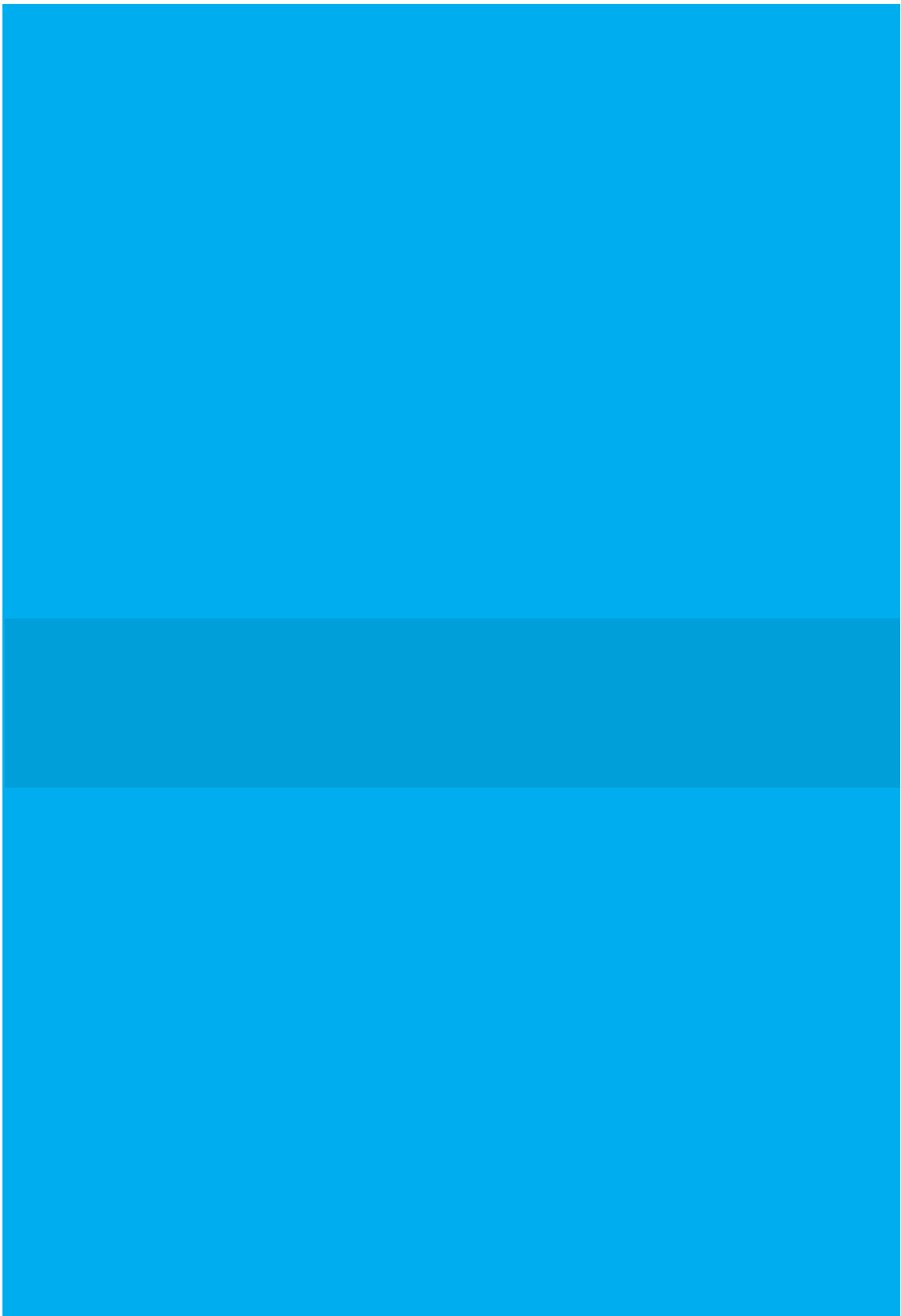
۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۲۷.





فصل هفتم:

عرفان زیارت



### ● سلام بر امام

آیا با وجود اینکه امام رضا علیه السلام از دنیا رفته اند، می توان با امام سخن گفت و به ایشان سلام کرد؟

از دیدگاه قرآن، مرگ فنا و نابودی نیست؛ بلکه انسان با تمام هویت و واقعیتش، پس از مرگ نیز به حیات خود دربرزخ ادامه می دهد. در این باره، نکاتی به چشم می خورد:

۱. در آیات بسیاری از قرآن مجید، بر پیامبران گذشته سلام شده است؛ در حالی که در آن زمان، آنان از دنیا رفته بودند: «سلام علی نوح فی العالمین.»<sup>۱</sup>
۲. درک درست حیات برزخی و آیات قرآن و روایات، به روشنی ما را به امکان سخن گفتن با مردگان معمولی و اینکه آنان سخنان را می شنوند و به ما پاسخ می دهند، رهنمون می کند. در روایات آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای زندگی شان، نیمه شب همراه با برخی صحابه خود به قبرستان بقیع رهسپار شدند. ایشان پس از ورود به بقیع، به آرمیدگان در آنجا چنین گفتند: «سلام بر شما که در جایگاه افراد باایمان قرار گرفته اید. بر ما سبقت جسته اید و ما هم به زودی به شما می پیوندیم.»<sup>۲</sup>
۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «وقتی کسی از کنار قبر برادر دینی خود که او را می شناسد، بگذرد و بر او سلام کند، مُرده سلامش را پاسخ می دهد و او را می شناسد. اگر از کنار قبری بگذرد و صاحب آن را نشناسد و سلام کند،

۱. صافات، ۷۹.

۲. الإرشاد، ج ۱، ص ۱۸۱؛ المناقب، ج ۱، ص ۲۰۱؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۵۸، حدیث ۱۰۵۹.

مُرده سلامش را پاسخ می‌گوید.<sup>۱</sup>

۴. در روایات شیعه و سُنی آمده است: رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هر کسی که بر من سلام کند، قطعاً خداوند سلام او را به روحم می‌رساند و پاسخ او را می‌گویم.»<sup>۲</sup>

۵. از دیدگاه قرآن، مرگ به معنای نیستی و نابودی نیست. برای این اساس، سلام کردن و سخن گفتن با اولیای الهی و معصومان والا گهر ﷺ که در مرتبهٔ اعلی و وجودی و منزلت نزد خداوندند، نه تنها کاری گزاف نیست، بلکه شایسته و توصیه شده است. بر همین مبنا، در اذن ورود حرم امام رضا ﷺ و سایر معصومان ﷺ چنین می‌خوانیم: و اعلم انّ رسولک و خلفائک احياء عندک یرزقون یرون مقامی و یسمعون کلامی و یردّون سلامی...<sup>۳</sup> (خدایا، می‌دانم که رسول و خلیفه‌های تو [که سلام و درود بر آنان باد] زنده‌اند و نزد تو روزی می‌خورند. ایستادنم را می‌بینند و سخنم را می‌شنوند و سلامم را جواب می‌دهند....)

### • ارتباط با امام

آیا روح امام رضا ﷺ در حرم و صحن مبارک وجود دارد؟ اگر وجود ندارد، پس چگونه انسان با ایشان ارتباط برقرار می‌کند و جواب می‌گیرد؟

امامان معصوم ﷺ به دلیل جایگاه الهی‌شان، در هر دو حالت زندگی و پس از مرگ، از آگاهی و توجه و احاطه به مسائل برخوردارند. اگر به نوع معرفی شهیدان در قرآن بنگرید، متوجه می‌شوید که خداوند آنان را زنده می‌شمارد و می‌فرماید نباید آنان را مُرده پنداشت.<sup>۴</sup> طبیعی است که مقام ائمهٔ شیعه ﷺ بسی رفیع‌تر از مقام شهادت و مقایسه با آن نیز بی‌معناست؛ هرچند همگی مرگشان با «شهادت» بوده است. در نگاه

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۶، حدیث ۴۲۵۵۶؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۴۷۴.

۲. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۴۵۳، حدیث ۲۰۴۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۶۰.

۴. آل عمران، ۱۶۹.



شیخ مفید، ائمه اطهار علیهم السلام ما را هنگام حضور در حرمشان می شنوند و در صورتی هم که سلام از دور باشد، به آنان رسانده می شود. مهم آن است که آمدن به حرم و مزار آنان، عبادت محسوب شده و برای تلاش ما اجر و پاداشی عظیم منظور می شود.<sup>۱</sup>

حضور بر تربت پاک امامان علیهم السلام و زیارت مرقد مطهرشان، با زیارت اهل قبور تفاوت دارد و دیداری زنده تر و عینی تر و ملموس تر است. زیارت ائمه علیهم السلام چه در حال حیاتشان و چه پس از شهادتشان، یکسان است.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام می فرماید: مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا؛<sup>۳</sup> (آن که ما را در مرگمان زیارت کند، گویا در حال حیات دیدارمان کرده است.) امامان علیهم السلام سلام زائران حرمشان را می شنوند، آنان را می بینند، متوجه شان هستند و پاسخ سلامشان را می دهند.

برای تکمیل پاسخ، درنگ در سخن آیت الله بهجت نیز شایسته است: «در مورد زیارت سه نظریه وجود دارد: نظر اول، از وهابیان می باشد: آن ها زیارت را شرک می دانند؛ گروه دوم، اهل سنت و عده ای از شیعیان هستند که فکر می کنند امام وفات کرده است! هنگامی که به حرم حضرت رضا علیه السلام می روند، گویی به زیارت اهل قبور می روند. می پندارند که امام فوت کرده است. نه امام را می بینیم و نه فکر می کنیم که امام، ما را می بیند. در این مورد، حالت بسیاری از ما مانند پیروان اهل سنت است؛ گروه سوم، امام را حی و حاضر و ناظر و قادر می دانند. امام عین الله ناظره است. مؤمن، خدا را حاضر می داند. واسطه خدا را هم حاضر و ناظر می داند. مؤمن می فهمد امام زنده است. ناظر است. قادر و مقتدر است. ائمه اطهار علیهم السلام حاضرند. می بینند. جواب می دهند. این ها ممتاز هستند. از ملائکه بالاتر هستند. التفات ما کم است. حرم می رویم و می آییم و فکر می کنیم کسی ما را ندیده است. ملائکه از ما غافل نیستند. ما را می بینند... زیارت شما قلبی

۱. مفید، المسائل العکبریة، ص ۷۹.

۲. فرهنگ زیارت، ص ۳۴۷.

۳. شیخ مفید، المزار، ص ۲۰۱.



باشد. در موقع ورود، اذن دخول بخواهید. هنگامی که از حضرت رضا علیه السلام اذن دخول می طلبید و می گوید اُدخل یا حجة الله، به قلبتان مراجعه کنید و ببینید در آن تحولی به وجود آمد و تغییر یافت؟ اگر تغییر حال در شما بود، حضرت به شما اجازه ورود داده است... خیلی ها از امام رضا علیه السلام سؤال کردند و جواب شنیدند... همه زیارت نامه ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین الله هم مهم است. قلب شما بخواند. با زبان قلب خود بخوانید.»<sup>۱</sup>

### • زیارت همراه با معرفت

می گویند بهترین زیارت، زیارت همراه با معرفت است. مقصود از عارفاً بحقه که در بسیاری از روایات آمده است، چیست؟

بی شک، درک کامل جایگاه حضرت رضا علیه السلام غیرممکن است و این ادعا که امام رضا علیه السلام را شناخته ایم، سست و بی پایه است. امام رضا علیه السلام کسی هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی نام ایشان را از فردی شنیدند، فرمودند: قل: صلی الله علیه، قل: صلی الله علیه، قل: صلی الله علیه؛<sup>۲</sup> (بگو: درود خدا بر او. بگو: درود خدا بر او. بگو: درود خدا بر او.) شخصیت امام به وسعت دریاست و قطره قطره این دریا، ما را تا حدی به معرفت ایشان نزدیک می کند.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

بهای زائر به محبت همراه با معرفت اوست. به این فراز از زیارت جامعه بنگرید: اللهم... استلک ان تُدخِلنی فی جملة العارفين هم و بحقهم؛ (خداوندا،... از تو می خواهم که مرا در شمار عارفان خاندان پیامبر و آشنایان به حق آنان قرار دهی.) به شناخت حق امام، از دو منظر می توان نگریست:

۱. حق عمومی: حق امامت کبرا و ولایت عظام؛
۲. حق خصوصی: هر امامی حقی دارد و شناخت آن حق، مهم ترین اصل در معرفت است.

۱. فریادگر توحید، ص ۲۱۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۲۹.

درباره حق مخصوص امام رضا علیه السلام در روایت آمده است: وقتی امام صادق علیه السلام درباره زیارت همراه با معرفت امام رضا علیه السلام سخن می گفتند، فردی از ایشان درباره عارفاً بحقه پرسید. امام در پاسخ فرمودند: يعلم انه امام مفترض الطاعة غریب شهید من زاره عارفاً بحقه اعطاه الله عزّ و جلّ اجر سبعین شهیداً ممن استشهد بین یدی رسول الله علی حقیقه؛<sup>۱</sup> (بداند او امامی است که اطاعتش از طرف خدا واجب شده است. او دور از وطن و شهید است. هرکس او را زیارت کند، درحالی که عارف به حق وی باشد، خداوند اجر هفتاد شهید به او عنایت کند؛ شهیدی که به واقع، در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده است.) همچنین امام باقر علیه السلام «گوش دادن به سخنان امام و اطاعت از او» را حق امام بر مردم می شمردند.<sup>۲</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره زیارت همراه با معرفت فرمودند: «خداوند هرکس را به شناخت و ولایت اهل بیت من موفق سازد، همانا تمامی خیر را برایش فراهم کرده است.»<sup>۳</sup> بدون تردید، این معرفت در قلب زائر شوقی برمی انگیزد که در راه زیارت حضرت با سر می رود؛ نه اینکه با پا راه پیماید.<sup>۴</sup>

### ● میزان توجه

امام رضا علیه السلام را بسیار دوست دارم و همیشه به زیارت ایشان می آیم. می خواهم بدانم که حضرت مرا می بینند؟ توجه ایشان به من چگونه است؟

برای پاسخ به این پرسش، به روایتی زیبا و تأمل برانگیز و رهنمون بخش اشاره می کنیم: حسن بن جهم گوید:<sup>۵</sup> خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «مرا از دعا فراموش نکنید.» ایشان فرمودند: «آیا گمان داری که تورا فراموش می کنم؟!» با خود گفتم ایشان که برای شیعیان نشان دعا می کنند؛ پس مرا هم که یکی از آنان هستم، دعا می کنند. بنابراین جواب دادم:

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

۳. عمادالدین طبری، بشارة المصطفی، ص ۱۷۶.

۴. المراقبات، ج ۲، ص ۲۳۱.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۵۲.



«خیر، مرا فراموش نمی‌کنید.» امام رضا علیه السلام فرمودند: «از کجا دانستی؟»  
گفتم: «من از شیعیان تان هستم و آنان را دعا می‌کنید.» گفتند: «آیا غیر از  
این، چیز دیگری به نظرت نرسید؟» عرض کردم: «خیر.» حضرت فرمودند:  
إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَكَ عِنْدِي فَأَنْظُرْ إِلَى مَا لِي عِنْدَكَ؛ (هرگاه خواستی بدانی  
که در نزد من چگونه هستی، بنگر من در نزدت چگونه هستم.)

### • میثاق با امام

میثاق با امام رضا علیه السلام چگونه است؟

حضور در مزار امام رضا علیه السلام و زیارت قبر ایشان، نوعی پیمان با امام است.  
حضرت رضا علیه السلام فرموده‌اند: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَنَّ  
مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حَسَنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ؛<sup>۱</sup> (برای هر امامی، برگردن  
هواداران و پیروانش پیمانی است و از نشانه‌های وفای کامل به این  
پیمان، زیارتِ قبور ائمه است.)

### • تحول

همیشه در پی زیارتی بوده‌ام تا مرا تغییر دهد و خوبم کند. در این باره چه راهی وجود دارد؟  
این احساس، مقدس و رشد آفرین است و به نوع نگاه زائر و اهتمام او به  
زیارت بستگی دارد. زیارت باید دگرگون ساز باشد. شهید اول تحول روحی  
را از آداب زیارت می‌داند و می‌نویسد: «زائر باید پس از زیارت، بهتر از قبل  
از آن باشد. این دگرگونی اگر با قبولی زیارت همراه شود، بار گناه را سبک  
کرده و سبب ریزش آن می‌شود.»<sup>۲</sup> هنر زائر آن است که در حرم به خطاها و  
لغزش‌های گذشته بیندیشد و ضمن شرمساری در پیشگاه امام خود، برای  
اصلاح گذشته‌اش تصمیم اساسی بگیرد. شهید اول نیز زائر را به حضور  
قلب، پشیمانی و دوری از گناه و نیز طلب بخشش توصیه می‌کند.<sup>۳</sup> زائر با

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۶۱.

۲. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۴.

۳. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۴.

پاک شدن، برای خوب زیستن تلاش می‌کند.

در روایت آمده است: <sup>۱</sup> گروهی در خراسان، برای دیدن امام آمدند و با بیان این جمله که از شیعیان علی علیه السلام هستیم، اذن ورود خواستند. حضرت به آنان اجازه ورود ندادند. این آمدوشدها و جواب منفی امام، دو ماه طول کشید؛ تا جایی که آنان از رسیدن به امام ناامید شدند و به خادم حضرت گفتند: «به آقایمان بگو از شیعیان پدرت علی علیه السلام هستیم. این ماجرا سبب سرزنش دشمنان بر ما شده است و از این درد و فشار و شرمندگی، از شهر خود خواهیم گریخت.» آنگاه حضرت رضا علیه السلام اجازه ورود دادند. آنان پس از ورود سلام کردند؛ ولی امام اجازه نشستن به ایشان ندادند. آنان گفتند: «ای زاده رسول خدا، این جفای عظیم و سرافکنندگی پس از دوره‌ای انتظار سخت است! آیا چیز دیگری مانده است تا بر سر ما آید؟!» حضرت فرمودند: «این آیه را بخوانید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ <sup>۲</sup> (و هر مصیبتی که به شما رسد، به سبب کارهایی [خطا و گناهی] است که دست‌هایتان کرده و از [گناهان] درمی‌گذرد.) به خدا سوگند که در این کار، تنها به خداوند و رسولش و امیرالمؤمنین و پدران پاکم علیهم السلام اقتدا کردم. آنان بر شما نکوهش کردند، من نیز اقتدا کردم.»

گفتند: «برای چه؟! ای زاده رسول خدا.» امام فرمودند: «برای این ادعا که شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام هستید! وای بر شما، شیعیان ایشان حسن، حسین، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و محمد بن ابی بکر بودند؛ همان‌ها که ذره‌ای از دستوره‌ای ایشان سرپیچی نکردند. حال اینکه شما در بیشتر کردارتان با ایشان مخالفید و در بیشتر فرایض خود کوتاهی می‌کنید. بزرگی حقوق برادران خود در نگاه خدا را خوار و بی‌مقدار می‌دارید. آنجا که نباید، تقیه می‌کنید؛ ولی آنجا که باید، تقیه نمی‌کنید. اگر در همان ابتدای کار می‌گفتید از موالی و محبان علی علیه السلام و از دوستان اولیا و از دشمنان دشمنانشان هستید، منکر این سختتان نمی‌شدم؛ ولی مدعی

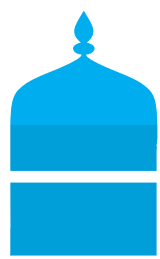
۱. الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲. شوری، ۳۰.

مرتبه شریفی شدید. اگر کردارتان گفتار شما را تصدیق نکند، به هلاکت افتید؛ مگر اینکه رحمت پروردگارتان آن را تلافی کند.» آنان گفتند: «ای زاده رسول خدا، همگی به درگاه خدا استغفار کرده و از این گفته خود توبه می‌کنیم و همان طور که شما به ما آموختید، می‌گوییم: محب شما و اولیای شما ییم و دشمنان دشمنانتان هستیم.» حضرت فرمودند: «آفرین به شما برادران و محبانم، بیایید بالا.»

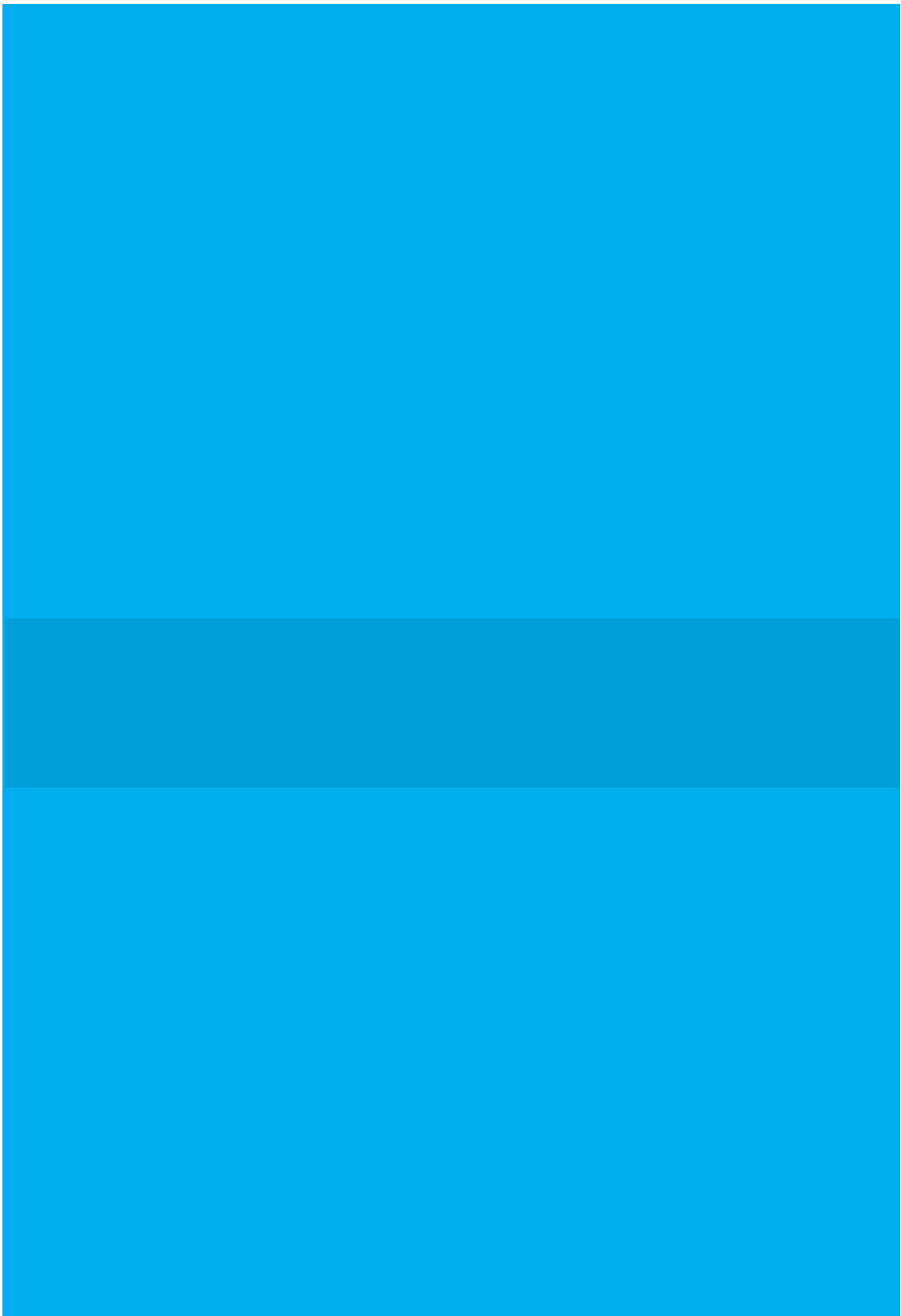
آنگاه امام آنان را نزد خود فراخواندند و تک‌تک ایشان را در بغل گرفتند. سپس به دربان خود فرمودند: «چند بار ایشان را مانع شدی؟» گفت: «شصت بار.» گفتند: «به همان تعداد نزد ایشان برو و ضمن سلام کردن، سلام مرا به ایشان برسان. اکنون با این استغفار، همه گناهان خود را محو و پاک ساخته و به دلیل محبت و موالاتشان به ما، مستحق کرامت شده‌اند. از حال ایشان و مسائل نان خورانشان تفقد کن. انفاق بسیار و احسان فراوان و هدایای بسیاری به ایشان بده و زیانشان را جبران کن.»





فصل هشتم:

آثار زیارت





## ● استعانت از خدا

خداوند به همگان سفارش می‌کند که فقط از او کمک بجویند. آیا کمک خواستن از غیرخدا درست است؟

استعانت از غیرخدا دو صورت دارد:

۱. کمک خواهی از غیرخدا، خواه انسان باشد یا عامل طبیعی، با اعتقاد به اینکه او در فعل و کمک‌رسانی خود بی‌نیاز از خداست و انسان را از موضع استقلال یاری می‌کند. بی‌شک چنین استعانتی شرک است و ناپسند؛
۲. کمک خواهی از غیرخدا به قید اینکه این فرد در کمک‌رسانی خود، از نیروی خدادادی بهره می‌گیرد. چنین استعانتی نه تنها مایه شرک نیست، بلکه عین توحید است.

اصولاً زندگی بشر و جریان طبیعت بر کمک‌گیری از اسباب استوار است و در این مسئله، هیچ فرقی میان اسباب طبیعی و غیبی نیست. انسان موحد، تنها باید به آن‌ها به‌عنوان وسیله بنگرد و برایشان استقلال در تأثیر قائل نشود. بنابراین هرگاه درخواست کمک از فردی، منوط به اذن الهی و مشیت او شود، چنین درخواستی هرچند به ظاهر از غیرخداست، در واقع، درخواست کمک از خداست: خداست که به این فرد قدرت و توانایی داده است تا دیگران را یاری کند. خداوند در قرآن در نمونه‌های متعددی دستور می‌دهد که از غیر او نیز استعانت بجوییم: ﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾<sup>۱</sup> (از شکیبایی و نماز کمک بگیرید.) نماز و شکیبایی، فعل انسان است و او با

۱. بقره، ۴۵.



انجام دادن آن‌ها قوی و نیرومند می‌شود. با این وصف، این نوع یاری از غیرخدا، ارتباطی به شرک و پرستش فرد ندارد.<sup>۱</sup>

مرحوم آیت‌الله میلانی می‌نویسد: «استمداد از امام بی‌اشکال است. یاری خواستن از آنان، به اعتبار اینکه سبب و وسیله است و از خدا می‌خواهد که حاجت و یاری کسی که از آنان حاجت و یاری خواسته است، برآورد و کلماتی همچون یا علی بن موسی الرضا علیه السلام، یا محمد صلی الله علیه و آله و یا علی علیه السلام در دین منعی ندارد. در کارهای روزمره خود نیز از هم‌نوعان خود مدد و یاری می‌طلبیم و منافاتی ندارد [با این‌که ما خدا را مؤثر حقیقی بدانیم. این‌ها [امامان علیهم السلام] را به عنوان وسایط و وسایل می‌خوانیم. فرق این‌ها با سایر مردگان این است که اینان، مرتبت و شرافت نزد خداوند متعال دارند و مانند سایر مردگان نیستند و نزد پروردگار زنده‌اند و روزی می‌خورند: ﴿بل احياء عند ربهم يرزقون﴾<sup>۲</sup> و صدای ما به آنان می‌رسد. ولی مردگان دیگر، این‌طور نیستند و این قابلیت را ندارند.»<sup>۳</sup>

### • حاجت خواهی

به نظر می‌رسد بعضی زائران، بیشتر از آنکه از خدا حاجت بخواهند، از امام رضا علیه السلام می‌خواهند. آیا اشکال ندارد؟

تمام مسائل در دست خداوند متعال است و امام رضا علیه السلام همچون سایر ائمه اطهار علیهم السلام، وسیله و واسطه فیض رساندن خداوند هستند. امام رضا علیه السلام از خدا می‌خواهند که حاجت کسی را که از ایشان یاری خواسته است، برآورده کند. در اینجا با تبیین مختصر توسل، پاسخ جامع‌تری به سؤال می‌دهیم:

۱. توسل به اولیای الهی، نوعی تمسک به «وسیله» بوده که قرآن به آن دعوت کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا

۱. سبحانی، راهنمای حقیقت، ص ۱۶۰.

۲. آل عمران، ۱۶۹.

۳. دیدگاه‌های علمی آیت‌الله میلانی، ص ۵۳.

فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> (ای افراد باایمان، تقوای الهی پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله‌ای فراهم آورید [توسل جویید] و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار شوید.)

۲. وسیله دراصل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه خداوند است، شامل می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها، ایمان به خدا و پیامبر اکرم ﷺ، جهاد، عباداتی همچون نماز و روزه و زیارت خانه خدا، صلۀ رحم، انفاق در راه خدا و... است.<sup>۲</sup>

۳. توسل، وسیله و واسطه قراردادن چیزی بین خود و مطلوب است. وسیله بر دو قسم است: یک: مادی، مثل آب و غذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است؛ دو: معنوی، مثل گناهکاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ قسم می‌دهد تا از گناهش بگذرد. در هر دو صورت، وسیله لازم است. شهید مطهری می‌نویسد: «فعل خدا دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد، گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال گناهکاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم ﷺ بروند و علاوه بر اینکه خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾<sup>۳</sup> (اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.)»<sup>۴</sup>

۴. بدون تردید، هیچ انسانی در توسل و توجه به اولیای خدا، این بزرگان را مقصود قرار نمی‌دهد؛ بلکه معتقد است عطا و لطف و بسط

۱. مائده، ۳۵.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳. نسا، ۶۴.

۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.



امور، در کف با کفایت خداوندی است و این بزرگان واسطه رحمت او بر خلاق اند. این گونه توسل و حاجت خواستن، عین توحید است. به عبارتی، توسل جستن اگر به این نیت باشد که ائمه اطهار علیهم السلام نفع می دهند و زیان می رسانند، بدون تردید شرک است؛ ولی مسلمانان موخندند و اولیا و ائمه علیهم السلام را به این دلیل دعا می کنند که وسیله ای نزد خدا باشند و این هرگز شرک نیست.

۵. امام خمینی معتقدند: «اگر حاجت از پیامبر و امام و هرکس غیر خدا، به عنوان خدایی بخواهیم و او را مستقل در برآورده شدن حاجت بدانیم، شرک است؛ چنان که عقل و قرآن بر آن گواه است. اگر به این عنوان نباشد، شرک نیست؛ چنان که نظام تمام دنیا بر قضای حاجت از یکدیگر است و پایه تمدن جهان، بر روی تعاون از یکدیگر برپاست. اگر مطلق حاجت خواستن از کسی شرک بود، باید یکسره جهانیان مشرک و بنیاد جهان بر شرک ریخته باشد. پیامبران نیز محتاج به زندگانی بودند و در توبه خود، از جهانیان حاجت ها می خواستند و با تعاون، قافله حیات و زندگانی را راه می انداختند.»<sup>۱</sup>

### ● استجاب دعا

آیا چیزهایی که در حرم امام رضا علیه السلام می خواهیم، واقعاً مستجاب می شود؟

حرم امام رضا علیه السلام قطعه ای از بهشت است. آنجا همواره کانون زیارت فرشتگان الهی و دل باختگان عارف و اولیای صالح است و در چنین مکانی، امید اجابت دعا می رود. محدثان و فقهای شیعه کثرت دعا و طلب حاجت را در حرم امام مستحب می دانند<sup>۲</sup> و به این روایت استناد می کنند: امام هادی علیه السلام درباره اجابت دعا و خواست زائران حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرضا بطوبس و هو على غسلٍ و يُصَلِّ عند رأسه ركعتين و يُسأل الله حاجته في

۱. امام خمینی، کشف الاسرار، ص ۳۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۹؛ حر عاملی، هداية الأمة، ص ۵۱۲.

قُوتِهِ، فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مَأْتِماً أَوْ قِطْعَةً رَحْمٍ...<sup>۱</sup> (هرکس به درگاه خدا حاجتی دارد، قبر جَدَم حضرت رضا را در توس زیارت کند، درحالی که غسل کرده باشد. بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و در قنوت نمازش، حاجتش را از خدا بخواهد. خداوند اجابت می‌کند؛ [البته] تا وقتی که خواسته‌اش گناه یا قطع رحم [یعنی نفرین به خویشاوندان] نباشد.)

عارف سالک، ملکی تبریزی، با تعبیر زیبایی می‌گوید: «برای تمام بیمارهای خود، از او طلب درمان می‌کنی و به جلب عطوفت او و طلب باران از ابر جود و رأفت او، حواشیج خود را می‌خواهی. به یقین که او کریم‌ترین تمام خلایق است و بخشنده‌تر از هر جواد و کریم است.»<sup>۲</sup>

در روایت آمده است: مردی مصری به نام حمزه، به قصد زیارت مشهدالرضا در توس، از مصر به مشهد مقدس آمد. غروب آفتاب بود. او پس از زیارت و نماز، در حرم ماند و گویا غیر از او کسی نبود. پس از نماز عشا، خادم آن قبر شریف خواست که او را بیرون کند و در حرم را ببندد. زائر مصری از خادم خواهش کرد که او را تنها در حرم واگذارد و بیرون نکند و در را ببندد. خادم پذیرفت. او نیز شروع به نمازگزاردن کرد. خسته شد. نشست و سر خود را روی دوزانو گذاشت که ساعتی استراحت کند. وقتی سرش را بلند کرد، روی دیوار روبه‌رویش تابلونوشته‌ای دید که گویا در همان ساعت نوشته شده بود! روی آن، این دو بیت شعر نقش بسته بود:

من سره ان یری قبراً برویته یفرج الله عنم زاره کربه  
فلیأت ذا القبر ان الله اسکنه سلاله من نبی الله متجبه  
(کسی که دیدن قبری خشنودش می‌کند که به سبب زیارت آن، خداوند غم و حزن او را می‌گشاید)

پس بیاید در نزد این قبر، همانا در این قبر، خدا کسی را از دودمان رسول خدا ساکن گردانیده که از تبار پیامبر برگزیده است.)  
او سپس برخاست و شروع به نماز خواندن کرد. پس از وقت سحر،

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۷.

۲. المراقبات، ج ۲، ۲۲۸.



دوباره سر بر زانو گذاشت و پس از اندکی استراحت، برخاست. وقتی به دیوار روبه‌رو نگریست، چیزی ندید! با طلوع صبح، در حرم را گشودند و او از آنجا بیرون آمد.<sup>۱</sup>

### ● عامل شفا

خدا مریض را شفا می‌دهد یا امام رضا علیه السلام؟ آیا هر مریضی که به حرم امام رضا علیه السلام می‌آید، شفا می‌یابد؟

شفادادن، نیرویی غیبی و خارج از چارچوب مادی و طبیعی است. چنین قدرت غیبی، متکی و مستند به قدرت و اراده خداست. امام رضا علیه السلام نیز همچون سایر انبیا و اوصیای الهی، به اذن خدا وسیله تجلی قدرت غیبی‌اند و از خود استقلال ندارند. ایشان، هم در هستی خویش و هم در اعمال سلطه غیبی، متکی به پروردگار بزرگ‌اند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup> (هیچ پیامبری نمی‌تواند معجزه‌ای بیاورد، مگر به اذن خدا).

قرآن گروهی از بندگان و ارسته خدا را نام می‌برد که به اذن پروردگار، دارای چنین قدرت شگرفی بودند: ﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أBRئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾<sup>۳</sup> (عیسی فرمود: [مجسمه‌ای از گل می‌سازم و در آن می‌دمم تا به اذن خدا، به صورت مرغی حقیقی درآید. نابینای مادرزاد و مبتلای بیماری پیسی را به اذن خدا شفا می‌دهم. مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم...]).

حضرت رضا علیه السلام مظهر رأفت و لطف الهی هستند؛ بنابراین حرم ایشان نیز مجرای فیض الهی و رحمت خداوندی است و هرکس و حتی هر بیمار و گرفتاری با شناخت و التماس در این آستان خواست خود را مطرح کند، از لطف ایزدی نیز بهره‌مند خواهد شد. امام رضا علیه السلام به مهربانی بسیار و دلجویی مشهورند. به تعبیر علامه طباطبایی، «رأفت امام رضا علیه السلام حسنی

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۲۸.

۲. رعد، ۳۸.

۳. آل عمران، ۴۹.

است. همین که وارد حرم می شوی، می فهمی که حضرت رئوف است.<sup>۱</sup> مهم، میزان عطش خواهنده است.

### ● شفاخانه

پسر برادرم ابتدا راه می رفت، حرف می زد، غذای خورد؛ ولی الان نه راه می رود، نه حرف می زند، نه غذای خورد. او را هر امام و امامزاده ای که می شناختیم، بردیم، حتی حرم امام رضا علیه السلام؛ ولی شفا پیدا نکرد. همگی ناامیدیم. درباره شفا دادن توضیحاتی بیان کنید.

در این باره، چند نکته شایان ذکر است:

۱. آنچه از سختی ها در زندگی انسان پیش می آید، از دو حالت خارج نیست: یا به دست خود ایجاد کرده ایم یا بدون دخل و تصرف ما ایجاد شده است. در هر صورت، بعد از وقوع مصیبت و سختی، یا امکان برطرف شدن به وسیله اسباب ظاهری وجود دارد یا ندارد. اگر وجود دارد، بر ما لازم است با توکل بر خدا، از این اسباب استفاده کنیم؛ مثلاً برای درمان بیمار، در بیشتر اوقات پزشکان می توانند او را درمان کنند؛ اما در صورتی که اسباب ظاهری در اختیار ما نباشد و همه راه ها به بن بست رسیده باشد، به این مطلب توجه کنیم که وخیم شدن اوضاع نیز امکان دارد. خوب شدن بیماری هم غیرممکن نبوده و از حیطة قدرت خداوند خارج نیست؛ چرا که او قادر بر هر چیزی است.

۲. باید به وضعیت موجود چنین نگاه کرد که بدترین وضعیت ممکن نیست. کسانی هستند که وضعیتی به مراتب وخیم تر دارند؛ اما با نشاط و روحیه زندگی می کنند و وضعیت موجود را پذیرفته اند. آنان به دنبال انجام دادن تکلیف خود هستند تا بدانند در چرخه هستی چه جایگاهی دارند و چه باید بکنند. آنان آنچه در توان دارند، به کار می گیرند تا نقص بدنی شان، به حیرانی، پژمردگی، دل مُردگی و افسردگی دچارشان نکند.

۳. انسان در همه حال باید تسلیم خواست خداوند باشد؛ از این رو

۱. حکمت زلال، ص ۴۲.

ضمن تلاش برای تسلیم بودن، از تعیین تکلیف اجتناب کنید. خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «بگو مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه خدا بخواهد. از غیب و اسرار نهان باخبر نیستم، مگر آنچه خدا اراده کند. اگر از غیب باخبر بودم، منافع فراوانی برای خودم فراهم می‌ساختم و هیچ بدی و زیانی به من نمی‌رسید.»<sup>۱</sup>

۴. هر مصیبت و سختی را باید نوعی امتحان الهی دانست. آنچه از سختی‌ها و بلاها و مشکلات و نیز نعمت‌ها و راحتی و آسایش، برای انسان‌ها در روی زمین به وجود می‌آید، چیزی جز آزمایش الهی نیست. از همین رو افرادی بوده‌اند که در عمرشان جزرنج و محنت دنیا نصیبی نداشته‌اند؛ ولی هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشوده و راضی به رضای پروردگار خویش بوده‌اند. ۵. اگر خدا دقیقاً آنچه خواسته‌اید، برآورده نکند، چیزهای بهتری دیگری به شما خواهد داد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خدا دعای هر انسانی را که چیزهای خوب و درست بخواهد، برآورده می‌کند. ممکن است گاهی آنچه می‌خواهد، چون به صلاح فرد نیست، به او ندهد؛ اما به عوض این دعا، بلاها و گرفتاری‌های دیگری را از او دور می‌کند یا پاداش فراوانی را برای روز قیامتش کنار می‌گذارد.»<sup>۲</sup>

۶. برآورده نشدن دعای شما ممکن است به سبب نداشتن شرایط استجاب دعا یا به مصلحت نبودن اجابت آن باشد؛ لذا باید به رضای الهی راضی باشید، برای نعمت‌های الهی شکرگزاری کنید و بر نداشته‌ها و کمبودها شکیبا باشید. خداوند به صابران بشارت داده است؛ چون آنان همه چیز را امانت می‌دانند.

۷. همواره به شفای بیمار خود امیدوار باشید و از دعاکردن فروگذاری نکنید. البته دعاکردن هم روش و شرایطی دارد که باید به آن پایبند باشید. دقت کنید که خلوص نیت و جهات باطنی نیز در پذیرش آثار معنوی تأثیر می‌گذارد.

۱. اعراف، ۱۸۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

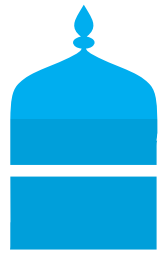


۸. به ارتباط و آمدوشد و زیارت‌های مستمر آستان شریف و مقدس امام رضا علیه السلام مقید باشید و این سخن آیت‌الله ملکی تبریزی را همواره به یاد داشته باشید: «در طلب رحمت و سؤال و تضرع و ابتهال نباید تسامح کنی؛ زیرا شخص کریم، حرمت واردان را ضایع نمی‌سازد و در تقصیرات و لغزش‌های واردشده، مسامحه روا می‌دارد و از کردار خطای او می‌گذرد.»<sup>۱</sup> ملامحمد تقی مجلسی (وفات: ۱۰۷۰ق) از تأثیر زیارت دوستداران و علاقه‌مندان آستان رضوی چنین یاد می‌کند: «کم سالی است که معجزات باهره ظاهر نشود؛ حتی بر اهل بلخ و بخارا و سمرقند که کورهای مادرزاد و شل‌ها و با بیماری‌های مزمنه شفا می‌یابند. اعجاز آن حضرت، اعجاز همه ائمه علیهم السلام است؛ زیرا که آن حضرت امامتش موقوف است بر امامت ائمه سابقه و خود، بقیه ائمه علیهم السلام را بیان می‌فرمودند. همچنین ائمه بعد از آن حضرت نیز ظاهر می‌ساختند معجزات بسیار، از جهت دفع شبهاتی که در میان خلائق به هم رسیده بود.»<sup>۲</sup>

۱. المراقبات، ج ۲، ص ۲۲۸.

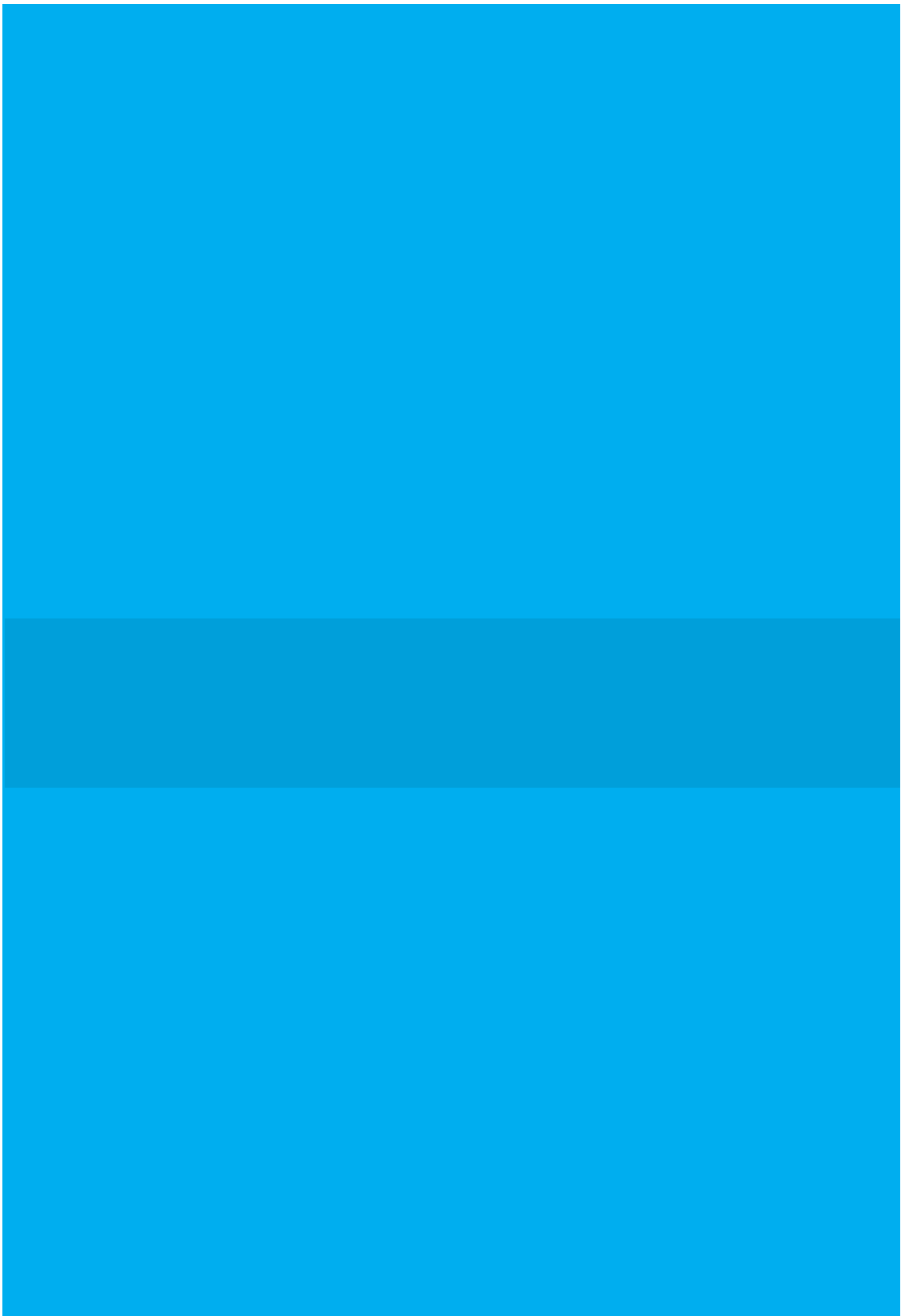
۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۹.





فصل نهم:

كانون زیارت



## ● جایگاه مشهد

شنیده‌ام مکان دفن امام رضا علیه السلام عظمت خاصی دارد. دوست دارم درباره عظمت این مکان بدانم. درباره فضیلت توس و مشهد مقدس توضیح دهید.

مشهد مقدس و حرم امام رضا علیه السلام از اماکن و بقاع متبرک و مقدسی هستند<sup>۱</sup> که زائر با حضور در آن‌ها، احساس نزدیکی به خدا پیدا می‌کند. یکی از علل ترغیب و تشویق مردم به زیارت این آستان نیز همان انگیزه تقرب به خداست. امام رضا علیه السلام در فضیلت توس که مشهد یا سناباد منطقه‌ای از آن خطه بود، می‌فرمودند: «به زودی توس محل آمدوشد شیعیان و زائرانم می‌شود. بدان هرکه مرا در توس که از وطنم مدینه دور است، زیارت کند، روز قیامت در حالی که آمرزیده شده است، با من و هم‌رتبه من خواهد بود.»<sup>۲</sup> مزار امام در محله سناباد که از توابع توس بوده است، قرار دارد. هم‌اینک از توس خبری نیست<sup>۳</sup> و توس و خراسان، تداعی گراستان و مشهد رضوی است. امام جواد علیه السلام در فضیلت این بخش از توس می‌فرمایند: إن بین جبلی طوس قبضة قبضت من الجنة، من دخلها، کان آمناً یوم القيامة من النار؛<sup>۴</sup> (در میان دو کوه توس، پاره‌ای از زمین است که از بهشت برداشته‌اند [و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳۸.

۳. مجلسی اول، از علمای قرن دهم هجری قمری، می‌نویسد: «سناباد از فرای توس است و الحال به منزله توس است. چون اینجا به برکت حضرت آبادان شد» (لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۲).

۴. هدایة الأمة، ص ۵۱۰.



آن، مشهد مقدس آن حضرت است]. هرکس [به قصد زیارت] داخل در آن روضه شود، روز قیامت از آتش دوزخ ایمن خواهد بود.)  
 آستان مقدس امام رضا علیه السلام از روزهای نخست خاک سپاری امام، محل توجه و همچنین رفت و آمد زائران بسیاری بود. شمس الدین ذهبی (وفات: ۷۴۸ق) می نویسد: «مشهد او، مکان آمدن و مقصود بسیاری برای زیارت است.»<sup>۱</sup>

### ● مفهوم مشهد

مشهد به چه معناست؟ چرا این واژه درباره شهر محل خاک سپاری امام به کار می رود؟

در اصل، مشهد به معنای محل گردآمدن مردم است<sup>۲</sup> و به همین دلیل، حرم، مزار، تربت و بارگاه بزرگان دین را مشهد می نامیدند. حسن بن محمد قمی (وفات: ۳۷۸ق) در وصف امام مجتبی علیه السلام چنین بیان می کند: «مشهد و تربت او به بقیع است.»<sup>۳</sup> او درباره تربت و مزار سایر ائمه و امامزادگان نیز از واژه مشهد استفاده می کند. سمعانی (وفات: ۵۶۲ق) از مشهد ابراهیم خلیل علیه السلام در بیت المقدس<sup>۴</sup> و مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام نام می برد. یاقوت حموی (وفات: ۶۲۶ق) به چند مشهد معروف در مصر اشاره می کند.<sup>۵</sup> ابن کثیر دمشقی (وفات: ۷۴۴ق) از مشهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مشهد الحسین علیه السلام یاد می کند.<sup>۶</sup> ذهبی (وفات: ۷۴۸ق) از مشهد کربلا و مشهد الحسین علیه السلام<sup>۷</sup> و مشهد موسی علیه السلام در بغداد<sup>۸</sup> نام می برد. ابن خلدون (وفات: ۸۰۸ق) نیز به

۱. تاریخ الاسلام، ج ۱۴، ص ۲۷۲.

۲. نک: مریم، ۳۷.

۳. تاریخ قم، ص ۱۹۴.

۴. الانساب، ج ۳، ص ۱۸۲.

۵. الانساب، ج ۱۰، ص ۲۸۳.

۶. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۲.

۷. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۱۱، ص ۳۴۲.

۸. تاریخ الاسلام، ج ۲۷، ص ۳۴۹؛ ج ۲۸، ص ۲۵.

۹. تاریخ الاسلام، ج ۱۲، ص ۴۱۷.

مشهد زکریا علیه السلام در شام،<sup>۱</sup> مشهد سیّده نفیسه در مصر،<sup>۲</sup> مشهد الکاظم علیه السلام در بغداد<sup>۳</sup> اشاره می‌کند. ورای کاربرد عام این واژه، استفاده مشهد برای حرم و تربت امام رضا علیه السلام، شهره عام و خاص شده است و بسیاری از مورخان، به مشهد الرضا علیه السلام اذعان کرده‌اند.<sup>۴</sup>

### ● مزار امام در شعر دعبل

در شعر دعبل خزاعی، چه اشاره‌ای به مزار امام رضا علیه السلام شده است؟

دعبل خزاعی، شاعر متعهد شیعه که در زمان امام رضا علیه السلام می‌زیست، هنر خویش را در راه احیای حق آل محمد و یاد شهدای عترت پیامبر و بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام صرف می‌کرد. او نزد ائمه شیعه علیهم السلام منزلتی والا داشت. روزی در مرو، به حضور حضرت رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: «ای فرزند پیامبر، درباره شما قصیده‌ای سروده و عهد کرده‌ام که قبل از شما آن را برای کسی نخوانم.» حضرت اجازه فرمودند که دعبل شعرش را بخواند. قصیده بلند دعبل که به «قصیده تائیه» یا «مدارس آیات» معروف است، از پرمحتواترین قصایدی است که به بیان حق و فضایل این دودمان پاک و یادآوری شهدای آل محمد علیهم السلام پرداخته است.

این قصیده که ۱۲۱ بیت دارد، ضمن بیان فضایل سرشار از معنویت و خاطره‌های پرسوزوگداز، جریان خاندان پیامبر علیه السلام را از آغاز، همراه با شهادت‌ها و رنج‌ها بیان می‌کند. از خانه‌ها و مدارس و منازل یاد می‌کند که به علت ستم‌های امویان و عباسیان، متروک مانده است. خانه‌ها و مراکزی در خیف، منا، مسجد الحرام، عرفات، جمرات که پایگاه وحی بوده است. آنجا دیار آل رسول الله، امیرالمؤمنین، حسن و حسین، جعفر و عبدالله و فضل، حمزه و امام سجاد علیهم السلام و... بوده است. منازل پاکی، نماز،

۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۳۸۳.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۶۳۳.

۴. الانساب، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۱۳۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۵، ص ۳۸.

تقوا و نیکی که در همه جای آن سرزمین‌ها دایر بوده است. سرگذشتِ شهادت‌ها و ستم‌ها و خون‌ها، همه در شعر دعبل آمده است.

در جایی از قصیده‌اش خطاب به مادر امامان، حضرت زهرا علیها السلام می‌گوید:

«اگر در خیال هم حسین را آغشته به خون می‌دیدى که از تشنگی کنار فرات جان داد، بر صورت خویش سیلی می‌زدی و اشک از دیدگان بر چهره جاری می‌کردی. ای فاطمه، ای دختر نیکی، برخیز و ندبه کن که ستاره‌های آسمان بر دشت و هامون افتاده است...» آنگاه از قبرهایی یاد می‌کند که از این دودمان، در سرزمین کوفه، مدینه، مکه، فحّ، جوزجان، بغداد، توس، کربلا و... قرار دارد و از شهادتی همچون شهید فحّ، یحیی بن زید، ابراهیم بن عبدالله، موسی بن جعفر و شهادی کربلا و... یاد می‌کند. دعبل خزایی در حضور امام رضا علیه السلام قصیده‌ی خویش را می‌خواند...

تا به این بیت درباره‌ی مزار امام کاظم علیه السلام رسید:

و قبر بی‌غداد لئفس زکی ضمن‌ها الرحمن فی الغرفات  
در آن حال، امام فرمودند: «در اینجا دو بیت به قصیده‌ات بیفزایم تا کامل شود؟» دعبل عرض کرد: «یا بن رسول الله، بفرمایید.» حضرت این دو بیت را اضافه کردند:

و قبر بطوس یا لها من مصیبة توقد فی الأحشاء بالحرقات  
إلی الحشر حتی یبعث الله قائماً یفرج عنا الهم و الكربات

(و قبر دیگر در توس خواهد بود که حسرت‌ها از آن مصیبت، دل‌ها را شعله‌ور می‌کند)

تا به روز قیامت، تا آنکه حق تعالی قائم را برانگیزد و او با ظهورش، غم و حزن ما را برطرف سازد)

دعبل گفت: «یا بن رسول الله، در توس قبر کیست؟» حضرت فرمودند: «آن قبر من است که روزگاری نمی‌گذرد تا اینکه توس محل آمدورفت شیعیان و زوّار قبر من می‌شود. اعلام می‌کنم که هر کس مرا در زمان غربت قبرم در توس زیارت کند، در درجه‌ی من و با من همدم خواهد



بود، درحالی که خداوند او را از گناه پاک و آمرزیده کرده است.»<sup>۱</sup> دعبل با این قصیده خویش که دفاعی جانانه از خطّ اهل بیت علیهم السلام بود، حق را زنده کرد و دشمنان حق را کوبید. حتی مأمون را به شدت به خشم آورد و علی بن موسی الرضا علیه السلام را خشنود ساخت.

می بینیم که شاعر آگاه و بلنداندیشه‌ای همچون دعبل، با آن موقعیت ادبی و شعر استوارش، در احیای شهدای آل محمد علیهم السلام چگونه از جان مایه می‌گذارد و یکایک قبور مطهر آن به خون خفتگانِ عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را برمی‌شمارد و نام شهیدان آل علی علیهم السلام را می‌آورد و در شعر خویش، مجموعه‌ای از این «فرهنگ» را یکجا جای می‌دهد. امام نیز برای تکمیل قصیده بلند او، از قبر خویش در توس یاد می‌کنند و دو بیت به قصیده می‌افزایند. این، خط کلی و درخشان ائمه علیهم السلام است که مردم را با این مزارها و مدفونان آنجا آشنا کنند تا مردم از این طریق، راه هدایت و نجات را بیابند. شاعران آیینی دیگری، جز کمیت، نیز در احیای فرهنگ اهل بیت و یاد شهدای آل رسول صلی الله علیه و آله سهم مهمی داشتند.

### ● روضه رضا

پیش‌تر خوانده بودم در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله مکانی است که بدان «روضه» می‌گویند. گویا درباره حرم امام رضا علیه السلام نیز چنین تعبیری وجود دارد. در این باره توضیح دهید.

روضه یعنی باغ و روضه من ریاض الجنة، به معنای باغی از بهستان‌های بهشت است؛ قطعه‌ای از بهشت. برخی مکان‌ها عظمت و ویژگی خاصی دارند که با عظمت‌ترین آن را روضه می‌گویند.

معروف‌ترین روضه، مکان کوچک و با عظمتی بین منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است که آن حضرت بارها بدان اشاره کرده‌اند.<sup>۲</sup> البته از مکان‌های معروفی همچون «بین رکن اسود و مقام ابراهیم»<sup>۳</sup> و «وسط مسجد کوفه»<sup>۴</sup> نیز

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۵۴؛ هینمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۹؛ اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۹، ص ۳۲۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۴؛ خرگوشی، شرف النبی، ص ۳۷۱.

۴. کافی، ج ۳، ص ۴۹۳.



به عنوان روضه یاد کرده‌اند. در روایات، مرقد و مزار معصومان علیهم‌السلام را قطعه و بقعه‌ای از بهشت شمرده‌اند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «ای ابالحسن، خدا مرقد تو و مرقد فرزندان تو را بخشی از سرزمین بهشت و قسمتی از خاک آن قرار داده است.»<sup>۱</sup> البته در برخی متون، به صورتی خاص، حرم برخی معصومان علیهم‌السلام را روضه دانسته‌اند: ۱. محل دفن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ۲. محل دفن امیرمؤمنان علیه‌السلام: ۳. محل دفن فاطمه زهرا علیها‌السلام: ۴. محل دفن امام حسین علیه‌السلام: ۵. محل دفن امام رضا علیه‌السلام.

حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام فرمودند: «همانا در خراسان، قطعه‌ای از زمین است که زمانی محل تردد ملائکه شود. همیشه طایفه‌ای از ایشان به آسمان روند و طایفه‌ای از آسمان به زیرآیند تا روزی که اسرافیل به صور بدمد و همه کس حتی فرشتگان بمیرند.» از ایشان پرسیدند: «یابن رسول الله، این بقعه کدام است؟» امام فرمودند: هِيَ بِأَرْضِ طُوسَ وَ هِيَ وَاللَّهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ...؛ (این بقعه در زمین توس خواهد بود و این مکان والله که بستانی از بستان‌های بهشت است. هرکه مرا در این بقعه زیارت کند، چنان است که حضرت سیدالانبیاء علیه‌السلام را زیارت کرده باشد و پروردگار متعال برای او ثواب هزار حج مقبول و هزار عمرهٔ پسندیده را بنویسد و من و پدرانم او را در روز قیامت شفاعت کنیم.)

### • گزارش مورخان از بارگاه رضوی

مورخان چه گزارشی از بارگاه و صحن و سرای امام رضا علیه‌السلام و نیز رفت‌وآمد مردم به آنجا ارائه کرده‌اند؟

پس از دفن پیکر مطهر امام رضا علیه‌السلام، مزار حضرت محل آمدوشد دوستداران

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲.
۲. سبل الهدی، ج ۳، ص ۳۲۱.
۳. فرحة الغری، ص ۱۱۵.
۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۰.
۵. کافی، ج ۴، ص ۵۸۹؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۰.
۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰۸؛ لواع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۸.

ایشان بود. شیعه و سنی به مشهد ایشان مشرف می شدند و امام را زیارت می کردند. از آن آغاز، بارگاهی بر مزار حضرت قرار داشت. در این زمینه، نکاتی چند در تاریخ آمده است:

۱. حسین بن احمد مهلبی (وفات: ۳۸۰ ق) وقتی از شهر نوقان نام می برد، به مزار امام رضا علیه السلام اشاره می کند و می گوید: «نوقان از والاترین و آبادترین شهرهای خراسان است و در این شهر، قبر امام علی بن موسی بن جعفر علیه السلام قرار دارد و روی قبر ایشان، حصاری است که در آن حصار، مردم معتکف می شوند.»<sup>۱</sup>

۲. شمس الدین مقدسی (وفات: ۳۸۱ ق) از عمیدالدوله به سبب ساخت مسجدی بزرگ در آستان حضرت رضا علیه السلام یاد می کند و می گوید: «دژی برای آن ساخته شده که خانه ها و بازار دارد. عمیدالدوله فائق نیز مسجدی برایش ساخت که در همه خراسان، به از آن نیست.»<sup>۲</sup>

۳. ابن بطوطه (وفات: ۷۷۹ ق) در سفرنامه خود می نویسد: «از توس به مشهدالرضا علیه السلام آمدیم. نسب او از این قرار است: علی بن موسی، الکاظم بن جعفر، الصادق بن محمد، باقر بن علی، زین العابدین بن حسین شهید بن امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام. مشهد نیز شهری بزرگ و پرجمعیت است و میوه ها و آب ها و آسیاب های زیادی دارد. در این شهر، با طاهر محمد شاه ملاقات کردم. عنوان طاهر به اصطلاح مردم آنجا، همان است که در مصر و شام و عراق، نقیب و در سند و هند و ترکستان، سید اجل می گویند. و نیز از مردم این شهر بود قاضی شریف، جلال الدین که او را در هندوستان ملاقات کردم و شریف علی و دو پسران او، امیر هندو و دولت شاه که از ترمذ تا بلاد هند در مصاحبت من آمدند و همه مردمان نیکی بودند. مشهد مکرم امام رضا علیه السلام قبه های بزرگ دارد. قبر امام در داخل زاویه ای است با مدرسه ای و مسجدی در کنار آن. این عمارت ها همه با سبکی بسیار زیبا ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است. روی قبر، ضریحی چوبی قرار دارد

۱. مهلبی، الکتاب العزیزی، ص ۱۵۵.

۲. مقدسی، أحسن التقاسیم، ص ۳۳۳.



که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. از سقف مقبره نیز قندیل‌های نقره آویزان است. آستان در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم زردوزی بر در آویخته. داخل بقعه با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده. روبه‌روی قبر امام، قبر امیرالمؤمنین هارون الرشید واقع شده که آن هم صندوقی دارد و شمعدان‌ها و چراغ‌ها روی آن می‌گذارند. هنگامی که رافضیان وارد بقعه می‌شوند، قبر هارون را به لگد می‌زنند و امام رضا علیه السلام را سلام می‌کنند.<sup>۱</sup>

۴. کلاویخو (وفات: ۱۴۱۲م) در سفرنامه خود می‌نویسد: «همچنان رانندیم تا رسیدیم به شهر مشهد: محل شهادت امام رضا علیه السلام که به نام سلطان خراسان مشهور است و آرامگاهش در آنجا قرار دارد. وی همانا نوه نوه نوه محمد صلی الله علیه و آله است. از [نسل] دختران پیغمبران است که ایرانیان او را از پاکان می‌دانند. وی در مسجدی بزرگ و در تابوتی که در نقره و طلا گرفته شده است، مدفون می‌باشد. مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروهی بی‌شمار به زیارت می‌آیند. هر زائری که بدانجا رفته باشد، وقتی بازگردد، همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای او را می‌بوسند؛ چون دریافته‌اند که وی از زیارت چنین محل محترمی بازگشته است. زمانی که به این شهر رسیدیم، ما را به زیارت این مکان مقدس بردند. سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و بر سر زبان‌ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده‌ایم، مردم همه می‌آمدند و لبه قبای ما را می‌بوسیدند؛ با این بهانه که ما از گروهی هستیم که فیض زیارت مرقد و بارگاه قدیس بزرگ خراسان را درک کرده‌ایم. مشهد از لحاظ اهمیت، پس از کربلا که در کنار فرات واقع است و در آنجا نیای امام رضا علیه السلام، یعنی امام حسین علیه السلام، به شهادت رسیده و مدفون است، قرار دارد.»<sup>۲</sup>

۱. رحلة ابن بطوطة، ج ۳، ص ۵۵.

۲. سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

## • تاریخچه ساخت حرم

تاریخچه بنای حرم امام رضا (ع) را از آغاز تاکنون بیان کنید.

در طول تاریخ و در مقاطع مختلف، تلاش‌های متعددی برای بازسازی بنای مرقد امام رضا (ع) صورت گرفت که در فهرست زیر، بدان نظر می‌افکنیم:

۱. در سال ۴۰۰ ق و به دستور سلطان محمود غزنوی، بنای بقعه و حرم را تجدید کردند و مناره‌ای بر آن افزودند. پس از آن نیز به مرور، اقداماتی در زمان‌های مختلف صورت گرفته است.

۲. محمود بن سبکتکین (وفات: ۴۲۱ ق) بنای مشهد توس (آرامگاه علی بن موسی الرضا (ع)) را به نیکوترین وجه تجدید کرد. پدرش، سبکتکین، آنجا را خراب کرده بود. همچنین مردم توس، کسانی را که به زیارت آنجا می‌رفتند، اذیت می‌کردند. محمود از کار آن‌ها در آزار زائران جلوگیری کرد. به گفته ابن اثیر، علت اینکه محمود بنای آرامگاه و مشهد علی بن موسی الرضا (ع) را تجدید کرد، این بود که در خواب، امیرالمؤمنین (ع) را دید که به او گفتند: «این کار تا کی ادامه خواهد داشت؟» محمود دریافت که مقصود ایشان مشهد است؛ پس به بنای آنجا فرمان داد.<sup>۲</sup>

۳. اوایل قرن ششم، یعنی دوران سلطان سنجر سلجوقی، حرم مطهر با کاشی‌های بسیار نفیس تزیین یافته بود. در سال ۶۱۲ ق که دوران سلطنت سلطان محمد خوارزم‌شاه بود، اقداماتی در زمینه توسعه و مرمت ابنیه حرم مطهر انجام گرفته است.

۴. سنگ مرقد نخستین که برای مشخص کردن مدفن امام بر زمین

۱. الکامل، ج ۹، ص ۴۰۱. ابن اثیر درباره محمود چنین می‌نویسد: «یمین الدوله محمود بن سبکتکین مردی خردمند و دین‌دار و خیر بود. از دانش و معرفت برخوردار بود و به نام وی، کتاب‌های بسیاری در فنون دانش‌ها تصنیف شد. دانشمندان از اطراف بلاد قصد او می‌کردند. او آنان را گرمی می‌داشت. از دیدارشان استقبال می‌کرد و به آنان احترام می‌گذاشت و احسان می‌کرد. محمود مردی دادگستر و بسیار بخشنده و باارفاق به رعایای خویش بود. او جهاد بسیار کرده و فتوحاتش مذکور و مشهور است. آنچه از روزگاران گذشته و دوره ما رسیده بود، بیان کردیم و آن رویدادها، خود دلیل بدل جان در راه خدای بزرگ و اهتمام او در امر جهاد است.»  
۲. همان.

نصب شده بود، سنگ بنای ساخت ضريح بوده است. به خوبی روشن است که تا قرن هشتم قمری، ضريحی بر مضجع شريف نصب نبوده است. ۵. در قرن نهم که مصادف با سلطنت تیموریان است، مشهد به صورت مرکزی دینی، فرهنگی، هنری و اقتصادی درآمد. گوهرشادآغا، رواق بزرگ دارالسیاده و رواق دارالحفاظ و رواق دارالسلام را ساخت. در همین زمان، مسجد باشکوه گوهرشاد نیز بنا شد.<sup>۱</sup>

۶. مشهور است که گذاشتن ضريح بر مرقد امام، از زمان صفویان مرسوم شده است. برخی نیز احتمال داده‌اند که ساخت ضريح از عصر تیموریان متداول شده است.

۷. ضريح اول، ضريحی چوبی با تسمه‌های فلزی و پوششی از صفحات طلا و نقره بوده است. این ضريح در زمان شاه طهماسب صفوی، یعنی سال ۹۵۷ق، ساخته شده و روی صندوق چوبی مضجع منور نصب شده است. در سال ۱۳۱۱ق، هم‌زمان با تعویض صندوق به دلیل فرسودگی پایه‌ها، ضريح برچیده شده و پوشش طلا و نقره و جواهرات آن از چوب‌ها جدا شده و به خزانه آستان قدس منتقل می‌شود.

۸. گنبد حرم را از آجر ساخته‌اند و سپس روی آن را با الواح مسی دارای روکشی از طلا پوشانده‌اند. تذهیب این گنبد برای آخرین بار، در سال ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۶ق، در زمان شاه عباس صورت گرفته است. آن‌گونه که از گفته‌های محققان برمی‌آید، سطح این گنبد، پیش از آن کاشی‌کاری بوده است.

۹. ضريح دوم، ضريح فولادی مرصع، معروف به ضريح نگین‌نشان بوده است. در سال ۱۱۶۰ق، به دستور شاه‌رخ که فرزند رضاقلی میرزا بود و نوه نادرشاه محسوب می‌شد، این ضريح ساخته شده و به وقف، بر فراز مرقد شريف نصب می‌شود. این ضريح سقف نداشته است. پنجره‌ها و شبکه‌های چهار طرف آن، گوی و ماسوره‌هایی داشته که با نگین‌های کوچک یاقوت و زمرد تزیین شده و تعداد آن‌ها، بالغ بر ۲۰۰۰ نگین می‌شده

۱. عطاردی، تاریخ آستان قدس، ج ۲، ص ۶۳۰ و ۶۳۱.

است. به دلیل وضعیت ویژه این ضریح، به آنچه دقیقاً روی کتیبه آن وجود دارد، اشاره می‌کنیم: «نیاز رحمت ایزد مستعان و تراب اقدام زوار این آستان ملک پاسبان، سبط سلطان نادرشاه الحسینی الموسوی الصفوی، بهادرخان به وقف و نصب این ضریح و قبه‌های مرصع چهارگوشه ضریح مقدس مبارک موفق گردید (سنه ۱۱۶۰ قمری)».

۱۰. در زمان تولیت میرزا سعیدخان، برای مصون ماندن نذورات داخل ضریح دوم، شبکه و پوششی طلائی روی ضریح منور قرار می‌گیرد و بدین ترتیب، سقف آن پوشیده می‌شود. این ضریح به دلیل وقف دائمی بودن، تا قبل از شروع عملیات جایگزینی و نصب ضریح مطهر جدید [پنجمین ضریح]، بر مضجع شریف و زیر ضریح پیشین قرار داشت. ضمن عملیات جدید، محل نصب آن تغییر یافت و به قسمت زیرین حرم مطهر منتقل شد.

۱۱. در عصر پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، ضریح فولادی و ساده به ابعاد ۳×۴ متر و ارتفاع ۲ متر ساخته شده و روی ضریح نگین نشان نصب می‌شود. این ضریح، در اصل ضریح سوم محسوب می‌شود.

۱۲. ضریح چهارم، ضریح ملامع یا ضریح طلا و نقره، معروف به شیر و شکر است. این ضریح در سال ۱۳۳۸ ق، روی ضریح دوم نصب می‌شود.

۱۳. ضریح چهارم را مرحوم حافظیان طراحی کردند. مرحوم حاج محمدتقی ذوقن اصفهانی نیز تحت نظارت ایشان، کار اجرا و قلم‌زنی را انجام دادند.

۱۴. طول و عرض و ارتفاع ضریح چهارم، به ترتیب ۴/۰۵ و ۳/۰۶ و ۳/۹۰ متر بوده و این ضریح، چهارده دهانه به نشان چهارده معصوم داشته است. همچنین از طلا و نقره و جواهرات نیز در آن بهره برده‌اند.

۱۵. پس از گذشت بیش از چهل سال از نصب ضریح چهارم، عواملی همچون فرسودگی، سست شدن پایه‌ها و ساختار ضریح و نیز ساییدگی روکش‌های نقره‌ای و طلائی آن، ساخت و نصب پنجمین ضریح را ضروری

می‌کرد. از سال ۱۳۷۲، به دستور مقام معظم تولیت آستان قدس رضوی، حضرت آیت‌الله واعظ طبسی، مطالعات و بررسی‌های مقدماتی ساخت ضریح آغاز شد. به دنبال آن، هنرمندان نامی کشور طرح‌های متعددی ارائه کردند. در نهایت نیز توفیق طراحی ضریح نصیب استاد شهیر نگارگری، آقای فرش‌چیان، شد. پس از چهار سال کاری وقفه روزانه و بعضاً شبانه و نیز کار روزانه به طور متوسط شش نفر، کار قلم‌زنی در کمال ظرافت و امتیاز هنری و نیز صلابت و استحکام پایان یافت و ضریح برای حمل و نصب آماده شد. از ویژگی‌های ضریح مطهر جدید، ضخامت پوشش نقره‌ای آن است که بعضاً به بیش از سه میلی‌متر می‌رسد.

در اطراف ضریح مطهر، چهارده دهانه به شکل محراب را به نشانه چهارده معصوم علیهم‌السلام طراحی و اجرا کرده‌اند. سیر نقش‌ها و جهت قوس‌های آن‌ها، یکدیگر را همراهی و تکمیل می‌کند و مدار یگانه آن‌ها که نهایتاً به نقطه واحدی می‌رسد، تداعی‌کننده اصل اصیل عرفانی «مشاهده وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» است. همچنین، وحدانیت ذات باری تعالی و قائمیت و بازگشت‌پذیری کائنات و ممکنات به خداوند را متجلی می‌سازد. حرم مطهر مجموعه‌ای تقریباً مدور است که در مرکز آن، مضجع منور امام ابوالحسن الرضا علیه‌السلام قرار دارد. همچنین حرم مطهر که گنبد درخشان و طلایی بر فرازش قرار دارد، تقریباً در مرکز بناهای آستان مقدس واقع شده و از نظر معماری و هنری، بسیار بدیع، استوار، زیبا و دل‌انگیز است.

### ● قداست مدفن معصومان علیهم‌السلام

راز قداست مدفن پیشوایان دین علیهم‌السلام چیست؟

در میان اشخاص و زمان‌ها و مکان‌ها، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاصی برتری‌هایی به وجود می‌آید و برخی قداست و منزلت خاصی می‌یابند. روزها و زمین‌ها و لحظه‌ها، از نظر ذاتی باهم تفاوت ندارند؛ ولی به علت تعلق به کسی یا چیزی و انتساب به موضوع مهم یا شخص محترم یا حادثه خاصی، مقدس می‌شوند. مرحوم سید محسن امین در قصیده



«العقود الدُرّیه» می نویسد: «...همچنان که فردی عادی، با مبعوث شدن به رسالت واجب الاطاعه می شود و موقعیت ویژه‌ای پیدا می کند، قطعه‌ای زمین هم که در اصل با زمین دیگر تفاوتی ندارد، وقتی پیامبر ﷺ یا ولیّ خدا ﷺ در آن دفن می شود، به واسطه آن، شرافت و فضیلت و برکتی می یابد که از قبل نداشته است؛ از این رو احترامش لازم و اهانتش حرام می شود. از جمله احترامات، آهنگ زیارت آن کردن، بنای قبّه، بارگاه، ضریح و... برای آسایش و بهره‌وری زائران و از جمله اهانت‌ها، ویران کردن و آلوده ساختن و... است. وقتی خداوند، سنگی [یعنی مقام ابراهیم] را که هنگام بنای کعبه زیر پای ابراهیم خلیل الرحمن ﷺ قرار گرفته است، محترم می شمرد و آن را «مصلّا» قرار می دهد، برای مدفن ابراهیم ﷺ یا محل دفن سرور و سالاران نبی ﷺ احترامی قرار نخواهد داد؟<sup>۱</sup> پس، شرافت مدفن انبیا و اولیای الهی ﷺ به سبب دربرگرفتن اجساد پاک و شریف ایشان است.<sup>۲</sup>

### • ساخت بارگاه و گنبد

آیا ساخت و توسعه بنا و بارگاه حرم، در اسلام مشروع و جایز است؟

ساخت و حفظ بنای قبور انبیا و اولیای الهی ﷺ سنّت دیرینه انسانی است. تاریخ، بهترین گواه این مدعاست که پیروان ادیان آسمانی بدین رویه پایبند بوده‌اند. درباره مشروعیت ساخت بنا روی قبور معصومان ﷺ دو نکته شایان ذکر است:

۱. دوستی پیامبر خدا ﷺ و خاندان ایشان ﷺ از اصول سفارش شده اسلام است. این مهرورزیدن نیز با روش‌های گوناگونی تحقق می یابد. یکی از روش‌های رایج، بنای یادبود بر قبور آنان است. به سرگذشت اصحاب کهف بنگرید: وقتی پس از سیصدواندی سال، حقیقت آنان برای مردم روشن شد، همه دور غار آنان را فرا گرفتند. گروهی از ساخت بنا روی قبر سخن راندند و برخی هم پیشنهاد ساخت مسجد را دادند. قرآن این

۱. اعیان الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۶۵.

۲. فرهنگ زیارت، ص ۳۹.

حقیقت را چنین بیان می‌کند: ﴿فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رَحْمَةً أَعْلَمَ بِهِمُ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا﴾. کلام الله مجید ساخت بنا روی مدفن اصحاب کهف را از زبان گروهی نقل می‌کند، بدون اینکه آن را نقد کند. این خود نشانه مشروع بودن آن بوده و این فرهنگ، قطعی است.<sup>۲</sup>

۲. حرم و بارگاه امام نشانه دین خداست و هرانسانی در آن مکان احساس نزدیکی به خدا خواهد کرد. بدیهی است بزرگداشت و تعظیم آن مکان نیز نشانه تقوای الهی است. می‌توان توجه به بنا و احترام به آن را مصداق این آیه دانست: ﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَعَلَىٰ مَنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾.<sup>۳</sup>

محمد تقی مجلسی مرمت و زینت قبور انبیا و اوصیا علیهم السلام را سبب فزونی اعتقاد مردم می‌داند تا «مبادا به سبب ترک این، ضعفی در اعتقادات ایشان به هم رسد».<sup>۴</sup> پس بنا روی بارگاه و مکان زیارت نه تنها مشکل شرعی ندارد، بلکه کاری مطلوب و مرغوب است.<sup>۵</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این روایت، آباد کردن مرقد پیشوایان دین علیهم السلام را می‌ستایند: پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «خدا از میان بندگان خود، دل‌های انسان‌های بزرگوار و برگزیده را به شما علاقه مند ساخته است. آنان در راه شما، اذیت و آزار را پذیرا می‌شوند و قبورتان را آباد می‌کنند: آن هم برای تقرب به خدا و اظهار دوستی به پیامبر».<sup>۶</sup>

### ● موقوفات آستان

آستان امام رضا علیه السلام موقوفات فراوانی دارد. تنوع آن‌ها چگونه است و از چه زمانی ایجاد شدند؟

۱. کهف، ۲۱.
۲. نک: یونس، ۹۰ و ۹۱.
۳. حج، ۳۲.
۴. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۵۰.
۵. نک: بلاغی، الرد علی الوهابیه (موسوعة العلامة البلاغی، الرسائل الکلامیه، ج ۶)، ص ۳۳۹؛ راهنمای حقیقت، ص ۲۰۷.
۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲.

بسیاری از ارادتمندان و شیعیان حضرت رضا علیه السلام، در طول تاریخ، به اندازه توانایی شان مقداری از مایملک خود را برای آن بارگاه ملکوتی وقف کرده‌اند تا زائران و نیازمندان از آن بهره‌مند شوند. طبق اسناد موجود، قدیمی‌ترین سندهای وقفی مربوط به قرن دهم است. قدیمی‌ترین سند وقف غیرمنقول نیز مربوط به وقف‌نامه عتیق‌علی طوسی است که سال ۹۳۱ ق تنظیم شد. پس از آن، وقف‌نامه سیدعلی حسینی گنابادی است که در سال ۹۵۷ ق، ملکی را در قریه زبید گناباد وقف آستان قدس کرده است.<sup>۱</sup>

در گذشته، موقوفات حضرت رضا علیه السلام بسیار گسترده‌تر از امروز بوده است. اکنون رقبات فراوانی در افغانستان یا در مناطق خوارزم و ماوراءالنهر که جزو منطقه خراسان بوده‌اند، واقع شده که با تغییر مرزهای سیاسی، در آن طرف مرزها مانده است. گفتنی است که در گذشته، در قفقاز، آذربایجان، شوروی، هند و پاکستان نیز موقوفه‌هایی وجود داشته است. اکنون تعدادی مؤسسه دینی به نام امام رضا علیه السلام در هند و پاکستان وجود دارد که مورد توجه شیعیان آنجاست. مردم در روزهای خاصی در آن اماکن گردهم می‌آیند و از فضایل و مناقب آن حضرت سخن می‌گویند و به نام آن امام نذرونیاز می‌کنند.<sup>۲</sup>

در میان موقوفات، ده شش دانگ، مزرعه، باغ بزرگ، خانه کوچک، سرای تجاری، مغازه و... وجود دارد که واقفان و دوستداران حضرت رضا علیه السلام هر یک را به منظوری وقف کرده‌اند. بیشتر املاک آستان قدس، در حومه مشهد و بلوکات تابع مشهد و سایر شهرستان‌های خراسان بوده و محدودی نیز در تهران، قزوین، رشت، مازندران، آذربایجان، کرمان، اصفهان و شیراز است. برخی املاک مزبور شش دانگ و پاره‌ای، سهم محدودی از آن وقف است.<sup>۳</sup>

۱. تاریخ آستان قدس، ج ۲، ص ۵۵۴.

۲. همان، ص ۵۵۵.

۳. همان، ص ۵۵۷ تا ۵۵۸.





## كتابنامه

١. قرآن كريم.
٢. ابن اثير، على بن ابي الكرم، الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ق.
٣. ابن اثير، على بن محمد، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
٤. ابن بطوطه الطنجى، محمد بن عبدالله، رحلة ابن بطوطه (تحفة النظار فى غرائب الامصار و عجائب الاسفار)، الرباط: اكاديمية المملكة، ١٤١٧ق.
٥. ابن حبان بستى، كتاب الثقات، حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، ١٣٩٩ق.
٦. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاريخ ابن خلدون (ديوان المبتدأ والخبر فى تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر)، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٨ق.
٧. ابن روزبهان خنجى، وسيلة الخادم الى المخدوم، به تصحيح رسول جعفريان، قم: انصاريان، ١٣٧٥ش.
٨. ابن شهر آشوب مازندرانى، مناقب آل ابي طالب، قم: علامه، ١٣٧٩ق.
٩. ابن طاووس، على بن موسى، إقبال الأعمال، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٩ق.
١٠. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقائيس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ق.
١١. ابن فتال، روضة الواعظين، ترجمه مهدي دامغانى، تهران: نى، ١٣٦٦ش.
١٢. ابن قولويه قمى، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، نجف: دار المرتضوية، ١٣٥٦ق.

١٣. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
١٤. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم: اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، ١٤١٩ق.
١٥. ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله، حلية الاولياء، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق.
١٦. امين عاملى، محسن، اعيان الشيعة، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
١٧. امينى، عبدالحسين، الغدير فى الكتاب و السنة و الادب، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ١٤١٦ق.
١٨. امينى، عبدالحسين، سيرتنا و سنتنا، تهران: مؤسسة الصادق عليه السلام، ١٤١٢ق.
١٩. امينى، عبدالحسين احمد، ادب الزائر لمن يمم الحائر، ترجمه روح الله ملكيان، قم: زلال كوثر، ١٣٨٢ش.
٢٠. آمدى، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم، به شرح آقا جمال خوانسارى، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٦٦ش.
٢١. آمدى، عبدالواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، قم: دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٦٦ش.
٢٢. بحراني، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، قم: اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، ١٤٠٥ق.
٢٣. بلاغى، محمد جواد، الرد على الوهابيه (موسوعه العلامه البلاغى، الرسائل الكلاميه، ج ٦)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، ١٤٢٩ق.
٢٤. بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد جعفر، تذكرة المتقين، قم: نهاوندى، ١٣٨٦ش.
٢٥. بهايى، بهاء الدين محمد بن حسين و نظام بن حسين ساوجى، جامع عباسى، قم

٢٦. بيهقي، احمد بن حسين، شعب الايمان، بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٧. ترمذى، سنن الترمذى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٣ق.
٢٨. جوادى آملى، عبدالله، مفاتيح الحيات، قم: اسراء، ١٣٩١ش.
٢٩. جوينى، ابراهيم بن محمد بن مويد، فرائد السمطين، بيروت: مؤسسة المحمودى، ١٤٠٠ق.
٣٠. حاكم نيشابورى، أبى عبدالله، مستدرک الصحيحين، بيروت: دار المعرفة.
٣١. حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: آل البيت، ١٤٠٩ق.
٣٢. حرّ عاملى، محمد بن حسن بن على، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، مجمع البحوث الاسلامية، ١٤١٢ق.
٣٣. حسيني طهرانى، محمد حسين، روح مجرد، يادنامه سيدهاشم موسوى حداد، تهران: حكمت، ١٤١٦ق.
٣٤. حكمت زلال، گزيده اى از انديشه هاى علامه طباطبايى، مشهد: مسجد و حسنيه الزهراء، ١٣٨٩ش.
٣٥. حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٨ق.
٣٦. حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: آل البيت، ١٤١٣ق.
٣٧. خرگوشى، ابوسعيد واعظ، شرف النبى، ترجمه نجم الدين محمود راوندى، تهران: بابک، ١٣٦١ش.
٣٨. خمينى، سيدروح الله موسوى، كشف الاسرار، دارالكتاب.
٣٩. خمينى، سيدروح الله موسوى، توضيح المسائل (المحشى)، قم: اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، ١٤٢٤ق.
٤٠. خويى، سيدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: الثقافة الاسلامية، ١٤١٣ق.
٤١. الدار قطنى، على بن عمر بن أحمد، سنن الدار قطنى، بيروت: دار المعرفة.

٤٢. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، بيروت: دار الغرب الاسلامى، ١٤٢٤ق.
٤٣. راغب أصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار القلم، ١٤١٢ق.
٤٤. رخشاد، محمد حسين، در محضر آيت الله العظمى بهجت، قم: مؤسسه فرهنگى سماء.
٤٥. سبحانى، جعفر، راهنمای حقيقت، تهران: مشعر، ١٣٨٧ش.
٤٦. سجستاني، سنن ابى داود، بيروت: دارالفكر، ١٤١٠ق.
٤٧. سمعانى، عبدالكريم، الأنساب، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
٤٨. السمهودى، نور الدين، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامى، ٢٠٠١م.
٤٩. شير، سيد عبدالله، الاخلاق، ترجمه محمد رضا جباران، قم: هجرت.
٥٠. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى، الدروس الشرعية فى فقه الامامية، قم: اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، ١٤١٧ق.
٥١. شهيد ثانى، زين الدين بن على بن احمد، رسائل الشهيد الثانى، قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه، ١٤٢١ق.
٥٢. الصالحى الشامى، محمد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.
٥٣. صدوق (شيخ صدوق)، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، الأمالى، تهران: كتابچى، ١٣٧٦ش.
٥٤. صدوق (شيخ صدوق)، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تهران: جهان، ١٣٧٨ق.
٥٥. صدوق (شيخ صدوق)، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، كتاب من لا يحضره الفقيه، قم: اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، ١٤١٣ق.
٥٦. طباطبايى (صاحب رياض)، سيد على بن محمد، رياض المسائل فى تحقيق الأحكام بالدلائل، قم: آل البيت عليهم السلام، ١٤١٨ق.



٥٧. طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم: الاسلامي، ١٤١٧ق.
٥٨. طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج على أهل اللجاج، مشهد: مرتضى، ١٤٠٣ق.
٥٩. طبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٣ق.
٦٠. طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، تهران: مرتضوى، ١٣٧٥ش.
٦١. طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الاحكام، تهران: الاسلامية، ١٤٠٧ق.
٦٢. طوسى، محمد بن الحسن، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٦٣. عبد الله محمد صالح، العلماء الاسلاميون؛ موقفهم من الوهابية.
٦٤. عطاردى، عزيز الله، تاريخ آستان قدس رضوى، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٧١ش.
٦٥. غزالى، ابو حامد، احياء العلوم، بيروت: دار الكتاب العربى.
٦٦. فيومى، أحمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، قم: مؤسسه دار الهجرة، ١٤١٤ق.
٦٧. قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسير قرطبى)، تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٦٨. قمى، حسن بن محمد، تاريخ قم، ترجمه حسن بن على بن عبد الملك قمى، تهران: مطبعة مجلس، ١٣٥٣ش.
٦٩. قمى، شيخ عباس، مفاتيح الجنان، قم.
٧٠. كارگر، رحيم، در حريم عشق، قم: ستاد عمره دانشجويى، ١٣٨٧ش.
٧١. كفعمى، ابراهيم بن على عاملى، المصباح (جنة الأمان الواقية)، قم: دار الرضى (زاهدى)، ١٤٠٥ق.
٧٢. كفعمى، ابراهيم بن على، البلد الأمين و الدرع الحصين، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤١٨ق.

٧٣. كلاويخو، سفرنامه كلاويخو، ترجمه مسعود رجب نيا، تهران: علمى و فرهنگى، ١٣٧٤ ش.
٧٤. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافى، تهران: الاسلاميه، ١٤٠٧ ق.
٧٥. متقى الهندى، علاء الدين على، كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، بيروت: الرسالة، ١٤٠٥ ق.
٧٦. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.
٧٧. مجلسى، محمد تقى بن مقصود، لوامع صاحبقرانى المشتتهر بشرح الفقيه، قم: مؤسسه اسماعيليان، ١٤١٤ ق.
٧٨. مجلسى، محمد باقر، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تهران: الاسلاميه، ١٤٠٤ ق.
٧٩. مجلسى، محمد باقر، ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٦ ق.
٨٠. مجلسى، محمد تقى بن مقصود، روضة المتقين فى شرح كتاب من لا يحضره الفقيه، تهران: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور، ١٤٠٦ ق.
٨١. مجله فرهنگ زيارت، شماره ٣ و ٤.
٨٢. محدثى، جواد، فرهنگ زيارت، تهران: مشعر، ١٣٨٦ ش.
٨٣. مزالى مراکشى، محمد بن موسى، مصباح الظلام فى المستغيثين بخير الانام فى اليقظة و المنام، بيروت: دار الكتب العلميه، ٢٠٠٤ م.
٨٤. مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
٨٥. مفيد، محمد بن محمد، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، قم: آل البيت (ع)، ١٤١٣ ق.
٨٦. مفيد، محمد بن محمد، الاشراف، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
٨٧. مفيد، محمد بن محمد، المسائل العكبريه، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.

٨٨. مفيد، محمد بن محمد، كتاب المزار، قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
٨٩. مفيد، محمد بن محمد، مسار الشيعة، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
٩٠. مقدسي، أبو عبد الله محمد بن أحمد، احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم، قاهره، ١٤١١ق.
٩١. مكارم شيرازي، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران: الاسلامية، ١٣٧٤ش.
٩٢. ملكي تبريزي، ميرزا جواد، المراقبات، قم.
٩٣. مهلبى، الكتاب العزيز.
٩٤. مؤسسه تحقيقاتي فرهنگي اهل بيت عليهم السلام، فريادگر توحيد: آيت الله العظمى بهجت، قم: مؤسسه اهل بيت عليهم السلام، ١٣٧٨ش.
٩٥. ميرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود، تاريخ روضة الصفا في سيرة الانبياء و الملوك و الخلفاء، تهران: اساطير، ١٣٨٠ش.
٩٦. ميلاني، سيد محمد هادي، ديدگاه هاي علمي آيت الله ميلاني، مشهد: به نشر.
٩٧. نجفي (صاحب جواهر)، محمد حسن بن باقر، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٩٨. نجفي (صاحب جواهر)، محمد حسن بن باقر، مجمع الرسائل (المحشى)، مشهد: مؤسسه صاحب الزمان عليه السلام، ١٤١٥ق.
٩٩. نراقي، محمد مهدي، جامع السعادات، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات.
١٠٠. نراقي، مولا احمد بن محمد مهدي، رسائل و مسائل، قم.
١٠١. نوري، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.
١٠٢. الهيثمي، على بن أبى بكر، مجمع الزوائد، بيروت: دار الكتاب العربي، بيروت: ١٤٠٢ق.

١٠٣. يزدى، سيد محمد كاظم بن عبدالعظيم، العروة الوثقى، بيروت:  
مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٩ق.